



دولت جمهوری اسلامی افغانستان

گزارش نهایی

انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی
۲۰ اگست سال ۲۰۰۹ میلادی

ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات در افغانستان

این گزارش در لسان های انگلیسی، دری و پشتو موجود میباشد، ولی نسخه انگلیسی این گزارش رسمی میباشد.
این گزارش توسط ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای افغانستان تولید گردیده و یافته های این ماموریت را در مورد انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی
مؤرخ ۲۰ اگست سال ۲۰۰۹ در افغانستان دایر گردید. این نظریات توسط کمیسیون اروپا نه اتخاذ و نه این تائید میگردد و نه اعم منحیث بیان (اعلامیه)
کمیسیون قابل اتکاء میباشد. کمیسیون اروپا موثق بودن معلومات شامل این گزارش را تضمین نمینماید و نه اعم در صورت استفاده از این گزارش مسئولیت می پذیرد.

فهرست مندرجات

I. فشرده اجراآت	۴
II. معرفی	۹
III. گذشته سیاسی	۱۰
الف. مفهوم سیاسی	۱۰
ب. بازیگران کلیدی سیاسی	۱۱
ج. سیستم دولت	۱۲
IV. سیستم انتخاباتی و چهارچوب قانونی آن	۱۳
الف. سیستم انتخاباتی	۱۳
ب. طرح حوزه های انتخاباتی و تخصیص کرسی ها	۱۴
ج. چهارچوب کاری قانونی	۱۵
الف) معیارهای بین المللی	۱۵
ب) چهارچوب کاری قانونی ملی برای انتخابات	۱۷
د. مفهوم کلی قانونی	۱۷
V. اداره انتخابات	۱۸
الف. ساختار و ترکیب اداره انتخابات	۲۰
ب. اداره انتخابات	۲۰
الف) استخدام و آموزش مسئولین انتخاباتی و کارمندان مراکز رای دهی	۲۰
ب) معلومات برای رای دهنده و تعلیم و تربیه شهری	۲۰
ج) بازرسی و کاهش تقلب توسط کمیسیون مستقل انتخابات	۲۰
V1. ثبت نام رای دهنده	۲۱
الف. حق دادن رای	۲۲
ب. ثبت نام رای دهنده	۲۲
V11. ثبت نام کاندیدان	۲۲
الف. ثبت نام احزاب سیاسی	۲۴
ب. ثبت نام و انتخاب کاندیدان	۲۵
ج. انصراف بعد از وقت کاندیدان	۲۵
VIII. کمپاین انتخابات و فضای قبل از انتخابات	۲۷
الف. نظارت از کمپاین انتخابات	۲۷
ب. استفاده از منابع دولتی	۲۸
ج. مسائل مالی انتخابات	۲۹
د. شکایات در جریان دوره کمپاین	۲۹

IX. مطبوعات و انتخابات.....	۳۰
الف. فضای مطبوعات.....	۳۰
ب. چارچوب کاری قانونی برای مطبوعات و انتخابات.....	۳۲
الف. کمیسیون رسانه یی انتخاباتی.....	۳۴
ج. نظارت پوشش اخبار مربوط به انتخابات در مطبوعات.....	۳۵
X. اشتراک زنان.....	۳۵
الف. زنان منحیث رای دهندگان.....	۳۶
ب. زنان منحیث کاندیدان.....	۳۶
ج. زنان در اداره انتخابات.....	۳۸
د. ابتکارات سودمند.....	۳۸
XI. حضور اقلیت های ملی.....	۳۸
XII. حضور جامعه مدنی.....	۳۸
XIII. شکایات و درخواست ها.....	۳۸
الف. کمیسیون سمع شکایات.....	۳۸
ب. تخطی های انتخاباتی.....	۴۱
ج. قضاوت و یا رسیدگی به شکایات در رابطه به روز انتخابات ، حساب و شمارش آرا.....	۴۲
XIV. روز انتخابات.....	۴۲
XV. نتایج.....	۴۳
الف. جدول بندی و اعلام نتایج.....	۴۳
ب. نشر نتایج.....	۴۳
الف) نتایج انتخابات شورای ولایتی.....	۴۳
ج. بازرسی و شمارش مجدد.....	۴۴
د. دور دوم انتخابات.....	۴۵
XVI. پیشنهادات.....	۴۶

I. فشرده اجراءات :

بر اساس دعوتی که از جانب دولت جمهوری اسلامی افغانستان و کمیسیون مستقل انتخابات، از ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات صورت گرفت، اتحادیه مذکور برای بررسی و نظارت از روند انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی که بتاريخ ۲۰ ماه اگست سال ۲۰۰۹ میلادی برگزار گردید، از تاریخ ۲ جولای ۲۰۰۹ الی ۶ نوامبر در افغانستان حضور داشت.

بر اساس قیومیت و با وجود فشارهای متعددی که ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات با آن مواجه بود، این نهاد یک ارزیابی جامع را از تمام پروسه انتخابات با توجه به معیارهای بین المللی و قوانین نافذ دولت جمهوری اسلامی افغانستان برای برگزاری یک انتخابات دموکراتیک براه انداخت.

ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات تمام اندیشه های خویش را بخاطر پروسه انتخابات، طی انتشار اعلامیه های مطبوعاتی متعدد و بیانیه مقدماتی که بتاريخ ۲۲ اگست سال ۲۰۰۹ میلادی به نشر رسید ابراز نمود.

موانع، بر علاوه محدودیت های امنیتی عام و افزایش واقعات مختلفی که در روز انتخابات روی داد و دست رسی ماموریت ناظرین اتحادیه اروپا برای انتخابات به مراکز رای دهی را بطور جدی متاثر ساخت و این مساله نارضایتی و یا عدم رضایت نهاد های دیگر چون کمیسیون مستقل انتخابات و پروگرام انکشافی ملل متحد برای انتخابات، برای تسهیل بخشیدن برای دست رسی به معلومات ضروری برای نظارت مؤثر را نیز در پی داشت.

انتخابات ریاست جمهوری و شورا های ولایتی در یک فضای کاملاً پرچالش و استثنایی برگزار گردید. برگزاری انتخابات ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ که توسط جامعه بین المللی تنظیم گردیده بود، فرصت های را برای تقویت نهاد های کلیدی، تقویت حاکمیت قانون و کنترل فساد از دست داد که ناامنی و معافیت برای مجرمین که شدیداً اعتماد، اعتبار و مؤثریت یک حکومت دموکراتیک را زیر سؤال برده اند، آنرا از بین برد. بر علاوه، تنش های جاری مخالفین نیز به نقاط بیشتر کشور سرایت کرده بود.

انتخابات ریاست جمهوری و شورا های ولایتی سال ۲۰۰۹ اولین پروسه بود که بعد از سقوط رژیم طالبان در سال ۲۰۰۹ میلادی توسط خود افغانها تنظیم و با مساعدت مهم تخنیکي جامعه بین المللی، حمایت از ظرفیت سازی که بطور خاص از سوی پروگرام انکشافی سازمان ملل متحد، پروژه ظرفیت حقوقی و انتخابی برای فردا، براه انداخته شد.

اگرچه موفقیت پروگرام (پروژه ظرفیت حقوقی و انتخابی برای فردا)، متاثر از واقعیتی شده بود که، با وجود پیشنهاداتی که در جریان انتخابات ۲۰۰۵ میلادی صورت گرفته بود، جامعه بین المللی فقط در اواخر سال ۲۰۰۸ میلادی توانست تا به ضروریات تشکیلاتی اضافی دیگر برای انتخابات سال ۲۰۰۹ میلادی رسیدگی نماید. پروژه متذکره یک تعهد دراز مدت را دربر گرفت، و در همان زمان، پروگرام انکشافی سازمان ملل متحد (پروژه ظرفیت حقوقی و انتخابی برای فردا)، بطور مؤثر و همگام با مقامات ملی عمل نمود. مشاورین بین المللی که برای (پروژه ظرفیت حقوقی و انتخابی برای فردا)، کار میکردند نیز گاهگاهی باعث ایجاد مشکل شده و یا هم همکاری نمیکردند و این درست زمانی بود که ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات معلومات ضروری را جستجو مینمود.

۴۴ کاندید نام خویش را در پروسه انتخابات ریاست جمهوری منحیث کاندیدان مستقل و بر اساس تعلقات قومی و یا قبیله ای و یا هم شهرت سیاسی و یا شخصی ثبت نمودند. که این خود نشان دهنده ضعف احزاب سیاسی در افغانستان میباشد. اگرچه بر اساس قانون اساسی سال ۲۰۰۴ برای تشکیل احزاب سیاسی اجازه داده شده، و در چارچوب انتخاباتی به افراد اجازه داده میشود تا خود را به طور مستقل کاندید نمایند.

بنای چارچوب قانونی ملی برای راه اندازی انتخابات در جریان حکومت انتقالی و بعد از راه اندازی توافقات بن در سال ۲۰۰۱ میلاد گذاشته شد، که این یک اساس تخنیکي قناعت بخش را برای راه اندازی انتخابات دموکراتیک

با توجه به معیارهای بین المللی فراهم میسازد. اگرچه بعضی از نقاط مهم ضعف وجود دارد که میتواند پروسه را زیرسؤال برده و با خطر مواجه سازد.

این موضوعات شامل آماده ساختن قانون اساسی در روز انتخابات ریاست جمهوری که از نگاه طرز العمل کاملاً ناممکن و غیر قابل اجرا میباشد، نداشتن استقلالیت ارگان های قضایی و کمیسیون مستقل انتخابات، عدم وضاحت بعضی از مواد قانون انتخابات (انصراف بعضی از کاندیدان و پیامد های آن)، عدم موجودیت نظم در پروسه مالی کمپاین های انتخاباتی، عدم ضمانت شفافیت پروسه انتخابات، و غیره. قوانینی که پروسه انتخاباتی را رهبری مینماید بر اساس یک قانون خاص توشیح گردیده است و این قوانین بصورت درست منتشر نگردیده بودند. که این خود باعث عدم موجودیت وضاحت، ثبات و شفافیت در این پروسه شده بود.

هرچند، کمیسیون مستقل انتخابات بشکل مؤثر وظیفه خویش را انجام دادند و ترتیبات تخنیکی همچنان توأم با ضرب الاجل زمانی مناسب با وجود چالش های امنیتی و زیربنایی تنظیم گردیده بود ولی کمیسیون مستقل انتخابات بطورکل مستقل و بیطرف و شفاف شناخته نشد و این کمیسیون هیچگاهی شفاف نبوده است. کمیسیون مستقل انتخابات دسترسی به معلومات را که غرض مؤثریت اداره انتخابات به آن نیاز بود تسهیل نموده نتوانست، البته این امر بشکل خاص در مراحل بعدی این پروسه اصل قضیه محسوب میشد (مثلاً در شمارش و رسیدگی به نتایج).

کمیسیون مستقل انتخابات در ارایه لست نهایی مراکز رای دهی به مردم موفق نگردید که هر دو رای دهندگان و ناظرین را از حق دسترسی به معلومات معتبر و کامل در رابطه به این که رای دهی در کجا صورت گرفت، محروم نمود. بعد از روز انتخابات، کمیسیون مستقل انتخابات ارقام ضد و نقیض، ناموثق و قابل تغییر را در رابطه به تعداد مراکز رای دهی که باز بودند ارایه نمود. رقم واقعی مراکز و تعداد دقیق کارمندان در مراکز رای دهی استخدام شده و کارمندان که بالاخره به کاربر ده شدند، با تفکیک تعداد کارمندان اناثیه، همچنان نامعلوم ماندند.

ایجاد واحد جندر در کمیسیون مستقل انتخابات یک قدم مثبت بود، ولی توسعه ساختار و انتقال وجوه فرا تراز بخش اطلاعات عامه در کمتر از سه ماه قبل از اینکه انتخابات توانایی خویش را برای عملی نمودن مقیاس های عملی با در نظر داشت شیوه زمانبندی شده محدود نمود. استخدام کارمندان اناث در مراکز رای دهی بسیار دیر شروع گردید که این خود موفقیت این پروسه را زیرسؤال برد.

ذخیره و حفاظت مواد حساس که برای مراکز انتخابات اختصاص داده شده بود و در روز انتخابات باز نشد مسؤولیت مشترک مشاورین کمیسیون مستقل انتخابات و پروگرام انکشافی سازمان ملل متحد (پروژه ظرفیت حقوقی و انتخابی برای فردا) بود. در بعضی از نقاط فوق الذکر، یک مقدار قابل توجه از این مواد انتخاباتی برای انجام تقلب جدی و با سوءاستفاده از اوراق رای دهی و ایجاد مراکز تخیلی برای تجمع رای دهندگان مورد استفاده قرار گرفته بود.

با وجود پیشنهاداتی که در رابطه به انتخابات سال ۲۰۰۵ صورت گرفته بود، کمیسیون سمع شکایات بسیار دیر در چوکات این پروسه آغاز بکار کرده و تأسیس گردید، که یکی از عوامل ایجاد دیر تر آن عدم موجودیت منابع و وضع امنیتی بوده، اما تعلل اداری نیز در آن دخیل بوده است. کمیسیون سمع شکایات قادر بود تا قاعده و چارچوب کاری عملیاتی خویش را برای رسیدگی به شکایات در مقایسه با انتخابات قبلی بهبود بخشد.

انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی سال ۲۰۰۹ میلادی بدون یک ترکیب درست و دقیق از رای دهندگان براه انداخته شد، که این خود شفافیت و درست بودن پروسه را ضعیف جلوه داده و آنرا زیرسؤال برد. با وجود پیشنهاداتی که در رابطه به ثبت نام دقیق رای دهندگان از سال ۲۰۰۵ بدین سو صورت گرفت، ولی در سال های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ تنها یک تمرینی از این پروسه به اجرا گذاشته شد. این تجدید ثبت نام رای دهندگان منجر به صدور ۴.۷ میلیون کارت رای دهی اضافی

گردید، که این رقم همراه با ۱۲.۵ میلیون کارتی که قبلاً توزیع گردیده بود در مجموع به بیش از ۱۷ میلیون کارت رای دهی رسید. از رقم فوق الذکر چند میلیون آن دوشاخه ای بوده، اما پروسه تجدید ثبت نام رای دهندگان قبل از روز انتخابات نیز خاتمه نیافته بود.

واضح ترین نشانه شک و تردید در رابطه به صحت پروسه تجدید ثبت نام رای دهندگان به ثبت نام طبقه انات ارتباط میگردد، که بر اساس بعضی از شواهد مبنی بر تقلب در پروسه ثبت نام، عده ای از مردان از زنان خویش که حق خارج شدن از منزل را در بعضی از ولایات ندارند و کالت نموده و عوض آنان رای خویش را به صندوق های رای ریخته اند.

قانون انتخاباتی نظارت از کاندیدان را در صورت داشتن فعالیت های جنایی و یا ارتباط نزدیک آنان با گروه های مسلح غیر قانونی بر عهده داشته، با این حال قانون اساسی کشور نیز مانع کاندید شدن کسانی که متهم به جرایم جنایی هستند میگردد. پروسه نظارت از کاندیدان از هیچگونه حمایت سیاسی برخوردار نبوده، و همینطور احزاب بین المللی وابسته به سکرتریت مشترک کمیسیون خلع سلاح و ملکی سازی نیز در تهیه معلومات اضافی ناکام گردید. بر علاوه، چارچوب زمانی کوتاه برای قلع سلاح کردن در برابر تصامیم و انتخاب اشخاص برای خلع سلاح شدن، مسأله نظارت کاندیدان را برای خلع سلاح شدن بطور گسترده زیر فشار قرار داد.

پروسه کمپاین کاندیدان در یک فضای انجام شد که اکثر آزادادی رفت و آمد و برگزاری تجمعات را بخاطر عملیات های نظامی دوامدار، بطور خاص در جنوب کشور، و افزایش حملات طالبان مسلح برای مختل ساختن انتخابات و ایجاد ترس برای بازداشتن رای دهندگان، محدود ساخته بود. با وجود روی دادن یک سلسله حملات بالای کاندیدان ریاست جمهوری و کسانی که برای شان کمپاین مینمودند، باز هم بیشترین کاندیدان ریاست جمهوری توانستند تا در اکثر ولایات کشور کمپاین نمایند. موجودیت منابع کمتر و حمایت امنیتی ناچیز، کاندیدان شوراهای ولایتی را با مشکلات جدی بیشتری مواجه ساخت و در بعضی از موارد پروسه کمپاین آنان تنها در مراکز ولایات و ولسوالی ها محدود میگردد. با این حال کاندیدان مؤنث شوراهای ولایتی بیشتر از این امر متأثر گردیده و حتی بعضی از آنان نتوانستند در مجموع حتی کمپاین نمایند.

رسانه ها در پوشش کمپاین های انتخاباتی، و تهیه پروگرام های بیشتر در این مورد نقش مهمی را بازی نمودند. بررسی **ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات** نشان داد که تنها چهار کاندید اصلی در انتخابات ریاست جمهوری (آقای حامد کرزی، داکتر عبدالله عبدالله، آقای اشرف غنی احمدزی، و داکتر رمضان بشردوست) پوشش وسیع از کارکردهای شان در جریان کمپاین های انتخاباتی شان داشتند، که این فرصت برای دیگر کاندیدان ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی چندان میسر نبوده است. مطبوعات دولتی اکثر پوشش های نشرات سیاسی خویش را بشکل بیطرف و یا مثبت آن وقف حامد کرزی کرده بود. حق آزادی مطبوعات نیز با تصمیم شورای امنیت ملی مبنی بر عدم پوشش اخبار منفی و یا واقعات منفی در روز انتخابات که مانع مردم برای دادن رای خواهد شد، بطور جدی متأثر گردیده و از سوی این نهاد سلب گردیده بود. تعداد زیادی از مطبوعات داخلی از این امر اطاعت نمودند، ولی ۱۵ ژورنالیست افغان و خارجی که میخواستند از جریان یک رویداد مسلحانه که در روز انتخابات در کابل روی داد گزارش تهیه نمایند توسط موظفین امنیتی بازداشت گردیدند.

یکی از اصول جهانی، حق دادن رای برای یک فرد است که با محروم بودن شمار زیادی از زنان افغان از این حق این اصول نیز زیر سؤال رفت. اگرچه قانون مدنی و سیاسی زنان افغان در قانون اساسی کشور مشخص گردیده است، ولی اشتراک زنان منحیت کاندید، رای دهنده و یا هم کارمند در امور انتخابات بطور گسترده محدود بوده است. سازمان های عمده زنان، ابراز داشته اند که یکی از موانع بزرگی که سد راه اشتراک زنان در انتخابات شد ناتوانایی خود آنان برای ثبت نام شان در این پروسه بوده است. در بعضی از موارد در تناسب با توازن در استخدام مأمورین مراکز انتخاباتی، تعداد زیادی از کارمندان این مراکز را مردان تشکیل میدادند که این خود باعث حضور کم رنگ و کم زنان در این مراکز گردیده بود. بر علاوه موجودیت مخالفت های وسیع فرهنگی برای حضور زنان در زندگی اجتماعی، و اوضاع نامناسب امنیتی آنان را کاملاً متأثر ساخت، زنان بطور عموم نتوانستند تا از آزادی رفت و آمد در ملا عام، معاشرت و تبارز دادن خود شان در اجتماع استفاده نمایند. موجودیت رخنه و یا شکاف

درحق قانونی زنان و وسعت اشتراک آنان کاملاً زیرپاشده بود و این خود فرصت را برای انجام تقلب مساعد ساخت.

روز انتخابات با یک سلسله خشونت های گسترده که اکثرأ مراکز انتخابات و دوايردولتي و رای دهندگان را در سراسر کشور هدف قرار داد، همراه بود. وضعیت نامساعد امنیتی بطور غیر قابل قبول تحرکات و فعالیت های نظارتی ناظرین ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات را متأثر ساخته بود. با وجود این همه، ناظرین ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات در جریان بازگشایی مراکز انتخابات، ریختن آرا به صندوق های رای و شمارش آرا در ۲۶۸ مرکز رای دهی در ۱۷ ولایت از جمله ۳۴ ولایت افغانستان حضور داشتند.

ناظرین ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات در مراکز رای دهی نظارت شده توسط آنان، ملاحظه نمودند که پروسه رای دهی در این مراکز، با در نظر داشت شرایط دشواری که وجود داشت بصورت قناعت بخش تنظیم گردیده بود. با وجود وضعیت ناگوار امنیتی که فرا روی این پروسه قرار گرفته بود، با آن هم یک تعداد قابل ملاحظه از شهروندان افغان آرای خویش را به صندوق های رای ریختند. حضور گسترده مردم در ساحات شمالی کشور واقعاً قابل ملاحظه بود و در نقاط جنوب و جنوب شرقی کشور حضور آنان کم رنگ و در بعضی موارد کاملاً کمتر از آن چیزی بود که تصور میشد.

کمیسیون سمع شکایات در جریان انتخابات، پروسه شمارش آرا و در جریان اعلان نتایج ابتدایی از سوی کمیسیون مستقل انتخابات در مجموع ۲۵۸۴ شکایت را بدست آورده بود. شکایات شامل (اظهارات کارمندان مراکز رای دهی مبنی بر تقلب، کیفیت ضعیف رنگ، کار نکردن ماشین سوراخ کن کارت های رای دهی، موجودیت ترس در میان رای دهندگان، ممانعت نمایندگان کاندیدان و ناظرین در مراکز رای دهی، وارد شدن اتهامات بالای کارمندان مراکز رای دهی و مقامات محلی بخاطر مرتکب شدن تقلب، پرکردن صندوق های رای و اختلاف وسیع در رابطه به تعداد اصلی اشتراک کنندگان در روز انتخابات و تعداد رای دهندگانی که در فورمه های نتایج ثبت شده بودند) میگردد.

بتاریخ ۲ ماه سبتمبر سال روان میلادی کمیسیون مستقل انتخابات شروع به نشر نتایج ابتدایی انتخابات ریاست جمهوری- به ترتیب هر محل و مرکز رای دهی آن در صفحه انترنتی خود نمود. فیصدي آرای که از حوزه جنوب کشور به مرکز شمارش آرا انتقال میگردد یعنی بشمول آرای تقلبی، روز به روز افزایش میافت، و افزایش تدریجی آرای متذکره مسؤولین شمارش آرا را تشویق مینمود تا آرای ریخته شده به این صندوق ها را قبول نمایند، بخاطریکه اگر آرای مذکور بطور وسیع و گسترده میامد ممکن تمام آن تقلب تلقی شده و رد میگردد. تحلیل های مداوم تحلیلگران ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات از روند جاری نتایج آرا باعث شد تا آنان بدانند که کمیسیون مستقل انتخابات در مسأله بازرسی و تقلیل تقلب در پروسه رای دهی نتوانسته است معیار های تعیین شده برای این کار را عملی نماید. تحلیل های ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات نشان داد که 1.6 میلیون آرای ریخته شده به صندوق های رای مشکوک و یا هم تقلبی بوده است، که بیشترین آن به حامد کرزی نسبت داده میشود.

با نشر شواهد زیاد در رابطه به موجودیت تقلب، کمیسیون سمع شکایات بتاریخ ۸ سبتمبر به کمیسیون مستقل انتخابات وظیفه سپرد تا آرای ریخته شده به صندوق ها را دوباره بازرسی نموده و نتایج آرای محلات رای دهی را باز شماری نمایند. اگرچه کمیسیون مستقل انتخابات بتاریخ ۱۶ ماه سبتمبر نتایج ابتدایی انتخابات ریاست جمهوری را اعلان نمود که از جمله نتایج اعلام شده، ۵۴.۶ درصد آن مربوط به حامد کرزی و ۲۷.۷۵ درصد آن مربوط به داکتر عبدالله عبدالله میشد. با ادامه مناظرات میان کاندیدان و پریشانی های دوا مدار، کمیسیون مستقل انتخابات بتاریخ ۵ اکتوبر سال ۲۰۰۹ بازرسی صندوق های رای مشکوک را تحت نظارت و سرپرستی کمیسیون سمع شکایات براه انداخت. بعد از اعلان نتایج بازرسی های متذکره شمار زیادی از آرای ریخته شده به صندوق های رای باطل اعلان شدند و به تاریخ ۱۹ اکتوبر کمیسیون مستقل انتخابات با اعلان نتایج نهایی انتخابات ریاست جمهوری، از برگزاری دور بعدی انتخابات بتاریخ ۷ نو فمبر میان حامد کرزی و داکتر عبدالله عبدالله خبر داد، و این در حالی صورت گرفت که هیچ یک از کاندیدان بیش از ۵۰ درصد آرا را بدست نیاورده بود.

داکتر عبدالله عبدالله انصراف خویش را از رفتن به دور بعدی انتخابات بتاريخ ۱ نوامبر، با انتقاد نمودن از عدم شفافیت در پروسه و مستقل نبودن کسانی که در اس پروسه انتخابات قرار داشتند بالخصوص ریس کمیسیون مستقل انتخابات که برکناری وی از پست ریاست کمیسیون مستقل انتخابات یکی از شرایطی بود که داکتر عبدالله آنرا برای برگزاری انتخابات

عاری از عیب لازمی میدانست، اعلام نمود به تعقیب این بیانیه، کمیسیون مستقل انتخابات بتاريخ ۲ نوامبر رفتن انتخابات به دور دوم را لغو نموده و حامد کرزی را من حیث برنده انتخابات ریاست جمهوری اعلام نمود، اگرچه تصمیم کمیسیون مذکور در چنین یک لحظه زمانی در مغایرت با ماده ۳۷ بند دوم قانون انتخاباتی قرار داشت، در ماده مذکور گفته شده است که شخص میتواند یک روز قبل از برگزاری انتخابات انصراف خویش را اعلان کند نه اینکه خود کمیسیون مستقل انتخابات این ماده را به خواست خود تفسیر نادرست کند.

اگرچه آرای شوراهای ولایتی نیز همزمان با اعلان نتایج انتخابات ریاست جمهوری شمارش شده بود، ولی هیچ معلوماتی در رابطه به نتایج انتخابات شوراهای ولایتی حتی بیش از ۵ هفته بعد از روز انتخابات نیز از جانب کمیسیون مستقل انتخابات منتشر نگردید، ولی بالاخره کمیسیون مذکور بتاريخ ۲۸ سبتمبر سال ۲۰۰۹ نتایج قسمی (۳۰ ولایت از جمله ۳۴ ولایت) را در صفحه انترنتی خود به نشر رساند. یک مقدار شکایاتی که در رابطه به انتخابات شوراهای ولایتی بدست رس مسئولین رسیده است هنوز به آن رسیدگی نشده و نتایج عمومی نیز هنوز اعلام نگردیده است.

ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات یک سلسله پیشنهاداتی را جهت پیشرفت چارچوب کاری و انجام انتخابات در افغانستان توصیه مینماید. یک تعداد از این پیشنهادات ممکن به وقت ضرورت داشته باشد با نزدیک شدن انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی ها که قرار است در سال ۲۰۱۰ میلادی انجام شود، پیشنهادات متذکره مهمترین مقیاس ها را که میتواند به آسانی و در مدت زمان کم قابل تطبیق باشد در اینجا برجسته میسازد.

پیشنهادهای اصلی در رابطه به موضوع قرار ذیل شرح داده شده است:

- استقلالیت کمیسیون مستقل انتخابات باید تضمین گردد-اعضای این کمیسیون که در جریان انتخابات سال ۲۰۰۹ در تقلب دست داشتند باید برطرف گردند. سیستم تفرری باید اصلاح گردد، تا زمانی که این تغییر بمیان میاید، نماینده حزب و کاندید، ناظرین ملی و بین المللی، باید حق اشتراک در جلسات کمیسیون مستقل انتخابات را داشته باشند.
- هیچ انتخاباتی بدون ثبت نام دقیق و با اعتبار برای دهندگان براه انداخته نشود. پروسه تجدید ثبت نام رای دهنده باید مدت زمان کم را در برگیرد. پروسه ثبت نام باید مسأله سن آنده از رای دهندگانی را که واجد شرایط نمی باشند ولی در انتخابات بعدی واجد شرایط میگردند در نظر گیرد.
- تمام مقررات و اصلاحاتی که مطابق با قانون باشد باید هماهنگ ساخته شده و بدست رس واجدین شرایط قرار گیرد.
- خط اندازی و سرحد میان ولسوالی ها باید قبل از برگزاری انتخابات شورای ولسوالی ها به بحث گرفته شده و مطابق به لایحه قانون تنظیم گردند. بنا وزارت امور داخله باید لست مکمل ولسوالی ها را تعیین و از لحاظ تخنیکی این پروسه را حمایت نماید.
- با کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون خلع سلاح و ملکی سازی حمایت تخنیکی صورت گرفته تا مقتضیات نظارت را با عملکرد بی طرفانه از این پروسه و اهداف معیاری آن تقویت بخشد. کمیسیون خلع سلاح و ملکی سازی باید از سوی جامعه بین المللی از لحاظ مالی و سیاسی حمایت شود.
- با توجه به تکمیل شدن تحقیقات و ابقای کارمندان با تجربه در موقف های شان، کمیسیون سمع شکایات نباید الی اخیر سال ۲۰۰۹ و آغاز انتخابات بعدی لغو گردد. در غیر آن، کمیسیون مذکور باید در انتخابات آینده با در نظر داشت زمانبندی منظم، یعنی حد اقل ۶ ماه قبل از روز برگزاری انتخابات ویا تاریخ پیش بینی شده برای آن ایجاد گردد. با اولویت قرار دادن کمیسیون شکایات انتخاباتی، باید حمایت وسیعی از این کمیسیون در جریان انتخابات ۲۰۱۰ میلادی صورت گیرد.

- بازرسی و دریافت تقلب های موجود باید کاملاً صورت گیرد. طرز العمل و یا شیوه های تفصیلی و لازمی برای ردیابی تقلب باید در ابتدای پروسه انتخاباتی طبع و یا چاپ گردد تا باشد که از آن واجدین شرایط و مردم عام بطور وسیع استفاده کرده بتوانند.
- واحد جنرکمیسیون مستقل انتخابات باید پلان استراتژیک خویش را برای تمرکز در مسأله اشتراک زنان در پروسه انتخاباتی ساده و مؤثر سازد. مشوره و همکاری با گروپ های زنان باید ایجاد گردیده تا باشد که از منابع و آگاهی آنان بصورت مؤثر استفاده شده بتواند.
- آموزش های جامع و وسیع برای کارمندان انتخاباتی باید داده شده و مردم نیز همانند آنان در کاهش موارد غیر قابل قبول و غیر قانونی که رای دادن یک مرد به نمایندگی از یک زن صورت میگیرد کمک نمایند.
- تعداد دقیق کرسی ها که برای خانم ها در پارلمان، شورا های ولایتی و ولسوالی ها قانوناً داده شده است باید رسماً ابلاغ و نشر گردد.
- ظرفیت سازمان های نظارتی داخلی باید افزایش یابد تا آنان قادر گردند که یک ارزیابی کلی از پروسه انتخابات داشته و پیشنهادات شان را نشر نمایند. نهاد های که کمک های تخنیکی را فراهم میسازند نباید به اداره انتخابات و سازمانهای نظارتی داخلی که نقش شان ارزیابی اداره انتخابات میباشد مشوره دهد.

II. معرفی

ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات به دعوت دولت جمهوری اسلامی افغانستان و کمیسیون مستقل انتخابات برای بررسی و نظارت از روند انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی که بتاريخ ۲۰ اگست سال ۲۰۰۹ میلادی برگزار گردیده بود و دور دوم انتخابات که سرانجام از سوی کمیسیون مستقل انتخابات دایر نشد، از تاریخ ۲ جولای الی ۶ نوامبر سال ۲۰۰۹ میلادی در افغانستان حضور داشت. ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات در جریان دور اول انتخابات از سوی آقای فیلیپ مورغیون (فرانسوی) عضو قبلی پارلمان اروپا و در جریان دور دوم انتخابات ریاست جمهوری از سوی آقای تیس بیرمن (هالندی) عضو فعلی پارلمان اروپا رهبری میشد. هدف اصلی این مأموریت راه اندازی یک ارزیابی وسیع از تمام روند انتخاباتی با توجه به معیارهای بین المللی برای برگزاری یک انتخابات دموکراتیک و قوانین دولت جمهوری اسلامی افغانستان در مطابقت با اصول اتحادیه اروپا و "اعلامیه اصول برای نظارت انتخابات بین المللی" که از سوی سازمان ملل متحد در اکتوبر سال ۲۰۰۵ میلادی به نشر رسیده بود، میباشد. یک ماه قبل از برگزاری انتخابات، ۳۶ ناظر برای نظارت از ماحول قبل از انتخابات و آمادگی ها برای تدویر آن به افغانستان اعزام گردیدند و در روز انتخابات این مأموریت در مجموع ۱۲۰ ناظر را از ۲۲ کشور عضو اتحادیه اروپا بشمول کشورهای ناروی، سوئد، دانمارک و کانادا برای نظارت از انتخابات به افغانستان اعزام نمود. ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات بزرگترین مأموریت بین المللی برای نظارت از انتخابات میباشد که تا به حال به افغانستان اعزام شده است.

ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات چارچوب کاری قانونی و انتخاباتی، و همچنان کیفیت مسایل کلیدی مانند پروسه ثبت رای دهنده و ترتیبات لوژستیک در روز انتخابات را تحلیل نمود. آزادی کاندیدان برای کمپاین نمودن، آزادی مطبوعات و مسؤولیت های آنان و اینکه زنان و مردان افغان تا چه حد توانستند که از حق مدنی و سیاسی خویش استفاده نمایند نظارت و بررسی شد.

اگرچه اعزام نظارت کنندگان به این کشور از تهدید های امنیتی و خشونت در روز انتخابات متأثر گردید، ولی با آن هم ناظرین مأموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات، در روز گشایش مراکز رای دهی، روز رای دادن و شمارش آرا در ۲۶۸ حوزه رای دهی در ۱۷ ولایت از جمله ۳۴ ولایت افغانستان حضور داشتند.

مأموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات بتاريخ ۲۲ اگست سال ۲۰۰۹ بیانیه ابتدایی خویش را به نشر رساند و در آن مسایل متعددی را در رابطه به پروسه نظارت این مأموریت در روز انتخابات و دیگر مسایل قابل تشویش

چون (خشونت های گسترده و وسیع، عدم استقلالیت کمیسیون مستقل انتخابات، نبود یک کارت ثبت شده دقیق و واحد، ضعف در قاعده و قانون چارچوب کاری مربوط به انصراف کاندیدان، متأسفانه ایجاد بسیار ناوقت و دیر کمیسیون سمع شکایات و موجودیت حوزه های انتخاباتی محدود برای اشتراک زنان افغان در پروسه انتخابات،) را برجسته ساخت.

ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات برای نظارت و تحلیل مراحل بعدی پروسه انتخابات ، که بیشتر روی جدول بندی نتایج و میکانیزم شکایات تمرکز میگردد در کشور باقی ماند. زمانیکه نتایج ابتدایی به نشر رسید ، **ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات یک تحلیلی از این روند داشت که آن نشاندهنده شواهد در رابطه به تقلب در این پروسه بود.**

ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات، از دولت جمهوری اسلامی افغانستان و بالخصوص وزارت امور داخله و پولیس ملی افغان برای کمک و همکاری در جهت تأمین امنیت اعضای **ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات** در کابل و دیگر ولایات اظهار سپاس و امتنان مینماید.

ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات از هیأت کمیسیون اروپا، ریاست دولت سویدن، نماینده خاص اتحادیه اروپا و نمایندگان کشورهای عضو این اتحادیه برای کمک های دوامدار و حمایت شان از این مأموریت، و همچنان از نمایندگی های سیاسی (سفارت خانه) کشورهای هالند و بریتانیا در جهت مساعد ساختن زمینه اقامت ناظرین این اتحادیه در مراکز تیم های بازسازی ولایتی اظهار سپاس و امتنان مینماید. جا دارد که در این جا از تمام طرف های ملی و بین المللی، گروپ های ناظرین بین المللی برای پیشکش نمودن مساعدت های بی مانند شان و تسهیل این مأموریت تشکری گردد.

III. سابقه سیاسی

الف: مفهوم سیاسی

جمهوری اسلامی افغانستان یک کشور محاط به خشکه و در قلب آسیا موقعیت دارد. با موجودیت تقاطع در بین ساحات شرق و غرب، این کشور همیشه بخاطر داشتن موقعیت خوب استراتژیکی با چالش های روبرو بوده است. در سال ۱۹۱۹ ، بعد از جنگ سوم افغان-انگلیس این کشور توانست که استقلال کامل خویش را بدست آورد و در ابتدا دارای حکومت شاهی و بعداً در سال ۱۹۷۳ نظام جمهورییت روی کار شد. از سال ۱۹۷۹ به بعد، افغانستان ۲۰ سال جنگ را متحمل گردید، که ۹ سال اول آن در نبرد با اتحاد جماهیر شوروی و بعداً آتش جنگ های داخلی میان احزاب مختلف سیاسی افغان شعله ور شد تا زمانیکه طالبان در اواسط دهه ۱۹۹۰ کنترل کشور را به دست گرفتند.

از سقوط طالبان در نوامبر سال ۲۰۰۱ میلادی به بعد ، افغانستان قدم های مؤثری را در جهت دموکراسی گذاشته است. موافقت نامه بُن که در دسامبر سال ۲۰۰۱ توسط احزاب عمده سیاسی افغانستان و تحت حمایت سازمان ملل متحد به امضا رسید خود قدمی برای رفتن بسوی حکومت انتقالی بود. تصویب قانون اساسی در سال ۲۰۰۴ میلادی و تدویر انتخابات ریاست جمهوری و بعداً پارلمانی در بین سال های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ یکی از دست آورد های بسیار مهم این موافقت نامه محسوب میشوند.

انتخابات ریاست جمهوری، پارلمانی و شوراهای ولایتی مشترکاً توسط دولت افغانستان و سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ برگزار گردید و برای افغانها این فرصت را داد تا برای اولین بار بعد از سال ۱۹۶۰ نمایندگان خویش را انتخاب نمایند. در سال ۲۰۰۴ ، حامد کرزی با گرفتن ۵۵.۴ درصد آرا (۴.۴ میلیون رای) در مقابل ۱۶ رقیب دیگر که اکثر این رای از اقوام پشتون و یک مقدار آن از سوی قوم تاجک و هزاره به نفع اش در صندوق ریخته شده بودند منحصراً رئیس جمهور انتخاب گردید ولی در مقابل رقبایش تنها از اقوام مربوط به خودشان توانستند که رای بگیرند. در جریان انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۴ میلادی تنها ۷۰ درصد از ۱۰.۵ میلیون رای دهنده که نام خود را ثبت نموده بودند در این انتخابات اشتراک نمودند ولی این درحالیست که شمار کسانی که در انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایتی اشتراک به مراتب کم بوده و فقط ۵۰ درصد از ۱۲.۴ میلیون افراد واجد شرایط و ثبت نام شده در آن اشتراک نمودند.

انتخابات سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ رضایت مردم افغانستان را برای سهم گرفتن در یک پروسه دموکراتیک حاصل نموده ولی این بدان معنی نیست که امنیت و ثبات را نیز تضمین نمود. بعد از آن، فرصت های از دست رفته برای

تقویت نهاد های کلیدی، تقویت حاکمیت قانون و کنترل فساد اعتبار و مؤثریت یک حکومت دموکراتیک را زیر سؤال برد.

اگرچه این واضح است که اوضاع سیاسی و اجتماعی در هیچ عرصه خوب نبوده و بعد از برگزاری انتخابات دور قبلی، انتخابات این دور را با چالش های بیش از پیش مواجه ساخت.

ب: بازیگران کلیدی سیاسی

در انتخابات ریاست جمهوری ۴۴ تن نام های شانرا منحصراً کاندید مستقل بر اساس گرایش های قومی، نژادی و یا بر اساس اعتبار سیاسی شان ثبت نمودند.

موجودیت یک تعداد از افراد انگشت شمار منحصراً کاندیدای ریاست جمهوری خود نشانه از افزایش یک حکومت ائتلافی بود اگرچه در حقیقت تعداد زیادی از آنان هیچ چانس برای کامیاب شدن بخاطر داشتن منابع محدود و بُنیه حمایتی ضعیف نداشتند. تقریباً نیمی از کاندیدان را وزرای اسبق، اعضای پارلمان و یا جنگ سالاران تشکیل میداد. چهار رقیب برتر در این دور عبارت اند از حامد کرزی، و وزرای اسبق اش مانند داکتر عبدالله، آقای اشرف غنی احمدزی، و داکتر رمضان بشردوست بودند.

حامد کرزی مربوطه به قوم پوپل زایی بوده و با خاندان شاهی و مؤسسين پشتون های محافظه کار پیوند دارد. وی توسط ایالات متحده آمریکا انتخاب و بعد از برگزاری لویه جرگه در ۱۲ جون سال ۲۰۰۲ به حیث رئیس جمهور ادره مؤقت تعیین گردید. در ابتدا وی پشتیبانی عمیق و گسترده قوم پشتون را با خود داشت ولی با گذشت ۷ سال از حکومتش و ناکامی در تأمین امنیت در مناطق پشتون نشین یک مقدار از این حمایت را از دست داد. رئیس جمهور کرزی خود را منحصراً تضمین کننده وحدت و صلح تبارز داده و همچنان در یکجا ساختن رهبران و کاندیدان مخالف با دادن وعده موقف های مهم سیاسی برای شان در حکومت آینده نقش فعال داشته است.

داکتر عبدالله، وزیر امور خارجه اسبق، یکی از کاندیدان اصلی از سوی جبهه متحد ملی بود. وی ارتباط بسیار نزدیکی با اتحاد شمال و بالخصوص با قوم پنجشیر که زمانی توسط احمد شاه مسعود رهبری میگردد دارد. داکتر عبدالله همچنان منحصراً سخنگوی ریس جمهور برهان الدین ربانی ایفای وظیفه نموده و برای بعضی از افغان ها موصوف نیز یکی از همان کسانیست که در جنگ های درون حزبی در کابل و دیگر جنایات حکومت آقای ربانی دست داشته است. با وجود داشتن دواصل پشتون-تاجک، داکتر عبدالله بیشتر به قوم تاجک نسبت داده میشود. شخصیت سیاسی داکتر عبدالله با داشتن ارتباطات اش قسماً به قوم پنجشیر مربوط به جبهه متحد ملی و تا اندازه بخاطر جلب و جذب دیگر اقوام خصوصاً پشتون ها برای بُنیه حمایت سیاسی اش نسبت داده میشود.

داکتر رمضان بشردوست، یکی از شخصیت های قوم هزاره بوده و با هیچ کدام گروه خاص سیاسی ارتباط ندارد. وی یکی از وزرای پیشین وزارت پلان در کابینه حامد کرزی بود. داکتر بشردوست شدیداً مخالف حامد کرزی و فامیل اش بود، و به همین علت موصوف در خیمه ای به گونه اعتراض در نزدیکی تعمیرولسی جرگه مسکن گزین گردید. داکتر بشردوست توانست که حمایت گسترده اقوام مختلف را بدون وارد نمودن فشار سیاسی کسب نماید.

آقای اشرف غنی احمدزی از قوم پشتون، و وزیر قبلی وزارت مالیه و کارمند سابقه دار بانک جهانی بوده و در میان روشنفکران افغان و جامعه بین المللی از حمایت کافی برخوردار است. اگرچه وی به اساس ارتباطات اجتماعی در میان مردم چندان مشهور نبوده است. آقای غنی در ابتدا از جمله سه کاندید برتر و مطرح به حساب میامد ولی در مراحل بعدی کمپاین انتخاباتی، داکتر بشردوست توانست تا جای وی را بگیرد.

بسیاری از کاندیدان به این نتیجه رسیدند تا یک تیم متحدی را که متشکل از رهبران با نفوذ باشند در مقابل کاندیدان سمت معاونین رئیس جمهور، آقای فهیم و آقای خلیلی که نمایندگی از اقلیت های اقوام تاجک و هزاره مینمایند ایجاد نمایند. هر دو کاندید سمت معاونت ریاست جمهوری و دیگر متحدین آقای کرزی، مانند جنرال عبدالرشید دوستم رهبر قوم ازبک گفته میشود که در موارد نقض حقوق بشر، جنایات جنگی و جرایم سازمان یافته دست داشته اند. این متحدین از دید بعضی از افغانها به گونه منفی دیده میشوند و این همان کسانی بودند که تمایل این گروه ها به متحدین قبلی مجاهدین را کار درست ندانسته و مایه تشویش شان بود. یک تعداد محدودی از کاندیدان میخواستند تا ائتلافی را میان خودشان ایجاد نمایند ولی موفقیت این گروه ها بسیار محدود بود. ضرورت برای ایجاد یک گروپ

متحد در میان کاندیدان مطرح و اقلیت آنان خود نشان دهنده ضعف سیستم احزاب سیاسی براساس گرایش های قومی و قبیله‌ای بوده است.

ضعف احزاب سیاسی در افغانستان با واقعیت های که در جریان انتخابات مشاهده شد یعنی ۸۵ از جمله ۱۲۰ احزاب سیاسی موجود در کشور به نحوی در انتخابات دخیل بوده اند، که این بصورت گسترده به حمایت کاندیدان ریاست جمهوری محدود گردیده و یا هم به شکلی برای کاندیدان شورا های ولایتی کمک های مالی را فراهم میساختند. نقش ناچیزی که توسط احزاب سیاسی بازی شده است قسماً بخاطر هویت قوی قومی و قبیله‌ای شان بوده است، همانطوریکه برای احزاب کمونیست خلق و پرچم در جریان حکومت کمونیستی القاب منفی داده میشد. اگرچه قانون اساسی کشور ایجاد احزاب سیاسی را قانونی میداند و برای آن قانونی را وضع نموده است، که چارچوب کاری انتخاباتی فقط مربوط به کاندیدان مستقل میگردد.

در میان شمار بیشمار از احزاب بعضی از احزاب اسلامی که در دهه ۱۹۶۰ منحنیت مخالفین دنیای امروز قدام کردند و حائز اهمیت بیشتر در جریان اشغال افغانستان توسط شوروی گردیدند. از جمله این احزاب مهمترین آن حزب اسلامی به رهبری گلبدالدین حکمتیار، حزب اتحاد اسلامی به رهبری سیاف و دیگر حزب اسلامی به رهبری یونس خالص میباشد.

در انتخابات شورا های ولایتی، در مجموع ۳۱۹۳ کاندید، بشمول ۳۳۳ خانم برای احزاب ۴۲۰ کرسی خود را کاندید نمودند. شورا های ولایتی در ۳۴ ولایات افغانستان در همکاری مشترک با مقام ولایت و والی که از سوی رئیس جمهور تعیین گردیده است قرار دارد.

ج: سیستم دولت

قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی افغانستان (۲۰۰۴) به آنده از افغانهای که از سن ۱۸ به بالا هستند این حق را بر اساس معیار های بین المللی میدهد تا نمایندگان خویش را در دولت، رئیس مجلس و اعضای ولسی جرگه در پارلمان و اعضای شورا های محلی را انتخاب نموده و برای شان رای دهند.

رئیس جمهور رهبر حکومت و قوماندان اعلی قوای مسلح افغانستان و همچنان مسؤول قوه اجراییه دولت افغانستان میباشد. قوه مقننه در چوکات مجلس سنا و شورای ملی که مستقیماً به ولسی جرگه غیر مستقیم به مشرانو جرگه ارتباط میگیرد، ساخته شده است. قابل ذکر است که ولسی جرگه در سال ۲۰۰۵ میلادی برای مدت ۵ سال انتخاب گردیده و به کار خویش شروع کرد.

بر اساس ماده ۱۳۸ بند نهم قانون اساسی کشور، قانون شورای ولایتی که در سال ۲۰۰۷ میلادی به تصویب رسید، نقش شوراهای ولایتی را که شامل اشتراک شان در پروسه انکشاف ولایات و بهتر شدن امورات اداری آن میباشد در پهلوی نمایندگان ولایات تعیین مینماید. در حالیکه وجوه شوراهای ولایتی بر اساس ماهیت مشورتی آنان مهم میباشد، انتخابات برای اعضای آن جاگزین یک عنصر دموکراتیک اداره محلی میگردد.

اعضای شورای ولایتی در حال حاضر دو سوم مشرانو جرگه را در عدم موجودیت شوراهای ولسوالی که هنوز تأسیس نگردیده است تشکیل میدهد. اعضای مشرانو جرگه از طریق یک سیستم مختلط انتخاب گردیده اند (1)، که بر اساس آن یک سوم مجلس را باید اعضای هر شورای ولایتی که از سوی مؤکلین شان تعیین میگردد تشکیل داده و حصه سوم اعضای شورای ولسوالی ها از طریق سیستمی که افراد از سوی رئیس جمهور به این سمت تعیین میشوند میباشد (2). مهم تر از همه اینکه، اعضای شوراهای ولایتی باید در چوکات لویه جرگه که بر اساس قانون اساسی کشور مرجع تصمیم گیرنده میباشد نیز میتواند حضور داشته باشند که در میان دیگر مسائل این یکی در قانون اساسی نیز ذکر شده است. (3)

۱- در ماده ۸۴ قانون اساسی آمده است که از اعضای شورا هر ولایت، یک نفر به انتخاب شورای مربوط برای مدت ۴ سال انتخاب و تعیین میگردد.

۲- بر اساس حکم رئیس جمهور در رابطه به انتخاب نمایندگان ولایتی و ولسوالی ها برای عضویت در مشرانو جرگه که در ۲۶ اکتوبر سال ۲۰۰۵ میلادی به تصویب رسید، هر شورای ولایتی باید دو نماینده را تعیین نمایند تا در صورت غیبت اعضای شورای ولسوالی بتواند که از آنان نمایندگی کند.

۳- ماده ۱۱۱ قانون اساسی کشور صلاحیت لویه جرگه را واضح میسازد و ماده ۱۱۰ ساختار آنرا تعیین مینماید.

۴- به عنوان پایین رجوع شود: بخش ب: طرح حوزه های انتخاباتی و تخصیص کرسی ها

IV. سیستم انتخاباتی و چارچوب قانونی آن

الف. سیستم انتخاباتی

قانون اساسی کشور سیستم انتخاباتی برای انتخابات ریاست جمهوری را تعریف و تعیین نموده است، از آنجاییکه سیستم انتخاباتی برای انتخابات شورای ولایتی تحت قانون انتخاباتی خلاصه شده است.

رئیس جمهور میتواند که در جریان دو دوره ۵ ساله در مقام اش باقی مانده و منحیت رئیس جمهور ایفای وظیفه نماید. سیستم انتخاباتی یک سیستم دودوره ای و یا دو روندی میباشد، و این بدین معنی است هرگاه کسی میخواهد که منحیت رئیس جمهور انتخاب گردد باید حد اکثر آرای مردم را از طریق راه اندازی انتخابات عمومی بدست آورد. هرگاه شخص موفق به گرفتن حد اکثر آرای مردم نميگردد، پس باید دور دوم انتخابات میان دو کاندیدی که بیشترین آرا را از آن خود کرده اند براه انداخته شود.

اعضای شوراهای ولایتی از طریق سیستم انتخاباتی رای واحد غیر قابل انتقال که در ۳۴ ولایت کشور بطور جداگانه براه انداخته میشود انتخاب میگردند. قانون انتخاباتی حضور زنان را در یک سوم کرسی های شورای ولایتی تضمین مینماید. تعداد کرسی های هر شورای ولایتی بر اساس نفوس باشندگان (۴) آن صورت گرفته و در برگیرنده ۹ تا ۲۹ کرسی از جمله ۴۲۰ کرسی میباشد. اعضای شورا ولایتی برای یک دوره چهار ساله انتخاب میگردند.

استفاده از سیستم رای واحد غیر قابل انتقال در انتخابات شورای ولایتی، به این سیستم اختیار میدهد تا تناسب را در ارتباط به حوزه های انتخاباتی و تعداد کرسی ها برای هر یک از آن در نظر بگیرد. و این سیستم نمایندگان اقلیت در هر ولایت را قادر میسازد تا از این سیستم بهره ببرند. سیستم متذکره همچنان زمینه شمارش آرا را آسان ساخته و همه مسائل را به رای دهندگان سهل میسازد. اگرچه سیستم رای واحد غیر قابل انتقال بعضی زیان های را نیز در پی دارد. با وضع این سیستم در انتخابات شورای ولایتی، این سیستم وسعت این را که کدام کاندیدان منتخب نمایندگی از مردم کدام ولایت مینمایند را محدود میسازد.

در حقیقت سیستم شامل انتخاب شده ثبت نام کاندیدان مربوط به یک تعداد گسترده از کاندیدان میگردد. در چنین یک حالتی، سیستم رای واحد غیر قابل انتقال برای کاندیدان اجازه میدهد تا با گرفتن یک مقدار کوچک آرا از سوی مردم شان انتخاب گردند، و بناً این مسأله تمامی خواست حوزه انتخاباتی را با خطر مواجه میسازد. با چنین یک سیستمی و با حضور احزاب سیاسی ضعیف، زمینه برای کاندیدان بخاطر جاسازی و تنظیم خود شان در ائتلاف ها و یا داخل شدن در احزاب سیاسی دیگر مساعد میگردد، و این همه بخاطری اتفاق می افتد زیرا کرسی ها همه بصورت انفرادی برده میشوند. در پهلوی یک سلسله شروطی که در قانون احزاب سیاسی بدان اشاره گردیده است، سیستم رای واحد غیر قابل انتقال همواره برای معرفی یک مشوق برای انکشاف احزاب سیاسی نام شده است. و این دلچسپی رای دهندگان را برای دادن رای به رهبران محلی که نمایندگی از علایق شخصی گروپ های کوچک میکنند به جای طرفداری از پیشرفت در ائتلاف کاندیدان درمأورای پروگرام های وسیع و سلیقه های شان، زیاد میکند.

ناقص بودن احزاب سیاسی تأثیر جدی بالای کارکرد ولسی جرگه که عیناً از طریق همان سیستم انتخاباتی اداره میگردد، داشته است. این فرصت ها برای تمرین پیشرفت دموکراسی را در داخل پارلمان و توازن میان سیاسیون افغان را محدود ساخته است. اگرچه پیامد و یا نتیجه سیستم رای واحد غیر قابل انتقال در عمل کرد شورا های ولایتی کمتر قابل مقایسه بوده، همانطوریکه مجتمعات صلاحیت ساختن قانون را ندارند، استفاده از چنین یک سیستمی برای معرفی پروسه دموکراتیک به سطح محلی باعث از دست رفتن فرصت ها میشود. ب: طرح حوزه های انتخاباتی و تخصیص کرسی ها:

ب: طرح حوزه های انتخاباتی و تخصیص کرسی ها:

انتخابات ریاست جمهوری بر اساس یک سیستم منظم انتخاباتی که قابل تطبیق در سراسر کشور میباشد و همه آنرا تحت پوشش قرار میدهد میباشد. بعد از سال ۲۰۰۴ میلادی که پنجشیر و دایکندی منحصی یک ولایت مستقل شناخته شدند تمامی ۳۴ ولایت افغانستان هنوز در همان محدوده قبلی خویش قرار دارند.

اگرچه هیچ دعوی در رابطه به موضوع حوزه های انتخاباتی قبل از آنکه وزارت امور داخله، که صلاحیت حل چنین منازعات را دارد صورت نگرفت، ولی عدم موجودیت یک لست درست و دقیق از نفوس مجموعی مردم افغانستان اطمینان برای تخصیص کرسی های پارلمان برای هر کاندید شورا ولایتی را زیر سوال میبرد (قانون انتخاباتی تصریح میدارد که تعداد کرسی های شورای ولایتی بر اساس نفوس ولایت متذکره تعیین میگردد). کشش های قومی که وحدت ملی افغان ها را در جریان تاریخ متأثر ساخت این مسأله را یک سوال حساس خوانده و عدم موجودیت یک احصایه دقیق از نفوس مردم ممکن با جریانات سیاسی گروپ های خاص قومی افغانستان مرتبط باشد.

از سال ۱۹۷۹ به بعد تا به حال هیچ کدام شمرشمار ملی و یا احصایه ملی صورت نگرفته است و احصایه های امروزی نیز بر اساس میزان رشد افراد توسط اداره مرکزی احصایه، یگانه مرجع که رسماً در این مورد صلاحیت دارد صورت گرفته است. در اوایل سال ۲۰۰۹ میلادی کمیسیون مستقل انتخابات از اداره مرکزی احصایه رسماً درخواست نمود تا جزئیات تازه در رابطه به احصایه دقیق نفوس افغانستان را به دست رس این کمیسیون قرار دهد. اگرچه قانون انتخاباتی مسأله شمرشمار دقیق نفوس افراد محل برای تخصیص کرسی ها در انتخابات و لسی جرگه را با موجودیت حوزه های انتخاباتی متعدد برای ولایات در ماده (۲۰ بند ۴) تصریح نموده است، ولی همان وظیفه در دیگر انتخابات چندان رعایت نگردیده است. اگرچه این مسأله رسماً به شمرشمار و همچنان هیچ تغییری در تعداد کرسی های شورا نظریه هر ولایت نیامد. دفتر احصایه مرکزی به نوبه خود شک و تردید اش را در رابطه به ارقامی که شمرشمار ابراز داشته است و همواره برای ایجاد یک مرجع برای انجام احصایه دقیق تأکید کرده است.

با توجه به فرارسیدن انتخابات شورا های ولایتی در آینده نزدیک، واقعیت این است که اصلاً هیچ لست رسمی از ولسوالی های افغانستان وجود ندارد و در عوض لست های دیگر با ارقام ضد و نقیض در دست رس مقامات ملی و بین المللی قرار گرفته است که این خود گیج کننده و مشکل آفرین میباشد. بنا بر این بسیار ضرور است تا یک لست رسمی در وقت مناسب قبل از انتخابات توسط مراجع قانونی به نشر برسد. این لازم است تا به منازعات و یا اختلاف نظر های که ممکن در جریان نشر این لست بلند شود باید از طریق یک پروسه شفاف و هدفمند نقطه پایان داده شود.

ج. چارچوب کاری قانونی:

الف) معیار های بین المللی

دولت جمهوری اسلامی افغانستان مهم ترین اسناد بین المللی مربوط به انتخابات را به تصویب رسانده است که از آن جمله میتوان از پیمان بین المللی در رابطه به حقوق سیاسی و مدنی (اپریل سال ۱۹۸۳)، پیمان بین المللی در رابطه به محوه هر نوع تبعیض نژادی (اگست سال های ۱۹۸۳ و ۱۹۷۹)، و پیمان محوه تمام راه های تبعیض علیه زنان (مارچ سال ۲۰۰۳) نام برد. این پیمان های بین المللی تماماً برای افغانستان ساخته شده و قانون اساسی کشور صریحاً توضیح میدهد که این وظیفه دولت افغانستان است تا از این اسناد بین المللی بشمول منشور سازمان ملل متحد که توسط حکومت این کشور به تصویب رسیده است نظارت نماید. (۵)

این متن ها که شامل حقوق بشرو آزادی پایدار میگردد برای راه اندازی انتخابات دموکراتیک مهم خوانده شده است. ماده ۲۵ پیمان بین المللی در رابطه به حقوق سیاسی و مدنی مبنای حقوق بشرو را بالخصوص در رابطه به انتخابات بنا نهاده، و در اعلامیه جهانی حقوق بشرو در سال ۱۹۴۸ بر آن نیز تأکید چنین تأکید شده است: انتخابات باید بصورت دوره ای و یا در فواصل معین برگزار گردد، انتخابات باید به شکل حقیقی آن برگزار گردد، تمام شهروندان حقوق مساوی برای رای دادن دارند، به آزادی اراده رای دهندگان و سری بودن رای باید احترام شود. توضیحات کلی در رابطه به ماده ۲۵ کمیته حقوق بشرو سازمان ملل متحد به مسأله حق اشتراک در امورات عامه (۶) بیشتر در عین ماده پیمان بین المللی در رابطه به حقوق سیاسی و مدنی توضیح داده است.

۵- ماده ۷ قانون اساسی

۶- حق اشتراک در امورات عامه، حق دادن رای، و حق دست رسی یکسان به خدمات عامه (ماده ۲۵): ۱۲-۷-۱۹۹۶. پیمان حقوق سیاسی و مدنی-فصل ۲۱- ماده اول- مأخذ- توضیحات عمومی شماره ۲۵

ب) چارچوب کاری قانونی ملی برای انتخابات

بنای چارچوب کاری قانونی ملی برای انتخابات در دوره انتقالی که به تعقیب توافق نامه بُن صورت گرفت گذاشته شد، تمام قوانین قابل اجرای که توسط احکام ریاست جمهوری قبل از آنکه پارلمان انتخاب شود اتخاذ گردید. این رسماً در قانون اساسی کشور در سال ۲۰۰۴ و قانون انتخاباتی در ۲۰۰۵ درج گردیده است. دیگر قوانین مهم شامل تشکیل کمیسیون مستقل انتخابات و ساختمان و شیوه کاری کمیسیون مستقل انتخابات در سال ۲۰۰۵ میلادی، قانون احزاب سیاسی در سال ۲۰۰۳، در سال ۲۰۰۹، حکم ریاست جمهوری مبنی بر عدم مداخله در امور انتخاباتی پروسه انتخابات، که این مسأله بالخصوص متوجه مقامات دولتی میگردد. قانون اساسی کشور قوانین مدنی و سیاسی و همچنان آزادی بنیادی انتخابات را تضمین نموده و قوانین اضافی دیگر عملی شدن این حقوق را بصورت واضح شرح داده است. (۷)

دیگر قوانین مربوط به انتخابات ضمیمه قوانین و تصامیمی است که از سوی کمیسیون مستقل انتخابات صادر شده است. (۸) بر علاوه چهار اصول و لایحه است که نقش احزاب سیاسی، کاندیدان و نمایندگان شان، مسئولین انتخاباتی، و مسئولین کمیسیون سمع شکایات و ناظرین را تعیین مینماید. در کل، چارچوب کاری قانونی برای انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی سال ۲۰۰۹ یک اساس قانع کننده تخنیکی را برای راه اندازی یک انتخابات دموکراتیک در مطابقت با معیارهای بین المللی میسازد.

از مشکلات کلیدی مربوط به نارسایی قانونی و یا شرایط تنظیم شده برای استقلالیت و شفافیت کمیسیون مستقل انتخابات (۹) (در پائین دیده شود) عدم ضمانت شفافیت در میکانیسم و یا شیوه کاری برای ثبت نامزدان (فصل هفت بخش ب ثبت و انتخاب کاندیدان): عدم موجودیت قانون و یا مقرر برای مصارف مالی کمپاین ها و نبود میکانیسم برای اجرای مقررات در مسأله مصرف این پول ها (بخش کمپاین دیده شود) عدم وضاحت در صلاحیت های کمیسیون مستقل انتخابات، عدم موجودیت قانون و شفافیت در پروسه جدول بندی نتایج و ضرب العجل و عدم موجودیت یک شیوه شفاف برای نشر نتایج ابتدایی و نبود یک قانون منظم برای ادعا بالای قضاوت این پروسه و وضاحت در قضاوت پروسه انتخاباتی (بخش شکایات دیده شود). گذشته از این، یک سلسله مقررات قانون انتخاباتی با چالش های مواجه بوده است که این یا بخاطر جدا بودن آن از مقررات قانون اساسی بوده و یا هم بخاطریکه آنان قادر هستند تا پروسه انتخابات را مختل سازند. قانون اساسی به نوبه خود حاوی موادی است که در آن آمده است که انتخابات چه زمانی باید برگزار گردد که این از نقطه نظر عملی ناممکن میباشد. (به پائین مراجعه شود)

ماده قانون اساسی تصریح میدارد که انتخابات ریاست جمهوری باید ۳۰ تا ۶۰ روز قبل از ۲۲ ماه می (اول جوزا) سال پنجم برگزار گردد ولی انتخابات اخیر با یک سلسله مشکلات از جمله وضعیت آب و هوا که نگذاشت انتخابات در ماه های اول شروع سال براه انداخته شود، مواجه شد. (۱۰) در مطابقت با قانون انتخاباتی، کمیسیون مستقل انتخابات بتاریخ ۲۹ ماه جنوری سال ۲۰۰۹ میلادی اعلام نمود که انتخابات نمی تواند که در جریان این چارچوب زمانبندی شده برگزار گردد و در مقابل اعلان نمود که انتخابات در ۲۰ اگست سال ۲۰۰۹ میلادی دایر خواهد شد. (۱۱)

تصمیم کمیسیون مستقل انتخابات برای خوشبین ساختن مردم بخاطر استفاده از حق مسلم شان برای دادن رای درست تلقی میشد. اگرچه این شک و تردید های را نیز در رابطه به اینکه رئیس جمهور حق دارد تا بعد از گذشت دوره ۵ ساله اش و بعد از نهادن مهر تأییدی ستره محکمه مبنی بر قانونی خواندن حضور رئیس جمهور در دفترش حتی بعد از ختم دوره ریاست جمهوری اش، را به میان آورد. و زمانیکه از مقامات ستره محکمه در مورد پرسیده شد آنان این را قانونی عنوان کرده و گفتند که حضور رئیس جمهور در دفترش باعث جلوگیری از بحران های سیاسی در کشور میگردد.

با مشخص شدن یک تاریخ دقیق برای انتخاباتی که بخاطر بعضی مشکلات تخنیکی دایر نمیگردد حکم قانون اساسی منحیت یک منبع تردید در یک سیستم از قبل متزلزل میباشد.

۷. قوانین اضافی شامل قانون مجتمعات، اعتصاب و تظاهرات به حکم رئیس جمهور در نهم ماه جنوری سال ۲۰۰۳ و قانون پولیس که در ۲۲ ماه سبتمبر توشیح گردید، که هر دو قانون یک چارچوب کاری برای تضمین آزادی مجتمعات با توجه به دموکراتیک بودن و معیارهای بین المللی را آماده میسازد.

۸. ماده ۵۶ قانون انتخاباتی به کمیسیون مستقل انتخابات این حق را میدهد که در موارد لازم و برای وضاحت عناصر پروسه انتخاباتی قوانین را پیاده سازد.

۹. این پرنسب در میان دیگر مواد مجتمع عمومی سازمان ملل متحد برای ارتقا و تحکیم دموکراسی جا داده شده است.

۱۰. ماده ۶۱ قانون اساسی به اول جوزا که مطابق به ۲۲ ماه می است اشاره مینماید.

۱۱. کمیسیون مستقل انتخابات عوامل را مانند وضع امنیتی، دست رسی محدود به مناطق کوهستانی کشور به علت وضعیت نامناسب جوی و چارچوب زمانی محدود برای انجام جوانب عملیاتی انتخابات بررسی و ملاحظه نمود. ماده ۵۵ قانون انتخاباتی به کمیسیون مستقل انتخابات این توانایی را میدهد تا انتخابات را به تعویق بیندازد، انتخابات نمیتواند که با وجود مشکلات امنیتی، مالی، حالات تخنیکی و یا دیگر واقعات غیر قابل پیش بینی شده برگزار گردد.

قانون فعلی اصلاً استقلالیت کمیسیون مستقل انتخابات را تضمین نمیکند. اگرچه قانون اساسی و قانون انتخاباتی به علاوه قاعده و اصول برای مسؤولین انتخاباتی شامل مواد است که استقلالیت کمیسیون مستقل انتخابات را مقید میسازد، ولی پروسه مقرر و منفکی در این کمیسیون با مواد این قانون هیچ سازگار نیست. هفت کمیشنر کمیسیون مستقل انتخابات از سوی رئیس جمهور بدون اینکه ضرورتی به تأییدی کدام ارگان دیگری داشته باشند مقرر گردیدند. در رابطه به منفک شدن و یا عزل این کمیشنران، قانون به صراحت میگوید که این برخورد با کمیشنران در صورت متهم شدن آنان به جرایم و یا نقض قانون انتخاباتی صورت میگیرد، و این پروسه زمانی تطبیق میگردد که دو سوم کمیشنران خواستار عزل همکارشان از سوی رئیس جمهور گردند. (۱۲) قیومیت کمیسیون مستقل انتخابات در (ماده ۱۵۶ و بند ۳ ماده ۱۹۵) قانون اساسی کشور توضیح داده شده و با جزئیات بیشتر در قانون انتخاباتی و دو قانون مربوط به کمیسیون مستقل انتخابات تعریف گردیده است. این فرمان های قانونی به کمیسیون مستقل انتخابات بطور گسترده صلاحیت میدهد، و نظارت از انتخابات نیز یکی از وظایف این کمیسیون حساب میشود. اگرچه صلاحیت و ترکیب کمیسیون مستقل انتخابات تنها به شکل مجموعی تنظیم گردیده اند، بدون تفسیری که خود این کمیسیون از خود دارد. قسماً بخاطر عدم موجودیت شفافیت در قیومیت این کمیسیون، کمیسیون مستقل انتخابات یک دیدگاه متفاوتی را از قیومیت اش در رابطه به باطل سازی نتایج در جریان اعلان نتایج ابتدایی ابراز نمود که این خودش در تضاد با قانونی که قبلاً خود این کمیسیون مطرح کرده بود قرار داشت. (۱۳)

یک مقدار مواد و یا قوانین قانون انتخاباتی به علت خطراتی که آنان بر پروسه انتخاباتی وضع کردند و یا بخاطر عدم سازگاری آن با قانون اساسی مشکل ساز بوده است. که یکی از این موارد قابل نگرانی در بند ۴ ماده ۱۸ قانون انتخاباتی طوری شرح داده شده است که در صورت مرگ کاندید ریاست جمهوری انتخابات تازه باید براه انداخته شود. اگرچه هدف این ماده دلسرد ساختن کسانی که هدف سوء قصد علیه کاندیدان را داشتند بود، و این در حقیقت یک عامل محرک امکان پذیر برای آنهاست که قصد داشتند تا پروسه انتخابات را مختل سازند به حساب میامد و چنین سوء قصد ها یکی از جدی ترین تهدیدها در سال ۲۰۰۹ میلادی به حساب می شد. (۱۴)

زمانیکه کمیسیون مستقل انتخابات یک سلسله قوانین را قبل از انتخابات و بالای جوانب اصلی این پروسه وضع نمود، (۱۵) یک تعداد از اساحات توسط این قوانین تحت پوشش قرار نگرفته بود. دفتر مقرر بر تصدیق نتایج دفتر کمیسیون مستقل انتخابات، بطور مثال هیچگاهی ضرب اللجل و یا یک میکانیزم واضح برای اعلان نتایج را بنا ننمود، و هیچ ضمانتی را برای از بین بردن نتایج مشکوک مهیا نساخت. عدم وضاحت در طرز العمل ها برای انصراف کاندیدان (به بخش هشتم ج/انصراف بسیار دیر کاندیدان مراجعه شود) از اهمیت خاص در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ برخوردار بود.

د. مفهوم کلی قانونی

تلاش ها برای گفتن بعضی از کمبودی ها در چارچوب کاری قانونی صورت گرفت، این همه قبل از آنکه پارلمان مسوده قانون انتخاباتی را در سال ۲۰۰۸ میلادی و مسوده قانون مربوط به کمیسیون مستقل انتخابات را بررسی میکرد. هر چند، مشکلات مهم در ادارات پروسه ایجاد قانون و دورنمای پیشرفت ها برای چارچوب کاری قانونی برای انتخابات افغانستان را به شدت مختل ساخت.

عدم استقلالیت ستره محکمه بشمول مجری آن طی گزارش های متعددی به چاپ رسیده است. این واقعیت قبول شده است که مقامات دولتی همواره بصورت آشکار و روشن اصول جداسازی قدرت ها را رد کرده اند. این انعکاس دهنده ضعف قوه قضایی کشور، که فاقد یک سیستم مؤثر قضایی و مسائیل حقوقی قابل دست رسی، مرکب با نواقص قضایی که بسیاری از مردم را متأثر ساخته، میباشد. اگرچه این مستقیماً بالای پروسه انتخابات تأثیر نکرده است، بلکه از عدم اعتماد بالای میکانیزم نتایج شکایات انتخاباتی تا نبود تمرین در گذاشتن شکایات قبل از یک سیستم قضایی مؤثر و مستقل و از برتری مرتبط برای میکانیزم تسویه منازعات غیر رسمی، تأثیر داشته اند.

۱۲- حکم ریاست جمهوری مؤرخ ۲۱ جنوری سال ۲۰۰۵ میلادی "در رابطه به ساختار و طرز العمل کاری کمیسیون مستقل انتخابات"

۱۳- مقرر کمیسیون مستقل انتخابات در رابطه به افشای نتایج که شامل امکان باطل ساختن آن میشود، زمانیکه تصمیم کمیسیون مستقل انتخابات ۶۱-

۱۳۸۸ در رابطه به قرنطین شدن ۴۴۷ حوزه رای دهی به کمیسیون سمع شکایات برای بررسی های قانونی راجع گردید.

۱۴- این حکم توسط ستره محکمه قبل از انتخابات سال ۲۰۰۴ میلادی تفسیر شده، که هدف ماده را به شکل مرگ غیر طبیعی محدود ساخت. با آن هم این حکم به تأییدی محکمه ضرورت دارد.

۱۵- این درکل پذیرفته شده است که "قانون انتخاباتی باید سلسله مراتب قانون را در نظر بگیرد" قوانین برای تفسیر، بخصوص در موارد سوالات تخنیکی و موضوعات دارای جزئیات میتواند که به شکل قانون درآید" (به فقره کمیسیون شورای اروپا، شیوه تمرین خوب در موضوعات انتخاباتی، ۲۰۰۲)

تأسیس یک سیستم قضایی مستقل برای نهادن بنای حاکمیت قانون و تقویت حقوق بشرو جوا بگویی در برابر تقصیر و جرایم بسیار دشوار می باشد. این قابل ذکر است که دفتر لوی خارنوال یک سلسله تحقیقاتی را در رابطه به قضایای فساد در دولت و دیگر ارگان های دولتی بعد از پروسه انتخابات ریاست جمهوری برآه انداخت. این یک ابتکار مثبت بود اگر چه سیستم قضایی کشور هنوز هم به حمایت بیشتر ضرورت داشته و از بکار رفتن پروسه ظرفیت سازی نیز سود خواهد برد.

نفوذ غیر مناسب هئیت رئیسه در سیستم قضایی به معنی بود که وضع قانون مهم که میتوانست توازن را در میان سیستم دولتی افغانستان به میان بیاورد هنوز به شکل درست آن معرفی نشده است. ستره محکمه در حال حاضر بسیاری از تصمیمات را اتخاذ نموده که تمام آن، عدم توازن قدرت به نفع هئیت رئیسه را تقویت مینماید. این وضعیت را بدتر کرده تا جائیکه پارلمان قبلاً بخاطر متلاشی شدن قابل ملاحظه اش، نه تنها بخاطر عدم حضور هیچ یک از سازمان احزاب سیاسی بلکه همچنان بخاطر حضور در هم گسیخته و متفرق یک تعداد از نمایندگان ستیزه جو که در سال ۲۰۰۵ میلادی انتخاب گردیده اند یعنی همان وقتیکه هیچ تلاشی برای نظارت از کاندیدان صورت نگرفته بود.

این رخنه در تأسیسات نتیجه بُن بستی بود که در جریان بررسی مسوده قانون انتخابات در سال ۲۰۰۹ میلادی صورت گرفت. اگر چه بعضی مشکلات وجود داشت، ولی مسوده قانون انتخاباتی با توجه به عملی نمودن بعضی از پیشنهاداتی که در انتخابات سال ۲۰۰۵ میلادی صورت گرفته بود، طرح گردیده بود. این شامل تغییرات مثبت مانند دادن یک نقش برای احزاب سیاسی در سیستم انتخاباتی، میشد. پارلمان فقط ۴ ماده قانون جدید را قبل از آنکه وقت آن به سر رسد برای قبول شدن، قبل از انتخابات سال ۲۰۱۰ میلادی در مدت زمان تعیین شده از سوی قانون اساسی کشور، به بحث گرفت. (۱۶)

با وجود این همه مشکلات، طی سالیان گذشته پارلمان کشور تعدادی از مسودات مهم را مانند مسوده قانون ساختار، وظایف و اختیارات کمیسیون مستقل انتخابات، قانون مطبوعات و قانون کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی (۱۷) را به بحث و بررسی گرفت. هئیت رئیسه اگر چه با تمام این مسودات را بدور انداخت و یا آنرا دوباره با تصحیح که از سوی ستره محکمه صورت گرفت به نشر رساند. این چنین اصلاحات و تصحیحات شامل برطرف کردن رای اعتماد پارلمان برای انتخاب کمیشنران کمیسیون مستقل انتخابات و رئیس عمومی رادیو تلویزیون ملی، و دیگر شرایطی که کمک خواهد کرد تا استقلالیت این ارگانها از طریق رئیس دولت تضمین گردد. بر علاوه صلاحیت ستره محکمه در تعیین قانون مسوده ها در جلسات مختلف مورد بحث قرار گرفت. بطور مثال صلاحیت ستره محکمه برای دادن حکم به تمدید قوانین اداری فراتر از معیادی که قانون اساسی کشور برای آن تعیین نموده است با مخالفت پارلمان مواجه گردید، طوریکه در مسوده قانون کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی یعنی جائیکه پارلمان به کمیسیون این حق را میدهد تا قانون اساسی کشور را تفسیر نماید، بصورت کامل توضیحات داده شده است. (۱۸)

ستره محکمه حکم نمود که در حقیقت کمیسیون باید صلاحیت های محدود در رابطه به تفسیر قانون داشته باشد. مندرجات این تصمیم ستره محکمه مبنی بر قانونی که کمیسیون را ایجاد مینماید در یک جریده رسمی در سبتمبر سال ۲۰۰۹ به نشر رسید. عدم وضاحت در قانون اساسی کشور با توجه به دادن صلاحیت به مرجع که قانون اساسی را به تفسیر و یا تحریف میگیرند یک بحران خاصی را در رابطه به قانون اساسی ایجاد کرد. تمرین های فعلی از تجدید قانون همزمان با نشر این آنرا از پروسه قانون سازی همانطوریکه دیکته شده جدا میسازد.

۱۶- ماده ۱۰۹ قانون اساسی: پیشنهاد تعدیل قانون انتخابات در یک سال اخیر دوره تقنینیه، در فهرست کار شورای ملی داخل شده نمیتواند.
۱۷- در زمان نوشتن این قانون ستره محکمه بعضی از مواد را برخلاف قانون اساسی خوانده و رئیس جمهور مرکزی مسوده آنرا بعد از آنکه پارلمان آنرا تصویب کرد رد نمود.
ایجاد این ارگان بر اساس ماده ۱۵۷ قانون اساسی تقاضا شده است. - ۵

۷. اداره انتخابات

الف. ساختار و ترکیب اداره انتخابات

انتخابات ریاست جمهوری و شورا های ولایتی توسط کمیسیون مستقل انتخابات و براساس ماده ۱۵۶ قانون اساسی کشور رهبری گردید. کمیسیون مستقل انتخابات، که به حکم رئیس جمهور کشور در ماه جنوری سال ۲۰۰۵ میلادی تشکیل گردید، یک ارگان مستقل و دائمی بوده که عضویت، سازماندهی، مسئولیت ها و کارکرد های آن در قانون اساسی کشور و قانون انتخاباتی کشور تعیین گردیده است. کمیسیون مستقل انتخابات یک ارگان مسؤول آمادگی، سازماندهی، راه اندازی و نظارت کننده انتخابات در چوکات دولت جمهوری اسلامی افغانستان بوده و یک مرجع رهبری کننده با یک رئیس، معاون و ۵ کمیشنر که از سوی رئیس جمهور برای یک دوره سه ساله تعیین گردیده اند میباشد و اعضای این کمیسیون میتوانند که تبدیل هم شوند. براساس قانون، کمیسیون مستقل انتخابات مستقل از دیگر ارگان ها و ادارات دولتی میباشد. کارهای کمیسیون مستقل انتخابات شامل: تأسیس چارچوب کاری منظم و قانونی، رهبری و نظارت کارمندان در داخل خود کمیسیون و راه اندازی انتخابات، ثبت نام کاندیدان، حل کردن شکایات و اختلافات و دعوت ناظرین ملی و بین المللی برای نظارت از روند انتخابات، میباشد. این کمیسیون همچنان مسؤول تصدیق و تضمین روند انتخابات و اعلام نتایج آن و تسهیل پروسه انتقال قدرت میباشد. سکرتریت کمیسیون مستقل انتخابات مرجع اجرایی آن بوده و توسط یک رئیس در امور انتخاباتی و دو معاون اداره میگردد. رئیس امور انتخاباتی من حیث یک محاسب ایفای وظیفه نموده و مسؤول است تا تمامی فعالیت های کمیسیون مستقل انتخابات را برای تضمین یک اداره مؤثر هر روز کنترل و بررسی نماید.

انتخابات ریاست جمهوری، پارلمانی و شورا های ولایتی با سعی و تلاش مشترک افغانها و سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ میلادی با موجودیت همکاری های بیرونی رهبری گردید. براساس مصوبه شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۱۸۰۶ (۲۰۰۸) و با همکاری نزدیک مأموریت معاونت سازمان ملل متحد برای افغانستان، سازمان ملل متحد پروژه ظرفیت انتخاباتی و قانونی برای فردا را تحت یک پروگرام انکشافی که طرح پروژه ها و پروگرام ها، هماهنگی در بخش اداره، پیدا نمودن مجرای کمک رسانی، بسیج کردن کمک های مراجع کمک کننده و ارائه مساعدت تخنیکی، و مشوره برای مراجع اصلی انتخاباتی، بالخصوص به کمیسیون مستقل انتخابات ایجاد نمود.

برای داشتن چنین یک حمایت وسیع پروژه ظرفیت انتخاباتی و قانونی برای فردا یک وجوهی را اختصاص داد که از آن برای حمایت کمیسیون مستقل انتخابات، کمیسیون سمع شکایات، ناظرین داخلی و پروگرام های تعلیمی اجتماعی استفاده صورت گرفت.

با وجود پیشنهادهایی که در سال ۲۰۰۵ میلادی صورت گرفت، جامعه بین المللی فقط در اواخر سال ۲۰۰۸ میلادی سازماندهی بعضی از کمک های اضافی برای انتخابات سال ۲۰۰۹ را داد. بناً پروژه ظرفیت انتخاباتی و قانونی برای فردا برای عملی شدن بسیار دیر شروع شد. بر علاوه، پروژه متذکره یک قانونی را ایجاد نمود که، آن شامل مشوره دهی برای ارگانهای که گفته میشد مستقل خواهند بود و حتی آنها که برای شان وظیفه سپرده شده بود تا یکدیگر را نظارت کنند، میگردد. تقریباً حدود ۱۴۰ معاون تخنیکی پروژه ظرفیت انتخاباتی و قانونی برای فردا برای کمیسیون مستقل انتخابات مساعدت های تخنیکی را ارائه نمودند.

زمانیکه باید پروژه ظرفیت انتخاباتی و قانونی برای فردا برای ارائه بخش های مهم از قانون اش که به یک شیوه مناسب و مؤثر از آن استفاده صورت گرفته بود ستایش میگردد، اداره پروژه ظرفیت انتخاباتی و قانونی برای فردا و بخشی از کارمندان پروژه ظرفیت انتخاباتی و قانونی برای فردا (عدم موجودیت شفافیت و بی میلی برای ایجاد یک سند پرمعنی انتخاباتی و عدم همکاری در جهت شریک ساختن معلومات درمورد انتخابات با مأموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات در افغانستان که بیهوده پروسه نظارت مأموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات در افغانستان را با مشکل مواجه ساخت،) را مشاهده نمودند.

ب. اداره انتخابات

کمیسیون مستقل انتخابات مسؤولیت و توانایی های وسیعی داشت ولی در روز انتخابات از بسیاری از مسؤولیت های خویش بطور ماهرانه خود را رها ساخت. این کمیسیون باید بطور خاص بخاطر بخشی از کارش که ایجاد فضای ترس در میان آئنده از کارمندان این کمیسیون که تحت شرایط دشوار و نامناسب امنیتی کار نموده و حتی متحمل تهدیات فزینی شدند، مورد ستایش و قدردانی قرار گیرد. ۱۳ تن از کارمندان اداری کمیسیون انتخابات در جریان چهار روز برگزاری انتخابات کشته شدند.

در گُل کمیسیون مستقل انتخابات کار خود را بطور مؤثر انجام داده و ترتیبات تخنیکی آن تا روز برگزاری انتخابات با وجود چالش‌های قابل ملاحظه زیربنایی و امنیتی براساس یک جدول زمانبندی شده مناسب صورت گرفته بود. برای بار اول یک قانون خاص برای رای دادن وجود داشت که براساس آن، برای کسانی که در بستر مریمی در شفاخانه‌ها هستند، افراد نظامی و زندانیان حق دادن رای داده می‌شد. **ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات در افغانستان** از این ابتکار با در نظر داشت قوانین بین المللی برای اشتراک در انتخابات پشتیبانی می‌کند. ایجاد واحد چندرچوکت کمیسیون مستقل انتخابات یک گام مثبت بود. ولی، تأسیس بسیار ناوقت این نهاد در کم تر از سه ماه به انتخابات، محدودیت‌های را برای راه‌های عملی در یک چارچوب زمانبندی شده بالای آن وضع نمود.

کمیسیون مستقل انتخابات در مجموع مستقل و بیطرف شناخته نشد، و این مسأله کاملاً شفاف نیز نبود. درکی که از استقلالیت کمیسیون مستقل انتخابات صورت گرفته بود بشمول انتخاب کمیشنران از سوی رئیس جمهور کشور در مطابقت با طرز العمل‌های فعلی قرار نداشت. گذشته از این، گزارشات مؤثقی از ولایات وجود داشت که کمیسیون مستقل انتخابات بالای کارمندان خویش به نحوی فشار وارد می‌نماید، که این مسأله از سوی **ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات در افغانستان** افشا شد و سوالات جدی را در رابطه به بی طرف بودن این کمیسیون ایجاد نمود. اظهارات جدی در رابطه به بی طرفی بعضی از کارمندان کمیسیون مستقل انتخابات صورت گرفت و کمیسیون سمع شکایات خواستار برطرفی مقامات کمیسیون مستقل انتخابات از دو جهت گردید. اگرچه در مجموع **ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات در افغانستان** معلومات معتبر و دوره‌ای را از کمیسیون مستقل انتخابات دریافت مینمود ولی بعضی استثنائات جدی خصوصاً در مراحل اخیر آمادگی برای انتخابات وجود داشتند. کمیسیون مستقل انتخابات روند اطلاع رسانی برای نظارت مؤثر از جریان اداره انتخابات را انطوری که باید تسهیل می‌ساخت. بطور خاص، طرز العمل‌ها برای دوباره پس گرداندن مواد انتخاباتی، شیوه‌های کاری مراکز شمارش آرا و بررسی نتایج انتخابات در زمان معین به **ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات در افغانستان** برای تحلیل به وقت از این روند، و همچنان نظارت مؤثر از این روند برای عملی نمودن طرز العمل‌های زمانبندی شده مهیا نگردید. یکی از کمبودی‌های بسیار مهم عدم دسترسی و شفافیت قوانین مربوط به کمیسیون مستقل انتخابات به علت ناکامی این نهاد برای نشر گزارشات مناسب در یک مدت زمان معین، همچنان نبود معلومات در رابطه به تاریخ‌های که کمیسیون مستقل انتخابات این قوانین را ساخته است، می‌باشد. آوردن تغییرات بسیار ناوقت به قوانین، کمبود معیارهای بین المللی طوریکه اختلاف نظر را در رابطه به قانونی بودن چارچوب کاری، برای هردو یعنی رای دهنندگان و ناظرین ملی و بین المللی ایجاد نمود.

(۱۹)

اگرچه **ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات در افغانستان** از وضع شدن آخرین مقررات و قوانین در ماه جولای سال ۲۰۰۹ میلادی آگاه شده و به دست رس اش قرار گرفت، دیگر مراجع، شامل بعضی از گروپ‌های ناظرین، دیرتر از آنچه که تصور می‌شد از بسته معلوماتی توزیع شده توسط کمیسیون مستقل انتخابات در جولای ۲۰۰۹ میلادی آگاهی حاصل نمودند. این بسته‌های معلوماتی تأریخ گذشته در صفحه انترنتی کمیسیون مستقل انتخابات نیز بدست نشر سپرده شد. تغییرات فی ما بین نسخه‌های کهنه و جدید شامل بعضی از خصوصیات مهم در رابطه به پروسه انتخابات بود. بطور مثال، قانون برای شمارش آرا طوریکه در بسته معلوماتی برای ناظرین داده شده بود بصورت غیر صحیح و نادرست ناظرین را به سمت غلط یعنی به شمارش آرای انتخابات شورای ولایتی راجع می‌ساخت. قوانین و طرز العمل‌های کمیسیون مستقل انتخابات تصریح میداد که تصامیم قطعی و به دست رس مردم قرار خواهد گرفت طوریکه در (مواد ۳ و ۱۱) قانون انتخاباتی آمده است که کمیسیون مستقل انتخابات باید تمام تصامیم خویش و آرای مردم را براساس (مواد ۱۰.۳.۹) ثبت نماید. هرچند، واقعیت امر این بود که ناظرین در جلسات کمیسیون مستقل انتخابات حق اشتراک را نداشته، و این که کمیسیون مستقل انتخابات نخواست تصامیم اش را در جریانی که نتایج اولیه انتخابات به نشر رسید بنا بر عدم موجودیت شفافیت در پروسه اعلام بدارد خود نشاندهنده ناکامی این کمیسیون بود. مسائلی امنیتی بطور گسترده آمادگی‌های اخیر برای برگزاری انتخابات را زیر سؤال برده و متأثر ساخت حتی تاجائیکه گفته می‌شد در بعضی از نقاط این غیر ممکن خواهد تا امنیت مراکز رای دهی را تأمین کرد. طوریکه حالات بررسی می‌گردید بعضی از مراکز رای دهی و حوزه‌های رای خارج از کنترول کمیسیون مستقل انتخابات بود، و حقیقت امر این بود که لست دقیق از مراکز و حوزه‌های انتخاباتی هیچ وقت از سوی کمیسیون مستقل انتخابات به نشر نرسید و این بدان معنی بود که نه رای دهنندگان و نه هم ناظرین معلومات دقیق و معتبر در رابطه به اینکه پروسه رای دهی در کجا صورت خواهد گرفت داشتند. بر علاوه، عدم گرفتن معلومات از اداره کمیسیون مستقل انتخابات در جریان پروسه انتخابات یک تناقض، عدم اعتماد و تغییر دادن معلومات در رابطه به اینکه چه تعداد دقیق مراکز و حوزه‌های رای دهی در روز انتخابات باز بودند به میان آورد. (۲۰)

شماره واقعی نامعلوم باقی خواهد ماند، مانند تعداد دقیق کارمندانی که در مراکز رای دهی استخدام شده اند و تعداد دقیق کارمندان انتخاباتی با توجه به از میان برداشتن بعضی از مراکز رای دهی با تفکیک جنسیت کارمندان آن.

ذخیره و حفاظت مواد حساس که برای مراکز انتخابات اختصاص داده شده بود و در روز انتخابات باز نشد مسؤولیت مشترک مشاورین کمیسیون مستقل انتخابات و پروژه (پروژه ظرفیت قانونی و انتخابی برای فردا) بود، که باید تحت همان شرایطی که مواد به ولایت ارسال گردیده بود حفظ میشد. در ولایات جاییکه مشاورین پروژه ظرفیت قانونی و انتخابی برای فردا حضور داشتند، این لازم و حتمی بود که مواد باید تحت حفاظت مشترک مسؤول انتخاباتی ولایتی مربوط به کمیسیون مستقل انتخابات نگهداری گردد و مشاورین بین المللی پروژه ظرفیت قانونی و انتخابی برای فردا و یا در عدم حضور مشاور، مسؤول دفتر انتخاباتی و مسؤول لوژستیک مسؤولیت حفاظت این مواد را بطور مشترک داشتند. در بعضی جا ها به سلسله حفاظت این مواد، یک مقدار قابل توجه مواد انتخاباتی که بازنگردیده بود و برای مراکز و حوزه های انتخاباتی اختصاص داده شده و به مراکز ولایتی کمیسیون مستقل انتخابات تحویل داده شده بود، بطور قابل ملاحظه مورد استفاده برای انجام تقلب صورت گرفته بود، که این موارد شامل ریختن آرای تقلبی به صندوق های رای و ایجاد مراکز خیالی که بتاريخ ۸ و ۱۶ سبتمبر سال ۲۰۰۹ از سوی ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات در افغانستان تفتیح گردید.

۱۹- راهنمایی های چارچوب کاری قانونی برای انتخابات سازمان امنیت و همکاری در اروپا چنین خلاصه مینماید: "چارچوب قانونی باید تشکیل گردد تا بصورت واضح بدست رس مردم قرار گرفته و از شفافیت تمام مواد یک سیستم انتخاباتی برای برگزاری انتخابات دموکراتیک تضمین شود."
۲۰- لست نهایی ۲۳۳۱۴ حوزه انتخاباتی در اوائل ماه اکتوبر به نشر رسید، اما کمیسیون مستقل انتخابات لست نهایی از ۲۶۲۷۵ حوزه انتخاباتی باز، در روز انتخابات را بدون توضیحات در رابطه به اختلافی که در ارقام وجود داشت، به دست رس ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات افغانستان قرار داد.

الف) استخدام و آموزش مسئولین انتخاباتی و کارمندان مراکز رای دهی

آموزگاران ولایتی حدود ۳۱۵۰ هماهنگ کننده ساحه ولسوالی را که بعداً منحیت مسئولین برای رهبری انتخابات در ۳۵۶ ولسوالی کشوریای وظیفه مینمودند، آموزش داده است. خانم ها ۲۳ درصد این آمار را تشکیل میدهند. باید گفت که پروسه گماشتن و استخدام زنان در سراسر ولایات بسیار مشکل بود، بالخصوص در داخل شهر کابل، و همینطور در مناطق جنوب و جنوب شرقی، جائیکه فشارهای امنیتی اکثراً باعث این شد که در مراکز رای دهی باید تنها مردان استخدام گردند. ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات در افغانستان پروسه آموزش کارمندان را بررسی کرده تا باشد که بطور درست و جدی رهبری و راه اندازی گردیده باشد، و مواد آموزشی تصومیشد که از کیفیت عالی برخوردار است. در کل ناظرین اتحادیه اروپا عملکرد کارمندان انتخاباتی را در بسیاری از موارد ارزیابی شده، قانع کننده، خوب و یا بسیار خوب ارزیابی کرده است.

ب) معلومات برای رای دهنده و تعلیم و تربیه شهری

بر عکس انتخابات ۲۰۰۵، کمیسیون مستقل انتخابات در سال ۲۰۰۹ مسئول کمپاین های معلوماتی بوده و این کمیسیون تمام پیام های انتخاباتی را از طریق مسئولین کمیسیون مستقل انتخابات و تعلیم و تربیه شهری به مرکز انتقال داده است. کمیسیون مستقل انتخابات یک میزان با کیفیت و بزرگ را در رابطه به معلومات برای رای دهنده تولید کرد، استفاده از رادیو و تلویزیون، نصب اعلان ها و پوستر ها و دیگر وسائل مطبوعاتی را تولید نمود. وضعیت ناگوار امنیتی تاثیر منفی بالای توانایی مربیان شهری برای دست رسی به یک تعداد قابل ملاحظه از ولسوالی ها داشته و آنان را همواره با مشکلات مواجه ساخته است که در بعضی موارد دست رسی آنان به رای دهندگان در مناطق قبیلوی و ساحات دور برای راه اندازی پروگرام های حمایتی انتخاباتی را ناممکن ساخته بود.

ج) بازرسی و کاهش تقلب توسط کمیسیون مستقل انتخابات

کمیسیون مستقل انتخابات قوانینی مشروطی را برای مقیاس های مؤثر برای بازرسی و کاهش تقلب ایجاد نمود. که این موارد شامل کیفیت مواد، کنترل انتقال مواد حساس، طرز العمل ها برای محوه تقلب و تأکید در شفاف بودن این پروسه، با کمک نمایندگان، ناظرین و مطبوعات برای بازرسی تخلفات میگردد. اگرچه، کوشش ها برای انجام تقلب در ساحات نا آرام، جائیکه نمایندگان کاندیدان، ناظرین، مطبوعات و رای دهندگان بسیار کم حضور داشته و یا هم اصلاً حضور نداشتند، بطور گسترده موفق از آب درآمد و به هدف خویش رسیدند.

در میان مقیاس های تعیین شده از سوی کمیسیون مستقل انتخابات برای کاهش تقلب، تأسیس و بنای قوانین برای انجام تحقیقات بوده است (۲۱)

بدبختانه قوانین از خود ساخته شده کمیسیون مستقل انتخابات جامه عمل نپوشیده و سیستم با تقلب گسترده مواجه گردید ولی نادرست بودن رای در مرکز شمارش آرا، تازمانیکه دومنوع یعنی ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات در افغانستان و کمیسیون سمع شکایات شواهد در رابطه به تقلب را پیشکش نموده و باعث اصلاح قسمی کمیسیون مستقل انتخابات گردیدند.

VI. ثبت نام رای دهنده

الف. حق دادن رای

ماده ۳۳ قانون اساسی کشور به تمام شهروندان حق دادن رای را میدهد. بعدها این قانون، آرای رای دهندگان از طریق رای گیری آزاد، عمومی، سری و مستقیم برای انتخابات ریاست جمهوری (ماده ۶۱ قانون اساسی) و انتخابات شورای ولایتی (ماده ۱۳۸) و با تماس به قانون انتخاباتی (ماده ۲) تضمین مینماید. بر اساس قانون انتخاباتی، کسانی میتوانند که واجد شرایط برای دادن رای باشند و از طریق کمیسیون مستقل انتخابات منحیت رای دهنده نامش ثبت گردد که در جریان رای دادن تابعیت افغانی داشته، سن اش در روز انتخابات از ۱۸ به بالا بوده، و از سوی محکمه با صلاحیت از حقوق سیاسی و مدنی اش محروم نگردیده باشد.

ب. ثبت نام رای دهنده

پروسه ثبت نام رای دهنده شایستگی افراد برای ریختن رای را بنا نموده و هویت رای دهنده را در روز انتخابات تثبیت نموده و این خود یک مانع مهم در برابر ریختن چند رای توسط یک شخص و جعلکاری میباشد. انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی سال ۲۰۰۹ بدون موجودیت یک سیستم واحد و دقیق ثبت نام رای دهنده، که خود ضعیف پروسه را زیر سوال برد، براه انداخته شد.

برای گرفتن آمادگی به انتخابات ریاست جمهوری، پارلمانی و شوراهای ولایتی تمرین های از ثبت نام رای دهندگان در سال های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ با تمرین نهایی در سال ۲۰۰۵ میلادی براه انداخته شد، که در جریان آن ۱۲.۵ میلیون کارت رای دهی توزیع گردیده بود. با وجود پیشنهادهای که از سال ۲۰۰۵ میلادی بدین سو در رابطه به تأسیس یک سیستم دقیق ثبت نام رای دهندگان صورت گرفته بود، تصمیم نهایی نباید در رابطه به تمرینی که قادر است تا یک لست دقیقی از رای دهندگان را که توسط کمیسیون مستقل انتخابات با مشوره رئیس جمهور در جولای ۲۰۰۸ میلادی ساخته شده بود، بگیرد. که این در همان وقت با تحمیل شدن خطرات امنیتی و راه اندازی یک پروسه کامل ثبت نام تصدیق گردید. در مقابل، یک تمرین تعویضی در چهار نقطه به هدف ثبت نام آنده از کسانیکه در انتخابات ۲۰۰۹ واجد شرایط میگردند، آنهای که کارت های رای دهی خویش را بعد از انتخابات سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ گم کرده و یا هم آنده از کسانیکه تغییر مکان نموده اند، تنظیم و سازماندهی گردید. این تجدید باعث صادر شدن ۴.۷ میلیون کارت رای دهی اضافی، که یکجا با ۱۲.۵ میلیون رای قبلی رقم آن به بیش از ۱۷ میلیون رای رسید. که از جمله این همه آرای چند میلیون رای آن گفته میشود که دونسخه ای و یا یک شخص دوباره رای داده بود.

شیوه گرفتن اثر انگشت (سیستم بیومتریک) برای جلوگیری از چند بار ثبت نام کردن در پروسه جدید ثبت نام به شکل آزمایشی در سال ۲۰۰۹ میلادی صورت گرفت. دفتر ارتباطات و تکنالوژی معلوماتی کمیسیون مستقل انتخابات کار خویش را برای ساختن یک سیستم ثبت اسناد (دیتا بیس) برای ۴.۷ میلیون رای دهنده اضافی دیگر آغاز کرد، که این مرحله شامل ذخیره تصویر و نشان انگشت هر رای دهنده بر اساس تعیین نام، ولایت و مرکز رای دهی بود. اگرچه، دفتر روابط و تکنالوژی معلوماتی کمیسیون مستقل انتخابات ظرفیت این را نداشت تا پروسه ثبت معلومات افراد را در دیتابیس بصورت متوازن و با در نظر داشت مقتضیات آن به پیش ببرد و از سوی دیگر کار ثبت نام رای دهندگان در دیتابیس برای چندین ماه مختل گردیده و پروسه نتایج انتخابات نیز همانند آن با مشکل مواجه شد. قبل از اینکه این اختلال به میان آید دفتر روابط و تکنالوژی معلوماتی کمیسیون مستقل انتخابات اظهار نموده بود که این دفتر توانسته است بصورت مؤفانه معلومات در رابطه به ۳ میلیون رای دهنده را در دیتابیس خویش ثبت نماید، با یک تعداد کم و غیر طبیعی فورمه های ثبت نام (یک تا دو درصد)، و ده ها هزار رای تکراری را که با تکمیل شدن کار دیتابیس بالای آن بررسی صورت خواهد گرفت، تشخیص داد.

معضلات امنیتی که خود مشکلاتی را در پروسه ثبت نام خانم ها (رای دهندگان خیالی) ایجاد کرده بود بعدها در جریان تمرین تجدید ثبت نام رای دهندگان کشف گردید. در هشت ولایت (۲۲) ثبت نام خانم ها به ۵۰ درصد و در سه ولایت دیگر (پکتیا، خوست و لوگر) به بیش از ۶۰ درصد و حتی بالاتر از آن افزایش یافت. این همه همان ساحاتی بود که قبلاً بخاطر تقلب در پروسه ثبت نام شناسایی گردیده و یا هم مردان به نمایندگی از زنان شان رای داده و یا زنان به بسیار مشکل جرأت میکردند تا منازل خویش را ترک نمایند.

رقم افرادی که در پروسه تجدید ثبت نام رای دهندگان در سال ۲۰۰۹ میلادی گرد هم ساخته شده است با ارقامیکه در سال های ۲۰۰۴-۲۰۰۵ صورت گرفته بود اصلاً مطابقت نمی نماید و این امکان هم نداشت تا یک لست کافی از رای دهندگان برای انتخابات ۲۰۰۹ میلادی را ترتیب داد. هیچ لستی از رای دهندگان در هیچ نقطه از کشور برای کمک به رای دهندگان و جلوگیری از تقلب چاپ و یا بر ملا نگردید.

VII. ثبت نام کاندیدان

الف. ثبت نام احزاب سیاسی

قانون اساسی کشور در چوکات قوانین تنظیم شده و احترام به آن، حق تشکیل احزاب سیاسی را تضمین مینماید (۲۳). ثبت نام احزاب سیاسی توسط قانون احزاب سیاسی رهبری گردیده، و معیار شایستگی قانونی برای ایجاد یک حزب در مجموع در مطابقت با معیارهای بین المللی قرار دارد. اگرچه، طرز العمل برای ثبت احزاب قانوناً به تصویب رسیده است و قانون راه را برای مداخلات سیاسی و فقدان جزئیات مهم برای تضمین یک پروسه درست، بی طرف و شفاف، بالخصوص تقاضا برای معتبر دانستن آن از سوی دیگران ها، هموار میسازد. بطور مثال هیچ طرز العمل واضح بخاطر تعیین ضرب العجل برای طی مراحل نمودن درخواستی ها وجود ندارد. اگرچه تعداد احزاب سیاسی در ماه اگست سال ۲۰۰۸ میلادی در افغانستان به ۱۳۸ حزب میرسید، که این احزاب نقش بسیار کمی در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور داشته اند. با نبود یک نقش واضح برای احزاب سیاسی، قوانین برای ثبت و راجسترا احزاب سیاسی هیچ تأثیر بارزی در روند انتخاباتی نداشته است. نقش ناکافی احزاب سیاسی یکی از عواملی بود در جهت رفتن به سوی نیروی که آنان را به ریاست جمهوری نزدیک ساخته و از پارلمان به دور نگهدارد.

ب. ثبت نام و انتخاب کاندیدان

قانون اساسی افغانستان و قانون انتخاباتی مقررات رسمی بدون کدام تبعیض نژادی و با توجه به معیارهای بین المللی را برای کسانی که برای پست ریاست جمهوری و یا شورا های ولایتی خود شانرا کاندید مینمایند وضع نموده است (۲۴). یک کاندید ریاست جمهوری نباید از ۴۰ سال سن کم داشته و کاندید شورای ولایتی باید حد اقل ۲۵ سال سن داشته باشد. تمام کاندیدانی که از حقوق مدنی خویش محروم نگردیده اند باید تبعه افغانستان بوده و تابعیت افغانی داشته باشند. تمام کاندیدان باید منحیث رای دهندگان در دفتر کمیسیون مستقل انتخابات ثبت و راجستر گردند، و کاندیدان انتخابات ریاست جمهوری نباید تابعیت کشور دیگر را داشته باشند (۲۵). کاندیدان شورای ولایتی باید در داخل ولایتی که به نمایندگی از همان ولایت خود را کاندید مینمایند زیست داشته باشند. قبل از تحویل ورق های نامزدی و بر اساس ماده ۱۵ بند اول قانون انتخاباتی، کاندیدان باید از موقف خویش در دولت، اداره انتخابات و یا قوه قضایی کشور استعفا دهند. اوراق برای کاندید شدن نامزدان ریاست جمهوری باید حاوی ۱۰۰۰۰ امضا و از کسانی که برای شوراهای ولایتی خودشان را نامزد نموده اند شامل ۲۰۰ امضا و یا کارت رای دهی باشد. (۲۶) کاندیدان ریاست جمهوری باید حدود ۵۰ هزار افغانی به قسم بیعانه (معادل ۶۹۰ یورو) و کاندیدان شورا های ولایتی باید حد اقل ۴۰۰۰ افغانی (معادل ۵۵ یورو) را به همین منظور بپردازند. این مقدار پول در صورتیکه کاندید موفق گردیده و یا فیصدی آرای شان از حد تعیین شده (۱۵ درصد برای کاندیدان ریاست جمهوری، ۲ درصد برای کاندیدان شوراهای ولایتی) تجاوز نماید پول شان دوباره تأدیه میگردد. مدت زمانیکه کاندیدان میتوانند خود را برای پست ریاست جمهوری و یا شورای ولایتی کاندید نمایند از ۲۵ آپریل تا ۱۲ جون تعیین گردیده بود، که بر اساس چارچوب زمانی که از سوی کمیسیون مستقل انتخابات از تاریخ ۱۶ الی ۲۱ ماه می تعیین گردیده بود کاندیدان میتوانند در این مدت زمان به مبارزات انتخاباتی خویش بپردازند. قانون اساسی و قانون انتخاباتی یک اساس قانونی را برای انتخاب کاندیدان تهیه نموده است. قانون انتخاباتی نام آنده از کسانی را که با گروپ های مسلح غیرقانونی (۲۷) در ارتباط هستند حذف مینماید در حالیکه قانون اساسی کشور نام کسانی را که مرتکب جنایت شده اند حذف مینماید. در زمینه معافیت و یا بخشش جنایات گذشته، اگرچه تعداد کسانی که از این قوانین متأثر گردیده اند بسیار اندک بوده، تاجائیکه بدرفتاری های گذشته توسط سازمان ملل متحد، گروپ های جامعه مدنی و گروپ های حقوق بشر ملی و بین المللی گزارش داده شده بود. رای دهندگان در مجموع توقع داشتند تا نام کسانی که گذشته خوبی ندارند و جرایم سنگینی را مرتکب شده اند از لست انتخابات حذف گردد، با توجه به اینکه آیا آنان قبلاً از سوی قوه قضایه کشور متهم محسوب شده اند و یا خیر. این چنین محرومیت ها و استثنائات اگرچه در قانون پیش بینی نشده بود و ممکن در تضاد با قانون قرار گرفته که افراد میتوانند تا در بنا نهادن فرایض شخصی خویش برای انجام جرم قادر گردند.

۲۳- در پهلوی دیگر مسائل قانون اساسی کشور تشکیل و فعالیت حزب سیاسی را در صورت داشتن تبعیض قومی، مذهبی، لسانی و فرقه گرایی مذهبی ممنوع قرار میدهد. قانون میخاهد تا ساختار و منابع احزاب باید شفاف باشد و حزب نباید با احزاب سیاسی خارجی و یا دیگر منابع وابستگی و ارتباط نداشته باشد و نباید سازمان ها و اهداف نظامی و شبه نظامی داشته باشد. بالاخره شعار و فرمان یک حزب سیاسی نباید در تضاد با دین مقدس اسلام و قوانین و ارزش های که توسط قانون اساسی محترم شمرده میشود، قرار داشته باشد.

۲۴- ماده ۶۲ و ۸۵ قانون اساسی کشور

۲۵- ماده ۶۲ قانون اساسی

۲۶- بند ۲ ماده ۳۵ قانون اساسی

۲۷- ماده ۱۵ (۳) قانون انتخاباتی تصریح میدارد که کسانی که نام های شان حذف میگردد عملاً قومانده و یا عضویت گروپ های مسلح غیرقانونی را بر عهده دارد.

درممالکی که با جنگ های داخلی مواجه بوده و یا در آن تشنجات همواره موجود بوده سیستم قضایی این چنین حکومت ها اکثراً ضعیف میباشد. در چنین حالات مقیاس های عدالت انتقالی اکثراً یک بخشی از تلاش برای ابقای حاکمیت قانون و متوجه ساختن به جنایات گذشته میباشد، درحالیکه در عین زمان اهداف بزرگ برای مصالحه و صلح را نیز پیگیری مینماید. شرایط مطلوب برای انتخاب و یا در صورت لزوم حذف کاندیدان برای تأسیس نهاد های دموکراتیک در چوکات حکومت افغانستان مناسب دانسته میشود. نارضایتی مردم با محدودیت های که برای پروسه انتخاب یک کاندید تعیین گردیده خصوصاً حمایت گسترده برای آن، و آمیدی که در میان رای دهندگان برای داشتن یک حکومت حساسه وجود داشت شرح داده شده است. انتخاب یک کاندید به یک دسته از معیار های عدالت انتقالی که توسط دولت افغانستان تحت یک پلان عملی برای صلح، عدالت و مصالحه به توافق رسیده بود ارتباط میگردد. فشار این پلان به برکناری بعضی از مقامات دولتی از سمت های شان بر اساس ارتباطات شان با گروپ های مسلح غیرقانونی و ایجاد یک موزیمی که تشنجات گذشته را به نمایش میگذارد، محدود گردیده است. میکانیزم گفتن حقایق نیز رسماً توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر که قبلاً گزارشی را تحت عنوان " تقاضا برای عدالت " در سال ۲۰۰۴ میلادی به نشر رسانیده بود، ایجاد گردیده است (۲۸).

کمیسیون مستقل انتخابات در پروسه انتخاب کاندید سهیم نشد، طوری که این کمیسیون یک طرز العمل کاری درستی را برای تحقیق در رابطه به اعتبار درخواستی نامزدان و در مقابل کاندیدان مورد نظر باید یک سوگندنامه را که نشان دهد که آنان شایسته تمام مقتضیات مورد نظر برای انتخاب شدن در انتخابات میباشد به امضا برسانند. زمانیکه این موضوع کمیسیون مستقل انتخابات را از انتقادات در رابطه به تصامیم این کمیسیون که سیاسی تلقی میشود نجات داد و این تصمیم یک بار مسئولیت بر شانه های کمیسیون سمع شکایات بود، یعنی یگانه مرجع که مستقیماً مسؤول کنترل مواردی که باعث ناکامی در روند نامزدی یک شخص، بشمول مسئولیت برای کنترل کاندیدان که با گروپ های مسلح غیرقانونی دست نداشته باشند، میگردد.

کمیسیون سمع شکایات تصمیم گرفت تا بر تصامیم کمیسیون خلع سلاح و بازسازی برای اینکه معلوم شود آیا شخص نامزد برای انتخابات با گروپ های مسلح غیرقانونی ارتباط دارد و یا خیر، اتکا نمود. این کمیسیون معلومات را از طریق یک پروسه بسیار طولانی که شامل دفتر سکرتریت این کمیسیون، مرکب از وزارت داخله، وزارت دفاع، ریاست امنیت ملی، نماینده خاص سرمنشی سازمان ملل متحد و قوماندان آپساف میگردد در چارچوب پروگرام خلع سلاح افراد غیرمسؤول رد و بدل مینمود. کاندیدان حذف شده میتوانستند تا خلع سلاح گردیده و یا در رابطه به ارتباطات شان با گروپ های مسلح غیرقانونی برای شامل شدن نام شان در لست، اعتراض کنند. اگر چه، چارچوب زمانبندی شده برای ادعا علیه تصامیم و یا برای خلع سلاح شدن بسیار محدود بود و طرز العمل قبول انتخاب کاندیدان را با توجه به پروسه قانونی آن ضربه زد.

این همچنان اثر طرز العمل انتخاب و یا نظارت کاندید را مثل یک انگیزه برای خلع سلاح شدن کاندیدان در آینده محدود میساخت.

کمیسیون سمع شکایات ۳۰۲ اتهام را در رابطه به نامزدان دریافت نمود که از آن جمله ۵۰ آن مربوط به کاندیدان ریاست جمهوری و معاونین کاندیدان و ۲۵۲ مورد دیگر آن به کاندیدان شوراهای ولایتی ارتباط میگرفت. بعد از قضاوت در مورد این همه اتهامات، رقم نهایی کاندیدان ریاست جمهوری به ۴۱ تن (با ۸۲ معاونین رئیس جمهور) و برای انتخابات شورای ولایتی به ۳۱۹۵ تن رسید. (۲۹) کمیسیون سمع شکایات نام ۵۶ کاندید (دو کاندید ریاست جمهوری، یک معاون رئیس جمهور و ۵۳ کاندید شورای ولایتی) را که در مطابقت با قانون قرار نداشتند حذف نمود.

در مجموع ۵۴ کاندید بخاطر داشتن ارتباطات با گروپ های مسلح غیرقانونی، یک کاندید بخاطر مرتکب شدن جرم بر اساس ماده ۶۲ و ۸۵ قانون اساسی کشور، یک تن دیگر هم بخاطر داشتن تابعیت دوگانه از لست نامزدان حذف گردیدند. تصمیم کمیسیون سمع شکایات مبنی بر تکیه کردن بر داشته های کمیسیون خلع سلاح و تحکیم صلح برای تشخیص اتهامات وارده قسملاً بخاطر تأسیس بسیار ناوقت کمیسیون سمع شکایات و ضرورت برای انجام تحقیقات عمیق بوده است، که دفاتر ولایتی این کمیسیون در موقفی قرار نداشتند که این روند را هدایت کنند. این تصمیم همچنان کمیسیون سمع شکایات را قادر ساخت تا از اتهامات وارده مبنی بر جانبداری و تکیه کردن به معلومات موجود، فاصله بگیرد. اگر چه، انتخاب کاندیدان در بعضی از موارد هنوز با اتهامات مواجه بود، درحالیکه اطلاعات خود کمیسیون خلع سلاح و ملکی سازی در ذات خود بایک سلسله عیب های که از سوی حلقات سیاسی و جوامع مدنی افغانستان ملاحظه شده بود مواجه بود.

پروسه نظارت از کاندیدان از هیچگونه حمایت سیاسی برخوردار نبوده، و همینطور احزاب بین المللی وابسته به سکرتریت مشترک کمیسیون خلع سلاح و ملکی سازی نیز در تهیه معلومات اضافی ناکام گردیدند. اطلاعاتی که مربوط به پروسه میگردد رسماً از دولتی که نتوانست معلومات دقیقی را از جنگ سالاران بدنام ارائه دهد، سرچشمه میگرفت. پروسه مذکور همچنان متقبل مداخلات از سوی مقامات و رهبران محلی که برای نفوذ خویش در داخل دفاتر پروسه خلع سلاح افراد مسلح

غیرمسئول در ۵ ولایت کشور تلاش مینمودند، گردید. میکانیزمی که برای عملی شدن این پروسه بکار گرفته شده بود نه کاملاً شفاف و نه هم هدفمند و مؤثر بود. مهمتر از همه، این پروسه یک تعریف قانونی از اینکه چه افرادی را میتوان گروپ مسلح غیرقانونی خواند، نداشت. کمیسیون خلع سلاح و تحکیم صلح نیز متقبل فشارهای جدی از جهات مختلف گردید، به نقل از گزارشات – کاندیدان حذف شده بارها به دفتر کمیسیون خلع سلاح و ملکی سازی مراجعه نموده و در رابطه به تصمیم این نهاد شکایت مینمودند، و دیگر فشارهای جدی که از سوی هیئت رئیسه بالای آنان تحمیل میگردد.

زمانیکه کمیسیون خلع سلاح و ملکی سازی یک سلسله تصمیمی را مبنی بر حذف کاندیدان پرنفوذ کرد، یک تعداد قابل ملاحظه از این کاندیدان که بصورت گسترده با گروپ های مسلح غیرقانونی ارتباط داشتند در روند انتخابات باقی مانده و در نتیجه پروسه نظارت از کاندیدان اعتبار خویش را در مقابل مردم از دست داد. در میان کسانی که با وجود ارتباطات قوی شان با گروپ های مسلح غیرقانونی هنوز هم در پروسه انتخابات باقی ماندند، دومعاون رئیس جمهور و بعضی از اعضای شورای ولایتی که بر اساس نتایج اولیه تمامی این افراد توانستند تا در پروسه انتخابات برنده هم شوند.

تمامی اعضای مأموریت اتحادیه اروپا برای انتخابات افغانستان بر اهمیت و حساس بودن پروسه انتخاب و یا نظارت با فرارسیدن انتخابات تقنینی سال ۲۰۱۰ میلادی تأکید نمودند. توقع میرود که مبارزه برای کسب کرسی درولسی جرگه با توجه به شمار گسترده کاندیدان بسیار رقابتی باشد و به تجدید لست گروپ های مسلح غیرقانونی نیز ضرورت احساس میشود.

ج. انصراف بعد از وقت کاندیدان

دراوائل جولای، از سوی برخی از کاندیدان ریاست جمهوری اعلان شد که آنان در مبارزات انتخاباتی خویش به نفع دیگر کاندید گذشته اند و این مسأله با یک سلسله مناظرات که به چنین اعلامیه ها در جریان پروسه انتخابات جنبه قانونی بخشد همراه بود. به تاریخ ۶ اگست، کمیسیون مستقل انتخابات بر اساس بند ۲ ماده ۳۷ قانون انتخاباتی (۳۰) تصمیمی را مبنی بر انصراف بعد از وقت و یا دیر کاندیدان که به آن جنبه قانونی میداد گرفت.

در این تصمیم از کاندیدی که میل داشت تا از انتخابات کنار رود تقاضا میشد تا بعد از ختم پروسه ثبت نام باید رسماً کمیسیون مستقل انتخابات را در رابطه به انصراف خویش در جریان بگذارد تا این کمیسیون آرای ریخته شده به نفع این کاندید را باطل اعلام نماید. آنده از کاندیدانی که کمیسیون مستقل انتخابات را از انصراف خویش رسماً اطلاع نمیدهند، آرای ریخته شده به نفع آنان مطابق به طرز العمل کاری کمیسیون مستقل انتخابات فقط بنام خود شان حساب میگردد.

زمانیکه به توضیحات بیشتر در رابطه به این قانون لازم بود، این تصمیم قوانین کمیسیون مستقل انتخابات در رابطه به پروسه نامزدی و شمارش آرا را در تناقض قرار داد که این مسأله خود باعث تحمیل ضرب العجل بالای انصراف و قانون کمیسیون مستقل انتخابات در رابطه به شمارش آرای باطل و غیر باطل گردید. و این مسأله شفافیت پروسه را نیز زیر سؤال برد. طوریکه نتیجه چنین شد که آرای کاندیدان منصرف شده از پروسه انتخابات به شکل آرای معتبر در حوزه های انتخاباتی و به شکل آرای باطل در مرکز شمارش آرا حساب گردد.

بر علاوه، چنین به نظر میرسد که کاهش تعداد مجموعی آرای معتبر و یا غیر باطل که به نفع کاندید ریاست جمهوری به صندوق ریخته شده است به طور گسترده شمار آرای معتبر قابل ضرورت یک کاندید را که برای برنده شدن به بیش از ۵۰ درصد رای ضرورت دارد کاهش داده و امکان رفتن به دور دوم را میدهد.

۲۸- کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در حال حاضر یک تمرین نقشه برداری شده از جرایم گذشته را هدایت نموده، که میتواند به پروگرام های مرتبط دیگر ممد واقع گردد.

۲۹- رقم ۳۱۹۵ توسط نماینده خاص سرمنشی سازمان ملل متحد برای افغانستان بتاريخ ۷ جون به نشر رسید.

۳۰- اگر چه متن انگلیسی قانون انتخابات در بند ۲ ماده ۳۷ خود مینگارد که " هرگاه یک کاندید (زن یا مرد) انصراف مینماید و یا بعد از پروسه نامزدی برای کاندید شدن فوت میکند، و یا اگر نامش (زن یا مرد) از لست کاندیدان توسط کمیسیون سمع شکایات حذف میگردد، آرای ریخته شده به نفع وی (زن یا مرد) هیچ تأثیری بالای روند شمارش آرای نخواهد داشت.

VIII. کمپاین انتخابات و فضای قبل از انتخابات

الف : نظارت از کمپاین انتخابات

کمپاین برای انتخابات ریاست جمهوری و شورای ولایتی رسماً به تاریخ ۱۶ ماه جون سال ۲۰۰۹ میلادی آغاز و تا ۱۸ ماه اگست ادامه یافت (۳۱). آزادی تجمعات، اشتراک در مجالس و آزادی بیان توسط قانون اساسی کشور و مطابق به قانون جدید کمپاین انتخابات، که در ماه می سال ۲۰۰۹ میلادی اصلاح گردید، چارچوب کاری اصلی قانونی را فراهم ساخت. فقط سه حزب سیاسی دیده شد که فعالانه کاندیدان را حمایت مینمایند: حزب جنبش ملی (۳۲)، حزب وحدت (۳۳)، و جبهه متحد ملی (۳۴).

کاندیدان ریاست جمهوری پیام‌های مشابهی را به مردم میداند، وعده میکردند که ناامنی را از میان می‌بردارند، بنای صلح و ثبات را از طریق پروسه مصالحه ملی میگذارند، فساد را ریشه کن ساخته و اقتصاد کشور را بهتر میسازند. بهترین پروگرام کاری توسط آقای اشرف غنی احمدزی ارائه و پیشکش گردید، کسیکه به رای دهندگان مؤنث نیز توجه نموده بود، با این حال تنها کاندیدی که برای انتقال قدرت سیاسی به سیستم پارلمانی تأکید میکرد آقای داکتر عبدالله بود. در تلاش برای آوردن صلح و ثبات اکثریت کاندیدان ریاست جمهوری میگفتند که آنها مذاکره با مخالفین را بر موجودیت یک استراتژی نظامی ترجیح میدهند.

پروسه کمپاین کاندیدان در یک فضای انجام شد که اکثراً آزادی رفت و آمد و برگزاری تجمعات را بخاطر عملیات‌های نظامی دوامدار، بطور خاص در جنوب کشور، و افزایش حملات طالبان مسلح برای مختل ساختن انتخابات و ایجاد ترس برای بازداشتن رای دهندگان، محدود ساخته بود. با وجود روی دادن یک سلسله حملات بالای کاندیدان ریاست جمهوری و کسانی که برای شان کمپاین مینمودند، باز هم بیشترین کاندیدان ریاست جمهوری توانستند تا در اکثر ولایات کشور کمپاین نمایند. موجودیت منابع کمتر و حمایت امنیتی ناچیز، کاندیدان شوراهای ولایتی را با مشکلات جدی بیشتری مواجه ساخت و در بعضی از موارد پروسه کمپاین آنان تنها در مراکز ولایات و ولسوالی‌ها محدود میگردد. با این حال کاندیدان مؤنث شوراهای ولایتی بیشتر از این امر متأثر گردیده و حتی بعضی از آنان نتوانستند در مجموع حتی کمپاین نمایند.

۳۱- کمیسیون مستقل انتخابات دوره رسمی کمپاین را با توجه به اینکه این زمان ۴۸ ساعت قبل از آغاز پروسه رای دهی باید ختم باید تعیین مینماید. (بند ۱ ماده ۳۸ قانون انتخاباتی)

۳۲- جنبش ملی توسط جنرال دوستم کسیکه در مراحل آخری کمپاین انتخابات تصمیم گرفت تا طرفداری اش را از حامد کرزی اعلام بدارد رهبری میگرد.

۳۳- حزب وحدت توسط محمد کریم خلیلی کسیکه برایش برای بار دوم فرصت داده شد تا موفقش را در سمت معاون رئیس جمهور حفظ کند، رهبری میگرد.

۳۴- جبهه متحد ملی که یک ائتلاف نیز محسوب میگردد توسط رئیس جمهور پیشین افغانستان آقای برهان الدین ربانی رهبری میگرد. باید گفت که جبهه متحد ملی پیشینیانی اش را از داکتر عبدالله اعلام داشته بود.

از مثال های ارباب ، تهدیدات و حملات مستقیم که کاندیدان ، کارمندان و اعضای اداره انتخابات را هدف قرار میداد در جریان پروسه کمپاین گزارش داده شد. (۳۵) ۵ کاندید شورای ولایتی در جریان دوره انتخاباتی کشته و ۵ تن دیگر آنان ربوده شدند. (۳۶) کاندیدان ریاست جمهوری ۱۹ بار مورد هدف قرار گرفتند که این واقعات شامل حملات بالای کارمندان کمپاین و دفاتر شان نیز میگردد. اگرچه بسیاری از قضایای تهدیدی و حملات جدی دیگر به مخالفین مسلح دولت ربط داده میشد، مردم عام و بعضی از کاندیدان شورای ولایتی نیز بعضی تهدیداتی را از سوی رهبران محلی با نفوذ متقبل گردیدند. در حالیکه در محلات امن پروسه کمپاین بدون هیچ کدام مشکل جدی به پیش رفت ، ولی در بعضی ساحات نا آرام و نا امن اصلاً هیچ کمپاینی صورت نگرفت و یا اگر صورت هم گرفت بسیار محدود بود و این همه به علت پخش شب نامه ها بود. (۳۷)

ب. استفاده از منابع دولتی

گزارش های معتبر حاکی از آن بود که آقای کرزی و دو معاونین اش از منابع دولتی بشمول پولیس و اردوی ملی سوء استفاده نموده اند. گزارش های میرساند که آقای کرزی از بخش لوژستیک نیروهای امنیتی برای حمل و نقل اعضای تیم کمپاین اش و تجمع رای دهندگان و فراهم ساختن تسهیلات برای بود و باش شان در مهمان خانه های دولتی و دیگر مکان های تحت صلاحیتش، بطور گسترده استفاده نموده است. استفاده از منابع بیت المال برای حمایت کاندیدان در انتخابات منع میباشد، ولی برای عملی نمودن آن هیچ میکانیزمی وجود ندارد. با وجود اینکه قانون کارمندان دولتی را از ابراز نمودن پیشبینانی شان (۳۸) از کاندید ریاست جمهوری و یا هر کاندید دیگر منع مینماید ولی با آن هم یک تعداد از مقامات دولتی بصورت آشکار حمایت خویش را از حامد کرزی (۳۹) و تعدادی هم از داکتر عبدالله اعلام داشتند. (۴۰) حامد کرزی همچنان از سوی مقامات دولتی بشمول والیان ، رؤسای دوایر دولتی و اعضای پارلمان مورد حمایت قرار گرفت.

۳۵- از موارد معمول آن دریافت تماس های تلفونی از طرف شب و نامه های تهدید آمیز بود. که این مسأله در تمام ولایات بالخصوص در ولایات خوست ، وردک ، لوگر ، لغمان ، کنر ، ننگرهار ، پکتیکا و پکتیا، گزارش داده شده بود. شورشیان راه های را برای تهدید نمودن مردم جستجو میکردند مانند نشرات رادیویی از طریق رادیو صدای شریعت و یا رادیو ننگرهار ، که این دو رادیو در مناطق خارج از کنترول دولت مانند ساحات نا امن ولایات کنرو ننگرهار موقعیت دارند.

۳۶- این رقم نشاندهنده قضایای معلوم در رابطه به ترور کاندیدان شورای ولایتی از ماه می ۲۰۰۹ بدین سو میباشد.

۳۷- بتاریخ ۱ ماه اگست ، شورشیان مخالف مسلح یک اجتماع انتخاباتی مربوط به کاندید ریاست جمهوری داکتر عبدالله را در ولسوالی غازی آباد ولایت کنر آماج فیر سلاح های ثقیل و خفیف قرار دادند. که هیچ گزارشی در رابطه به خسارات مالی و یا جانی نشر نشد. واقعات امنیتی در رابطه به مسأله انتخابات بسیار زیاد بودند که از آن جمله میتوان از : حملات بالای کارمندان کمپاین (بتاریخ ۳۰ جولای یک مسؤول کمپاین انتخاباتی حامد کرزی در اثر انفجار یک بمب کنار جاده در منطقه قلعه لندن ولایت جوزجان کشته شد). اختطاف کاندیدان شورای ولایتی (بتاریخ ۳۰ جولای یک کاندید در ولسوالی ازره ولایت لوگر ربوده شد. یکی دیگر از آنان بتاریخ ۳۱ جولای از قریه سردره ولسوالی درزاب ولایت جوزجان اختطاف گردید). اختطاف پرسونل انتخاباتی (بتاریخ ۱ اگست یک هماهنگ کننده ساحه ولسوالی در ولسوالی چک میدان وردک ربوده شد). تخریب و از بین بردن مراکز انتخاباتی (بتاریخ ۳۰ جولای یک مرکز رای دهی در ولسوالی ده سیز ولایت کابل به آتش کشیده شد). حمله بالای دفاتر کمپاین (بتاریخ ۲۹ جولای یک دفتر کمپاین انتخاباتی حامد کرزی در اثر وقوع یک انفجار در ولایت هرات تخریب گردید و در همان روز دفتر کمپاین انتخاباتی داکتر عبدالله در ولسوالی ارگون ولایت پکتیکا نیز تخریب شد). همچنان تهدید شهروندان و کاندیدان شورای ولایتی بر اساس گزارشات قبلی ادامه یافت. منبع : دفتر محافظت و مصونیت سازمان ملل متحد ، برنامه همکاری سازمان ملل متحد برای افغانستان، ناظرین اتحادیه اروپا برای نظارت در انتخابات افغانستان

ج. مسائل مالی کمپاین

درمسأله مالی کمپاین کاندیدان و یا رقبای انتخاباتی یک اختلاف نظر بسیار وسیعی وجود داشت. شیوه های ناپسند درمسائل مالی کاندیدان فعالیت های کمپاین بسیاری از کاندیدان را محدود ساخته بود، که این مسأله مصونیت و دست رسی به نقطه مورد نظرشانرا متأثر ساخته بود. درحالیکه کاندیدان اصلی ریاست جمهوری با کدام مشکل جدی مالی مواجه نگردیدند(۴۱)، ولی یک تعداد دیگر از رقبای انتخابات ریاست جمهوری و تعداد زیادی از کاندیدان شورای ولایتی توانستند تا کمپاین های بسیار کوچکی را براه بیندازند و کمتر توانایی این را داشتند تا با مشکلات و چالش های امنیتی مقابله نمایند.

درمقایسه با قوانینی که برای انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۴ میلادی وضع گردیده بود، کمیسیون مستقل انتخابات هیچ نوع محدودیتی را بالای روند کمپاین انتخابات ریاست جمهوری در این دور وضع ننمود. چنین محدودیت ها میتوانست کمک کند تا انصاف در رقابت میان کاندیدان بیشتر مراعات گردیده و میتوانست بیشتر در مطابقت با معیارهای بین المللی قرار داشته باشد. (۴۲)
قوانین برای عملی شدن درپروژه کمپاین فقط منحصر به چند چیز محدود مانند شرایط مصارف کمپاین، منع استفاده از بیت المال، دریافت کمک های مالی خارجی و یا غیرقانون برای مقاصد کمپاین میگردید. ولی هیچ میکانیزم دقیقی برای نظارت از تطبیق این قانون ساخته نشد.
اگرچه قانون افشای مصارف مالی کمپاین کاندیدان را مکلف میسازد تا در رابطه به مسائل مالی کمپاین خویش جزئیات ارائه کرده و آنرا فاش سازند، ولی هیچ میکانیزم وجود نداشت تا این مسأله را بطور اصولی بررسی نماید. ولی با آن هم، اعلام و نشر مصارف مالی کمپاین های انتخاباتی کاندیدان ریاست جمهوری باعث سران بردن شکایات به دفتر سمع شکایات انتخاباتی در ارتباط به آمار که رسماً نشر شده بود، گردید.
هشت کاندید ریاست جمهوری اصلاً حاضر به اعلام مصارف مالی کمپاین های خویش نگردیدند که این در مغایرت با اصول از قبل اعلام شده قرار داشت. آنها از سوی کمیسیون سمع شکایات شناسایی گردیدند ولی دیده میشد که این قانون اصلاً نمیتواند که به شکل درست آن مؤثر واقع گردد.

د. شکایات در جریان دوره کمپاین

در جریان دوره کمپاین، شکایات مکرراً از طریق مطبوعات به نشر رسیده و به شکل غیر رسمی با کمیسیون سمع شکایات از طریق پیام های کتبی و تماس های تلفونی شریک ساخته شد، ولی فقط یک شمار محدودی از شکایات رسمی به این کمیسیون تحویل داده شد. بعضی اشتباهات انتخاباتی توسط تیم مشترک نظارتی مرکب از دفتر معاونت سازمان ملل متحد یا یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، در رابطه به ادعا ها در مورد ایجاد وحشت و ترس و مداخله دولت در پروژه انتخاباتی، و همچنان موجودیت تبعیض و دیگر تخلفات حقوق بشری گزارش داده شد. بر اساس معلومات مأموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات در افغانستان، به هیچ شکایتی از سوی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان رسیدگی نشده است.

۳۸- لطفاً به ماده های ۶ و ۷ قانون کمپاین انتخابات مراجعه نمایند. (قانون متذکره در ماه می ۲۰۰۹ اصلاح گردیده است)

۳۹- درپهلوی دیگر کسانی که از حامد کرزی حمایت کردند، اشخاصی چون والی ننگرهار، رئیس کمیسیون مستقل انتخابات در کندهار، و رئیس ریاست مستقل ارگان های محلی نیز شامل بودند. به مقامات پانین رتبه دولتی نیز پول داده شده بود تا از حامد کرزی بطور آزاد حمایت کنند.

۴۰- والی ولایت بلخ، آقای عطا محمد نور و والی پنجشیر حاجی پهلول هر دو شان حمایت خویش را از داکتر عبدالله عبدالله اعلان نمودند.

۴۱- بر اساس معلومات دفتر معاونت سازمان ملل متحد با یوناما، مصارف ماهانه دفاتر ولایتی آقای کرزی و آقای عبدالله عبدالله تنها در ولایت لغمان حدود ۱۰۰۰۰ و ۵۰۰۰۰ هزار دلار آمریکایی بود.

۴۲- ماده ۲۵ پیمان بین المللی حقوق سیاسی و مدنی، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، نظریات عمومی شماره ۲۵، پاراگراف ۱۹: وضع نمودن محدودیت های جامع بالای مصارف کمپاین ها ممکن تصدیق گردد که تا حدی که ممکن است از متأثر ساختن حق آزادی رای دهنده جلوگیری شود و یا پروژه دموکراتیک با مصارف نامناسب به نمایندگی از هر کاندید و یا حزب تحریف میگرد. بطور مثال، به ماده ۱، ایکواس، پروتوکل در رابطه به دموکراسی و حکومت داری خوب، سال ۲۰۰۱ (این ماده در موضوع انتخابات افغانستان قابل دریافت نمی باشد)

قبل از روز انتخابات، کمیسیون سمع شکایات در رابطه به ۱۸۱ شکایت از جمله ۴۶۷ شکایت درج شده که اکثر آن مربوط به مباحثات مواد کمپاین، سوءاستفاده از منابع بیت المال، و یا مداخله مقامات دولتی در امور انتخاباتی تصمیم خویش را اعلام نمود. کاندیدان ریاست جمهوری و معاونین شان و یا کارمندان کمپاین های انتخاباتی شان شامل ۱۱۸ شکایتی که به کمیسیون سمع شکایات سپرده شده بود، بودند. کمیسیون سمع شکایات ۱۵۱ شکایت را بخاطر نداشتن یک اساس قانونی و یا براساس عدم داشتن شواهد و معلومات کافی باطل اعلان نمود. (۴۳)

بر علاوه حذف نام دو کاندید شورای ولایتی بخاطر ترک نکردن وظایف دولتی شان، کمیسیون سمع شکایات در مقابل بعضی از قانون شکنی های مربوط به کمپاین های انتخاباتی بشمول اهانت به شخصیت یک تن از کاندیدان زن ریاست جمهوری، اجتناب کاندیدان ریاست جمهوری از افشاکردن مصارف کمپاین های شان، کمپاین نمودن مقامات دولتی به نفع رئیس جمهور، و سوء استفاده از منابع دولتی و بیت المال برای مقاصد کمپاین های شان، عکس العمل نشان داد.

مهم ترین تصمیم براساس موارد فوق الذکر در مقابل تیم کمپاین داکتر عبدالله و کاندید معاونیت ریاست جمهوری آقای خلیلی گرفته شد. خطاریه ها و جریمه نقدی بالای تخطی کنندگان وضع گردید. کمیسیون سمع شکایات تحقیقاتی را به ابتکار خودش براه انداخت، گفته میشد که ممکن عکس العمل های جدی درمورد صورت گرفته و باعث دگرگونی اوضاع شود. بعد از آن همه تحقیقات هیچ تصمیمی درمورد گرفته نشد.

IX. مطبوعات و انتخابات

الف. فضای مطبوعات.

بخش مطبوعات در افغانستان شامل رسانه های دولتی و شخصی میشود و در ۷ سال گذشته این بخش شاهد پیشرفت های قابل ملاحظه و چشمگیر بوده است که در این جا دارد تا از کمک مالی جوامع بین المللی تشکری گردد. در حال حاضر، ۲۰ تلویزیون شخصی و ۱۰۰ رسانه صوتی ویا رادیویی بشمول شبکه های خبری در افغانستان فعالیت دارند. از سال ۲۰۰۴ بدین سو صدها روزنامه در چوکات وزارت اطلاعات و فرهنگ تأسیس گردیده، اما بسیاری از آنان بسیار فعال نبوده و یا فقط برای نشر تبلیغات و خبر های مربوط به انتخابات از آنان استفاده شده است. رادیو منحیث منبع اصلی معلومات برای رای دهندگان در افغانستان باقی مانده است. تنش های جاری و یا ضعیف بودن حاکمیت قانون با هم یکجا آزادی مطبوعات در افغانستان را متأثر ساختند. بد شدن وضعیت امنیتی و دست رسی محدود به معلومات یکی از عوامل اصلی در برابر فعالیت های ژورنالیستی و پوشش های خبری خصوصاً در وقت انتخابات بوده است. بر علاوه آزادی بیان و شریک ساختن اندیشه ها کاملاً و بصورت منفی توسط ژورنالستان معتصب و غیر مسلکی متأثر شده است (۴۴). براساس راپور مأموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات در افغانستان و همچنان گزارش های داخلی و بین المللی در رابطه به آزادی مطبوعات، مقامات دولتی و مسائل امنیتی از منابع اصلی ایجاد ترس و فشار بالای ژورنالستان است. که این باعث ایجاد فضای ترس در میان ژورنالستانیکه خصوصاً در ولایات بودوباش دارند میگردد.

۴۳- شکایات مستلزم جزئیات بیشتر در رابطه به کار های شخص بوده و شواهد اکثرأ به علت نبود دانش کافی در رابطه به چارچوب کاری و میکانیسم قضایی به دست رس قرار نمیگرفت.

ژورنالستان ملی و بین المللی با مشکلات جدی از جمله افزایش خشونت و ارباب در روزهای قبل از برگزاری انتخابات و در روز برگزاری انتخابات گردیدند، که براساس بعضی از گزارش ها یک مقدار از موارد فوق یعنی فشارها از سوی حامیان دو کاندید بر ترریاست جمهوری بالای ژورنالستان نیز تحمیل گردیده بود (۴۵). بسیاری از موارد ارباب علیه ژورنالستان مخفی باقی مانده و به مقامات گزارش داده نشدند زیرا ژورنالستان از عدم اعتماد شان بالای ارگان های دولتی سخن میزدند.

به تاریخ ۱۹ ماه اگست ، و به تعقیب تصمیم شورای امنیت ملی افغانستان، وزارت امور خارجه قانونی را بالای مطبوعات صادر نمود که براساس آن مطبوعات از دادن گزارش موارد خشونت در جریان روز انتخابات که باعث بی علاقه مردم برای رای دادن میگردد، منع گردید. دولت در رابطه به اوامر صادر شده گفت که این حکم بخاطر حفظ منافع ملی و تأمین امنیت در جریان روز انتخابات صادر گردید.

تعداد زیادی از مطبوعات داخلی از این امر اطاعت نموده و از هیچ مورد خشونت، حملات و مسائل امنیتی در روز انتخابات گزارش ندادند (۴۶). دیگر مطبوعات داخلی و خارجی که به گزارش دهی خود ادامه میدادند، این عمل را مخالف آزادی بیان و مخالف حق اساسی افغانان برای دریافت معلومات خوانده و آن را تقبیح نمودند. در روز انتخابات ۱۵ ژورنالیست افغان و خارجی که میخواستند از جریان یک رویداد مسلحانه در کابل گزارش تهیه نمایند توسط موظفین امنیتی بازداشت گردیدند. که با بسیاری از آنان در زمان بسر بردن در قید برخورد زشت و نامناسب نیز صورت گرفته است. آنان بعد از ختم انتخابات از قید رها گردیدند. با قبول کردن نگرانی های دولت در رابطه به امنیتی داخلی کشور، مأموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات در افغانستان راهنمایی های روز انتخابات برای مطبوعات را در تناقض با قانون اساسی ، معیار های بین المللی برای آزادی بیان و حق مردم برای کسب معلومات میداند.

۴۴- پائین بودن سطح تخصصی ژورنالیستی که به طور گسترده به عدم موجودیت مهارت های ژورنالیستی، معیار های پائین تخصصی و نبود کمک های تکنیکی، ارتباط میگردد.

۴۵- به گزارش شبکه خبری انترنیوز، ("مطبوعات افغانستان - پوشش اخبار مربوط به انتخابات از سوی رسانه های ملی" ۲۰ اگست سال ۲۰۰۹) اعلامیه مطبوعاتی سازمان عفو بین المللی مورخ ۱۲ اگست ۲۰۰۹ و گزارش سازمان نظارت از حقوق بشر که بتاريخ ۱۸ اگست سال ۲۰۰۹ میلادی به نشر رسید.

<http://www.hrw.org/en/news/2009/08/17/afghanistan-human-rights-concerns-run-elections>

۴۶- مأموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات در افغانستان با ۲۷ رسانه در ۵ ولایت مصاحبه نمود که از جمله ۲۲ ان گفتند که آنها از قیودات بالای رسانه اش در روز انتخابات متأثر گردیدند، و بعضی از آنان این عمل را جزء از قانون و اصول داخلی مطبوعات در کشور خواندند. این نمونه از سوی مأموریت کمیسیون اروپا و گزارش دفتر دوره سکوت مطبوعات به تاریخ 23 ماه اگست در داخل مرکز مطبوعاتی کمیسیون مستقل انتخابات به نشر رسید.

ب. چارچوب کاری قانونی برای مطبوعات و انتخابات

راهنمایی‌های واضح برای تنظیم پوشش‌های مطبوعاتی از کمپاین انتخابات، در اصول و وظایف داخلی کمیسیون مستقل انتخابات برای مطبوعات، تشریح گردیده است. (۴۷) بر علاوه قانون انتخاباتی یک سلسله پرنصب‌های را برای پوشش اخبار مربوط به کمپاین انتخاباتی توسط مطبوعات ایجاد نموده و به همین منظوری کمیسیون مؤقت را تحت نام **کمیسیون رسانه‌های انتخاباتی** ایجاد مینماید (۴۸). با در نظر داشت حفظ توازن و دست‌رسی یکسان برای تمام کاندیدان انتخابات ریاست جمهوری، کمیسیون رسانه‌های انتخاباتی یک لایحه را برای مطبوعات دولتی به تصویب رساند (۴۹). تنها کمیسیون رسانه‌های انتخاباتی و کمیسیون مطبوعات وزارت اطلاعات و فرهنگ مکلف هستند تا شکایات در رابطه به پوشش‌های خبری مطابق به اصول و وظایف داخلی‌شان بررسی نمایند.

اگرچه، قوانینی که از سوی این دو مرجع مطابق به اصول و وظایف داخلی‌شان تعیین گردیده بود، توسط هیچ رسانه‌ها مراعات نگردید، که به گفته بعضی از این رسانه‌ها برای آنان پوشش اخبار مربوط به انتخابات ریاست جمهوری از نقطه نظر خبر بیشتر اهمیت داشته است، و اصول توازن برای پوشش اخبار برای‌شان فرقی نمیکند. مطبوعات دولتی، که امتیاز نخست برای پوشش اخبار خویش را به حامد کرزی اختصاص داده بود، و بالا فاصله اصول و وظایف داخلی را نقض کرده، و در پوشش اخبار خویش کدام تغییراتی را تازمانیکه کمیسیون مطبوعاتی انتخابات یک لایحه را تصویب نمود بوجود نیاورد. بعد از انتخابات، کمیسیون مطبوعاتی انتخابات یک شکایت رسمی را علیه مطبوعات دولتی (۵۰) مبنی بر تخطی از چهار حکم این کمیسیون به کمیسیون سمع شکایات سپرد. (۵۱)

حقوق مطبوعات و مسؤولیت‌های آن در جریان انتخابات ریاست جمهوری و شورای ولایتی سال ۲۰۰۹، در قانون مطبوعاتی سال ۲۰۰۴، که گفته میشد کمتر نسبت به مسوده اصلاح شده که در جریان انتخابات به نشر رسید مؤثر بوده، تعیین گردیده است. بسیاری از اعضای بخش مطبوعات مأموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات در افغانستان مسوده قانون مطبوعات را با توجه به تعیین لایحه برای تعریف مطبوعات دولتی منحصی یک ارگان در خدمت مردم مؤثر خواندند. اگرچه ژورنالیستان هم بعضی از قوانین این مسوده را با توجه به آزادی بیان، تشکیل و ساختار شورای عالی مطبوعات (۵۲) و موارد مبهم و مجموعی غیر مؤثر میخوانند. بعضی از مقامات دولتی بالای مسوده قانون مطبوعات بر اساس قانون اساسی (۵۳) اعتراض نموده و تعدادی‌شان هم آنرا غیر اسلامی میخوانند.

نمایندگان مطبوعات به تعویق افتیدن نشر این قانون را به علت کمپاین‌های انتخابات ریاست جمهوری میدانند، اگرچه دو تن از وزرای کابینه به تعویق افتیدن این قانون را یک مشکل جزئی اداری خواندند.

کمیسیون رسانه‌های انتخاباتی

کمیسیون رسانه‌های انتخاباتی مکلف است تا گزارشات مناسب و پوشش‌های خبری از جریان کمپاین‌های انتخاباتی و شکایات در رابطه به تخطی‌های هرا ارگان مطبوعاتی و سرکشی مطبوعات شخصی و دولتی از اصول و وظایف داخلی را نظارت نماید. کمیسیون رسانه‌های انتخاباتی بیش از سه ماه قبل از برگزاری انتخابات تأسیس گردید، یعنی در مقایسه با انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۵ میلادی یک کمی زودتر ایجاد گردید (۵۴). این کمیسیون به تاریخ ۱۰ ماه می سال ۲۰۰۹ میلادی با توجه به قوانینی که با کمک تخنیک‌های پروژه ظرفیت قانونی و انتخاباتی برای فرادسازمان انکشافی ملل متحد ساخته شده بود به کار آغاز کرد. ایجاد زودتر این کمیسیون یک پیشرفت مثبت تلقی میشد اما بر اساس قانون مؤقت مطبوعات انتخاباتی کار این مرجع یک ماه بعد از برگزاری انتخابات ختم میگردد، به این کمیسیون برای انجام فعالیت‌های مؤثر اش یک چارچوب زمانی محدود داده شده است. قانون ۲۰۰۹ کمیسیون مطبوعات انتخاباتی همچنان در برگیرنده دیگر مسؤولیت‌ها و وظایف جدید در رابطه به مطبوعات میباشد.

۴۷- بر اساس قانونیکه در ماده ۵۶ قانون انتخاباتی آمده است، کمیسیون مستقل انتخابات اصول و وظایف داخلی را بخاطر قانونی ساختن حضور مطبوعات در تمام پروسه‌های انتخاباتی، تصویب نموده است. تمام رسانه‌های که خواستار کارت مطبوعات از سوی کمیسیون مستقل انتخابات میگردند، مکلف بودند تا اصول و وظایف داخلی مطبوعات را برای دست‌رسی به پوشش‌های خبری متوازن و مناسب از کمپاین‌های انتخاباتی، امضا نمایند.

۴۸- قانون انتخاباتی، ماده ۵۱: کمیسیون مستقل انتخابات باید حد اقل ۶۰ روز قبل از تاریخ انتخابات ایجاد گردد. کمیسیون مطبوعات در چوکات کمیسیون مستقل انتخابات پوشش‌های خبری مناسب در رابطه به کمپاین‌های انتخاباتی را نظارت نموده و باید به تمامی شکایات در رابطه به کمپاین‌های انتخاباتی و یا تخطفات در برابر اصول و وظایف داخلی مطبوعات، رسیدگی نماید.

۴۹- قانون انتخاباتی، ماده ۵۰ بند دوم و سوم

۵۰- رادیو تلویزیون ملی، و روزنامه‌های هیواد، اصلاح و انیس، ماده ۵۳ قانون انتخاباتی را نقض نموده اند.

۵۱- بر اساس گزارش اخیر پروژه ظرفیت حقوقی و انتخابی برای فردا/پروگرام انکشافی سازمان ملل متحد، ۲۵-۳۱ اگست سال ۲۰۰۹

۵۲- از سه وزیر در قسمت ساختار شورا نام برده شده است.

۵۳- یکی از عوامل نشر نشدن مسوده این قانون تصمیم حامد کرزی برای فرستادن این قانون بخاطر تفسیر ماده ۱۳ به ستره محکمه بود.

از ماه جولای به بعد، کمیسیون رسانه یی انتخاباتی گزارش ها و اطلاعات جدید در رابطه به نظارت از مطبوعات را در کنفرانس های مطبوعاتی هفته وار خویش با حضور گسترده مطبوعات داخلی و خارجی به نشر می رساند. گزارش های نظارتی کمیسیون رسانه یی انتخاباتی در رابطه به رسانه ها (۵۵) جامع و سودمند بوده طوریکه آنان از جریانات پوشش اخبار مربوط به کمپاین های انتخاباتی در وقت مناسب آن گزارش میدادند، که در کل با قوانین نظارت از مطبوعات مأموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات در افغانستان مطابقت مینمود. یافته های نظارت از مطبوعات مأموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات افغانستان یک اساس واقعی را برای تحریک مردم بخاطر قبول نمودن توازن در پوشش های خبری پیشکش نمود. (۵۶) که کنفرانس های مطبوعاتی یک تخته خیز برای رساندن پیام های کمیسیون رسانه یی انتخاباتی در نبود صفحه انترنتی و یا دیگر اشکال پخش اخبار بود. (۵۷)

کمیسیون رسانه یی انتخاباتی ۱۶ مورد شکایت مطبوعاتی را از دفاتر کمپاین های انتخاباتی کاندیدان ریاست جمهوری دریافت نمود. در ولایات، شکایات میتوانست که از طریق دفاتر ولایتی کمیسیون مستقل انتخابات درج شود ولی تمامی شکایات در مرکز درج گردیده و در رابطه به مطبوعات داخلی بوده است. یک گزارش قسماً نشر گردید و در آن از تمام تخطی های مطبوعاتی و تصامیم کمیسیون رسانه یی انتخاباتی تذکر داده شده بود. تقریباً نیمی از شکایات مربوط به رسانه های دولتی میگردید که توازن را در پوشش اخبار کاندیدان ریاست جمهوری در پروگرام های خبری خویش مد نظر نگرفته بودند. بیشتر این ۱۶ شکایت که به دست رس کمیسیون مطبوعات انتخابات قرار گرفته بود از جانب دفتر کمپاین انتخاباتی داکتر عبدالله به این کمیسیون سپرده شده بود. بیش از یک هفته بعد از روز انتخابات، تصامیم کمیسیون رسانه یی انتخاباتی در رابطه به شکایات در مورد مطبوعات در صفحه انترنتی کمیسیون مستقل انتخابات به نشر رسید، که جدا از کنفرانس های خبری کمیسیون رسانه یی انتخاباتی این هم جزء از نشرات این کمیسیون بود. صلاحیت های بسیار محدود کمیسیون رسانه یی انتخاباتی (۵۸) یکی از موانع بزرگ فرا راه دست آوردهای این کمیسیون بود، که این نهاد با فقدان میکانیزم قانونی برای وادار ساختن کسانی که از تصامیم این کمیسیون سرکشی مینمایند مواجه بود.

بطور مثال در رابطه به مسأله رادیو تلویزیون ملی افغانستان، معیارهای که از سوی کمیسیون رسانه یی انتخاباتی تعیین گردیده بود اصلاً مؤثر نبوده است زیرا رادیو تلویزیون ملی افغانستان تصامیم کمیسیون مطبوعاتی انتخاباتی را در رابطه به تخطی های خودش، بر اساس تقاضای که از سوی یک مقام صورت گرفته بود به نشر نرساند (۵۹). وزارت اطلاعات و فرهنگ نیز دیده شد که نقش مهم و فعالی را در ایجاد مشکلات در برابر تصمیم کمیسیون رسانه یی انتخاباتی برای وارد کردن جریمه بالای رادیو تلویزیون ملی افغانستان، بازی نمود. (۶۰) با موجودیت این جوانب خاص معلوم شد که کمیسیون رسانه یی انتخاباتی را وادار شده است تا یکی از نهاد های پُر حرف در رابطه به مسائل پوشش اخبار مربوط به انتخابات گردد.

۵۴. کمیسیون رسانه یی انتخاباتی در سال ۲۰۰۵ میلادی در روز اول کمپاین های انتخاباتی یعنی ۶۰ روز قبل از برگزاری انتخابات ایجاد گردید.

۵۵. خدمات نظارتی مطبوعات، تحت عنوان پروژه نظارت از مطبوعات برای افغانستان، در چوکات کمیسیون رسانه یی انتخاباتی با مشوره یک شرکت افغانی ایجاد گردید.

۵۶. نتایج بررسی های کمیسیون رسانه یی انتخاباتی نشان داد که رادیو تلویزیون ملی به نفع حامد کرزی و بعضی از رسانه های دیگر به نفع داکتر عبدالله نشرات مینمودند.

۵۷. کمیسیون رسانه یی انتخاباتی یک صفحه را از طریق صفحه انترنتی کمیسیون مستقل انتخابات بدست آورد که نشان میداد که این کمیسیون باید یک هفته بعد از انتخابات به کار خویش پایان دهد.

۵۸. زمانیکه تخلفات تشخیص میگردیدند کمیسیون رسانه یی انتخاباتی میتوانست که در موارد آتی عمل نماید: صدور اخطاریه ها، تقاضا از متخلف برای تصحیح اشتباهات اش، تقاضا از متخلف برای نشر تصامیم کمیسیون رسانه یی انتخاباتی، حکم کردن بالای متخلف برای دوباره پس گیری ادعاهای اش و حق دادن پاسخ برایش

۵۹. بتاريخ ۱ اگست رادیو افغانستان تصامیم کمیسیون رسانه یی انتخاباتی در رابطه به تخلفات رادیو تلویزیون ملی و دو رسانه دیگر دولتی به نشر رساند. ولی این مورد قبول نیست زیرا رادیو تلویزیون ملی افغانستان باید این تصمیم را بصورت درست آن به نشر می رساند. همینطور، زمانیکه رادیو تلویزیون ملی یک خبرنگار درست و غیر صحیح را در مورد یک کاندید به نشر رساند کمیسیون رسانه یی انتخاباتی امر نمود تا این مسأله باید تصحیح گردد ولی رادیو تلویزیون ملی ۴۱ روز بعد از درخواست این کمیسیون به آن پاسخ گفت.

۶۰- به گفته آقای توحیدی ریس کمیسیون رسانه بیبی انتخاباتی، این نهاد بسیاری از شکایات را علیه رادیو تلویزیون ملی دریافت نموده بود، ولی بخاطر مداخله وزارت اطلاعات و فرهنگ قادر نگردید تا تصامیم اش را جامه عمل بپوشاند.

در صورت عدم قبول اصول و ضایف داخلی مطبوعات از سوی رسانه ها، کمیسیون مستقل انتخابات صلاحیت داشت تا کارت های مطبوعاتی رسانه ها را از نزد شان بگیرد. اگرچه هردو یعنی کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون رسانه بیبی انتخاباتی این شیوه را مؤثر دانستند ولی کمیسیون مستقل انتخابات ترجیح داد تا از عملی نمودن این مورد تا زمان ندان چند اخطاریه به رسانه مربوطه جلوگیری بعمل آید. هیچ کارت مطبوعاتی نه در جریان کمپاین های انتخاباتی و نه هم در روز انتخابات از هیچ رسانه گرفته نشد. با موجودیت بخشی از پروگرام ارتباطات عامه و دست رسی مردم به معلومات، و در تلاشی که برای دادن کارت مطبوعاتی مناسب برای هر کاندید ریاست جمهوری صورت گرفت، کمیسیون رسانه های انتخاباتی مناظرات رادیویی و تلویزیونی را میان کاندیدان ریاست جمهوری براه انداخت. کمیسیون مذکور در مجموع ۸ مناظره تلویزیونی (۶۱) و ۷ میزمدور ۴۰ دقیقه ای را که در زمان معین از تاریخ ۲۴ جولای تا ۱۷ اگست دوام نمود و از سوی ۵ شبکه تلویزیونی به نشر میرسد براه انداخت (۶۲). بر اساس دعوتی که از سوی کمیسیون رسانه بیبی انتخاباتی صورت گرفته بود ۳۳ کاندید ریاست جمهوری که کمتر توان پوشش پروگرام های خویش را داشتند در مناظرات رودرو اشتراک نمودند. (۶۳)

این یگانه فرصتی بود برای کاندیدان نه چندان مطرح تا پروگرام های خویش را به اطلاع مردم برسانند.

ج. نظارت پوشش اخبار مربوط به انتخابات در مطبوعات

ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات در افغانستان ۱۲ رسانه خبری را بطور نمونه از تاریخ ۱۹ جولای الی ۲۰ اگست نظارت و بررسی نمود. در نتیجه بخش مطبوعات این اتحادیه چگونگی کیفیت و کمیت پروگرام های معین چهار شبکه تلویزیونی (۶۴)، که یکی آن تلویزیون دولتی بود و چهار شبکه رادیویی (۶۵)، که از جمله یکی آن دولتی و دیگرشان شخصی بود بر ملا ساخت. همچنان چهار روزنامه (۶۶)، که دوروزنامه آن دولتی و دوی دیگر آن شخصی بود نیز شامل این بررسی و ارزیابی گردیدند. بر علاوه با توجه به بررسی کمیت پوشش رسانه ای، لحن گفتار گویندگان نیز بررسی میگردد که آیا در حد منفی، متوسط و یا هم مثبت قرار دارند یا خیر. در جریان کمپاین انتخابات، مطبوعات صحتی نقش مهمی را در پوشش اخبار مربوط به انتخابات، با تولید پروگرام های متنوع از جمله، اخبار، سرویس های خاص خبری، مصاحبه ها، پروگرام ها از جریانات اخیر، مناظره ها به شکل میزمدور و دیگر پروگرام های خاص با شنوندگان رادیویی، ایفا نمودند (۶۷).

- ۶۱- تلویزیون آریانا، آنبه، رادیو تلویزیون ملی افغانستان، شمشاد و طلوع
- ۶۲- رادیو سلام و وطندار، سحر، بامیان، سولی پیغام، زهره، رابعه بلخی، آمو، کلید، محرم، نوا و رادیو افغانستان
- ۶۳- بر اساس معلومات دفتر روابط عامه کمیسیون رسانه بیبی انتخاباتی، از تمام کاندیدان دعوت به عمل آمده بود ولی یک تعداد از آنان این دعوت را نپذیرفتند. دلیل نپذیرفتن و اسمای این کاندیدان افشا نشد.
- ۶۴- رادیو تلویزیون ملی، تلویزیون طلوع، شمشاد، آریانا (از ساعت ۰۶:۰۰ الی ساعت ۱۲ شب)
- ۶۵- رادیو افغانستان، رادیو کلید، رادیو سلام و وطندار، رادیو آزمان (از ساعت ۰۶:۰۰ الی ۰۹:۰۰ و از ساعت ۰۶:۰۰ الی ۱۲:۰۰)
- ۶۶- انیس، هیواد، آرمان ملی، چراغ. تمام روزنامه های که نظارت میشدند بروز های جمعه چاپ نمیگردیدند.
- ۶۷-.....
- ۶۸-.....
- ۶۹-.....

توأم با اصول کاری کمیسیون رسانه های انتخابات ، رسانه ی دولتی رادیو تلویزیون ملی عموماً مکلف بود که به سایر نامزدان وقت مساوی را در برنامه ویژه ارائه نماید. ولی به هر کیف قوانین در رابطه به وقت و تخصیص واضح نبودند و همچنان بشکل متداوم پیگیری نگردید. بالخصوص، نیاز حضور نامزدان و تخصیص وقت به آنها رعایت نگردید. رادیو تلویزیون در توضیحات خود تغییرات ضروری برای جای دادن به فعالیت های کمپاین نامزدان یا عدم آمادگی آنان یا موجودیت آنان را عنوان نمود. هیچ کدام از دو رقیبان واقعی آقای کرزی و داکتر عبدالله از فرصت رایگان رادیو تلویزیون ملی استفاده ننمودند.

تمامی رسانه ها توجه مکمل خود را بالای برنامه ها ، گزارشات از کمپاین های انتخاباتی مبذول داشتند و پوشش انتخابات شورا های ولایتی را ارائه ننمودند. در جریان نظارت ماموریت نظارت اتحادیه اروپا تنها چهار تن از نامزدان بشکل وسیع تحت پوشش درآورده شدند ولی به سایر نامزدان دیگر توجه صورت نگرفت. رسانه دولتی بیشترین بخش پوشش خود را زیر عنوان رسانه بیطرف و مثبت ولی به جناب کرزی ارائه نمودند. بخش تلویزیون رادیو تلویزیون ملی ۶۳٪ پوشش اخبار سیاسی را به جناب حامد کرزی ، و به داکتر عبدالله ۱۱٪ ، جناب اشرف غنی احمدزی ۸٪ و جناب میرویس یاسینی ۲٪ پوشش اخبار سیاسی به ارائه نمود. بخش رادیو رادیو تلویزیون ملی ۵۶٪ پوشش اخبار سیاسی را به جناب حامد کرزی ارائه کرد ، در صورتیکه داکتر عبدالله ۱۵٪ ، جناب اشرف غنی احمدزی ۷٪ و جناب میرویس یاسینی ۴٪ پوشش اخبار سیاسی را بدست آوردند. رسانه های خصوصی همچنان عین روند را پیمودند ، یعنی تمرکز زیاد بالای چهار رقیبان عمده ولی توجه بسیار اندک به سایر نامزدان دیگر که بیشتر روی رسانه ها آشکار نبودند.

مطبوعات چاپی تحت نظارت ، کمپاین را تحت پوشش درآورد و نظریات متفاوت را در رابطه به پروسه انتخاباتی ارائه نمود. رسانه های چاپی دولتی ناگزیر از رئیس جمهور اعم از نظر جای در اخبار و اعم لحن پوشش طرفداری نشان داد. اخبار/نیس و هیواد بیشترین پوشش (۷۵٪) را به جناب کرزی ارائه کردند. ولی در مجموعه رسانه های چاپی بیطرف بودند. *آرمان ملی* یگانه اخبار بود که عنوان تحقیقاتی را به نشر میرساند ، گاهی هم تصامیم سیاسی جناب کرزی را مورد انتقاد قرار میداد.

در جریان نظارت ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات ، *تلویزیون طلوع* ، *رادیوی سلام وطندار* و *اخبار چراغ* از رسانه های بودند که بیشترین اعلانات تجارتي داشتند. هرچند ، نامزدان و احزاب سیاسی آن به هیچ مانعه در برابر به اعلانات در رسانه های خصوصی مواجه نشدند ، ولی عمدتاً سه تن از نامزدان بیشتر (جناب کرزی ، داکتر عبدالله و جناب اشرف غنی) اعلانات تجارتي را در این جریان خریداری نمودند. دلیل این عبارت اند از بلند بودن قیمت اعلانات تجارتي که سایر نامزدان دیگر از این استفاده کرده نتوانستند. هیچ مقرره خاص در رابطه به قیمت اعلانات تجارتي انتخابات موجود نمیباشد.

به تاریخ ۲۳ جولای تلویزیون طلوع یکی از مناظرات که از آن توقعات زیاد میرفت به نشر رساند. که این مناظره میان نامزدان ریاست جمهوری جناب اشرف غنی احمدزی و داکتر عبدالله صورت گرفت. جناب کرزی نسبت به این که طلوع در ضد به خود متهم نمود ، ۲۴ ساعت قبل از این بحث عدم اشتراک خود را اعلان نمود. به تاریخ ۱۹ اگست رادیو تلویزیون ملی دومین بحث که از آن توقع زیاد میرفت به نشر رساند. این بحث میان نامزدان ریاست جمهوری جناب کرزی ، جناب اشرف غنی و جناب بشر دوست بود. داکتر عبدالله در این اشتراک نمود و دلیل عدم اشتراک خود را نیز بیان نکرد. پس دو بار رای دهندگان نتوانستند که بحث متقابل را در رابطه به تبادل خط مشی دولت میان نامزدان تماشا کنند. جناب کرزی ، داکتر عبدالله ، جناب اشرف غنی ، جناب یاسینی

چندین رسانه های تحت نظارت مقدار زیاد از معلومات به رای دهندگان و برنامه های تعلیمی در رابطه به انتخابات را (که عمدتاً از طرف کمیسیون مستقل انتخابات تمویل میگردد) در آخرین هفته کمپاین انتخاباتی به نشر سپردند. هرچند، ناظرین ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات از ساحه و از طرف هم سخنان رسانه یی از کاستی های در رابطه به معلومات به رای دهندگان یکی از نواقص کمپاین ها در ولایات شناسایی نمود. از باعث مشکلات امنیتی دسترسی به این ساحات یکی از مشکل عنوان گردید.

سکوت کمپاین ها بشکل عمومی توسط رسانه های تحت نظارت ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات رعایت گردید و تخطی های بزرگ از مقررات کمیسیون رسانه یی انتخابات در جریان ۴۸ ساعت دور سکوت و روز انتخابات صورت نگرفت. هرچند یکنوعاد از گزارشات درمورد جناب کرزی روی ” وظیفه رسمی “ نظر مورد رای دهی و انتخابات در روز استقلال (روز قبل از انتخابات) و همچنان روز انتخابات توسط رسانه یی دولتی و تلویزیون شمشاد پخش گردید.

X. اشتراک زنان

حقوق مدنی و سیاسی زنان در قانون اساسی کشور تعیین گردیده است، که در مساوات میان تمام شهروندان را با احترام به قوانین بین المللی که از سوی حکومت افغانستان قبول و به تصویب رسیده است، واضح میسازد، بشمول پیمان محوه خشونت علیه زنان که در سال ۱۹۷۹ و پیمان بین المللی حقوق سیاسی و مدنی که در سال ۱۹۶۶ به تصویب رسید.

در حقیقت حضور زنان منحصراً یک کاندید ، رای دهنده و یا کارمندان در پروسه انتخابات بسیار محدود بود. موجودیت مخالفت های گسترده فرهنگی در برابر ظهور زنان در جامعه یک سلسله موانع را برای آنان ایجاد کرده است. دست رسی محدود زنان به تعلیم و تربیه (۷۰٪) ، و منابع و اشتراک ضعیف شان در ادارات کلیدی دولتی مسأله اشتراک شان در پروسه های سیاسی را مشکل ساخت ، بالخصوص در یک محیطی که برای زنان غیر قابل قبول است تا با مردان مستقیماً به تماس باشند. عدم موجودیت یک محیط امن برای حفاظت جان شهروندان ، بسیاری از آنان را بالخصوص زنان را در نقاط مختلف کشور متاثر ساخته است، و در بعضی از فامیل ها و جوامع رفتن خانم ها به بیرون از منزل مناسب دانسته نمیشود. در نتیجه ، زنان نتوانستند تا از حقوق خویش در رابطه به آزادی رفت و آمد، اشتراک در اجتماعات و آزادی بیان استفاده نمایند.

تمام قوانین ملی در رابطه به مساوات میان شهروندان در مطابقت با قانون اساسی کشور قرار ندارد. قانون احوال شخصی اهل تشیع سال ۲۰۰۹ میلادی شامل یک سلسله قوانینی میباشد که با حقوق مساوی زنان مطابقت نداشته و تعزیرات فرهنگی را بالای زنان وضع مینماید. اعلان این قانون جنجال برانگیز چند هفته قبل از برگزاری انتخابات این مفعوره را به مردم داد که حقوق زنان در افغانستان دست خوش مداخلات سیاسی گردیده و پامال شده است. یک فرق کلی میان حقوق زنان در افغانستان وجود دارد و واقعیت امر این است که در اکثر موارد این مسأله بخاطر گرایش های فرهنگی قابل قبول میباشد و حتی ترجیح داده میشود که زنان نباید در امورات عامه سهیم شوند.

۷۰- براساس راپور انکشاف بشر در افغانستان سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ ، ۱۲.۶ میلیون از زنان افغان بیسواد هستند که فیصدی مردان بیسواد در افغانستان به ۳۲.۴ درصد میرسد

این خلا باید به اسرع وقت کاهش یافته و بعداً جهت احترام به حقوق مساوی و حق جهانی انتخاب از بین برده شود. افغانستان هنگام تصویب کنونیون محو تعصب علیه زنان از جمله تعهدات که سپرد یکی هم تعهد اصلاح برخورد اجتماعی و کلتوری با زنان را بمنظور بدست آوردن هدف محو تعصبات و برخورد های کلتوری براساس برتری یکی از جنس ها یا نقش های کلیشه شده برای زنان و مردان، است. علاوه بر آن رییس جمهور حامد کرزی در سال ۲۰۰۲ اعلامیه حقوق اساسی زنان افغان را امضا کرد که بر اساس آن به زنان و مردان افغان حقوق مساوی، حفاظت مساوی در قانون، تعلیمات در مقررات، آزادی بیان و اشتراک در سیاست و حق پوشیدن/نپوشیدن برقه یا چادر، داده شده است. این اعلامیه در پلان ملی اقدامات برای زنان افغان که درمورد تحقق حقوق زنان اهداف و ستراتیژی های واضح دارد، دوباره انعکاس یافت. رهبری دولت افغانستان تعهدات زیادی را به زنان داده است و حال وقت آن است که به این تعهدات جامه عمل پوشانده شود.

هر ارزیابی که تاحدی باشد که در آن گفته شود زنان در این انتخابات از حقوق خویش استفاده کردند باید قبول کند که هنوز هم رخنه ای بین حقوق فرضی زنان و تا حدی که آنها واقعاً اشتراک کنند، وجود دارد که میتواند در تقلب از آن استفاده صورت گیرد. بطور مثال ارقام بلند ثبت نام زنان نمی تواند شواهدی باشد که نشان دهنده اشتراک واقعی باشد. به عین ترتیب، اگر زنان اشتراک هم کنند شاید تا حدی نباشد که گفته شود آنان آزادانه رای داده اند.

الف: زن بحیث رای دهنده گان

اصل حق انتخاب با این که اکثر زنان از رای دهی محروم شدند، خدشدار گردید. براساس ارقام رسمی ۴۰ در صد رای دهنده گان ثبت شده زنان بودند. اما با دلایل فوق الذکر این ارقام درست بوده نمی تواند و به گمان اغلب بیشتر از تعداد زنان ایست که واقعاً ثبت نام کرده بودند. به گفته ای سازمان های پیشناز زنان یکی از موانع عمده سر راه اشتراک زنان در پروسه انتخابات قادر نبودن آنها در ثبت نام است.

مردان و زنان بطور جداگانه رای خود را به صندوق ها می ریزند و کمیسیون مستقل انتخابات کوشش کرد تا تعداد کافی زنان را برای مراکز رای دهی استخدام کند. در اکثر موارد مردان در مراکز رای دهی زنان کار میکردند که پروسه رای دهی خانمان را کند ساخته بود. ملاحظات کلتوری و امنیتی جلوگیری از روند رای دهی مردان به نمایندگی زنان را مشکل ساخته بود. این امر باعث محرومیت خانمان از رای دهی و ایجاد فرصت سوی استفاده از حق اشتراک آنها بمنظور تقلب میگردد. قبل از روز انتخابات کمیسیون مستقل انتخابات که در استخدام خانمان تلاش میکرد و همچنان از واقعیت جامعه آگاه بود، در مورد رای دهی وکالتی نسبتاً جبری برخورد میکرد و ممکن بود بوقوع بپیوندد.

ناظرین ماموریت نظارت اروپا بر انتخابات از تمام نقاط کشور حضور کمرنگتر نسبت به مردان را گزارش دادند که انعکاس دهنده نگرانی های بودند که ملاحظات کلتوری و امنیتی باهم یکجا شده توانایی از منزل برآمدن و رای دادن خانمان را محدود میسازد.

ب: زن بحیث کاندید

برعلاوه موانع واقعی مانند عدم دسترسی به منابع زنان همچنان در زندگی با تجاوزات علیه زنان نیز مواجه هستند. در سال های اخیر زنانیکه بحیث وکیل پارلمان، اعضای شورای ولایتی، کارمند دولت، ژورنالیست، کارمندان سازمان های بین المللی ایفای وظیفه میکنند توسط عناصر ضد دولتی، اشخاص پرنفوذ مذهبی و محلی، فامیل های خود شان، جوامع و در بعضی حالات از طرف مراجع دولتی مورد هدف قرار گرفته اند.

تهدیدات زندگی عامه علیه زنان بدون شک گزارش داده نمی شوند زیرا زنان متضرر یا مجنی علیه نمی خواهند زنان دیگر را بترسانند.

ماده ۵ کنونیون محو هر نوع خشونت علیه زنان سال ۱۹۷۶
این براساس گزارش کمیسیون مستقل انتخابات مورخ ۱۲ جون ۲۰۰۹ با در نظر داشت ۳۹ فیصد خانمان در معلومات ثبت نام رای دهنده گان محاسبه گردید
به بخش ثبت نام رای دهنده گان بخصوص ارقام ثبت نام خانمان رجوع شود.

از جمله ۴۱ کاندیدان ریاست جمهوری دو تن و از جمله ۸۲ نامزدان پست معاونیت ریاست جمهوری ۷ تن (۸.۵٪) آنان خانمان بودند. در بین نامزدان شورا های ولایتی ۳۳۳ تن یا ۱۰٪ خانمان تشکیل می دادند. این ارقام نسبت به تعداد انتخابات قبلی شورا های ولایتی کمی بیشتر بود اما در نصف تعداد از ولایات کشور تناسب نامزدان زن کاهش یافت.

قانون انتخابات صراحت دارد که ۲۵ فیصد کرسی های هر شورای ولایتی برای خانمان تخصیص داده شده است. خانمان بطور جداگانه در انتخابات شرکت نمی کنند زیرا در بین نامزدان که کم رای میبرند تعداد زنان کم میباشد و برای نامزدان خانم که کم رای

رای را از آن خود میکنند کرسی های شورای های ولایتی داده میشود. اگرچه دلیلی وجود ندارد که چرا این رقم بلند برده نمی شود، این یک سیستم خوبی است که نمایندگی حداقل را تضمین میکند و تاثیر پروسه نام نویسی بالای رقابت توسط عدم موجودیت سطح رقابت بین خانمان و مردان سنگین میباشد. در سال ۲۰۰۵ در ۵ ولایت تعداد کم نامزدان خانم بود و امسال صرف در دو ولایت اروزگان و کندهار تعداد نامزدان خانم کم بود. باوجود این در کندهار سه کاندید بعد از تشویق بیشتر از طرف سازمان های که برای خانمان کار میکنند شرکت کردند اما آنان در جریان کمپاین در کندهار نبودند.

شرکت خانمان در سیاست در اکثر نقاط کشور مخصوصاً مورد هدف قرار گرفت. نامزدان خانم در ولایات لغمان، جوزجان، سرپل و هرات از تحت فشار قرارگرفتن جهت دست برداشتن و کمپاین علیه آنان ازطرف رهبران مذهبی و محلی گزارش دادند. در ولایات کابل، تخار و هرات نیز نامزدان خانم مورد تهدید و تجاوز قرارگرفتند. از ولایات غزنی و کندهار نامزدان خانم گزارش دادند آنها از ترس امنیت جان کمپاین کرده نمی توانستند. در حالیکه در اکثر نقاط کشور آنان صرف در نزدیکی منزل شان کمپاین کمرنگ کرده اند.

درجواب نیازمندی های امنیتی خانمان وزارت امور داخله یک برنامه را روی کار گرفت که از طریق آن کاندیدان خانم شورا های ولایتی از خویشاوندان خود را بعنوان محافظ معرفی کرده که بعداً محافظ یک هفته آموزش دیده و درجریان کمپاین در تشکیل پولیس شامل میگردد، اما تطبیق این برنامه/ابتکار ناسازگار بود.

ج: زنان در اداره انتخابات

ازجمله هفت کمیشنران کمیسیون مستقل انتخابات خانم ها هستند. کمیسیون مستقل انتخابات با پالیسی کمیسیون خدمات ملکی رضایت نشان داده است که هدف آن الی سال ۲۰۱۰ اشتراک ۳۰٪ خانم ها در ادارات دولتی میباشد. تناسب اشتراک خانم ها بحیث کارمندان موقت کمیسیون مستقل انتخابات در ولایات از هم تفاوت داشت بطور مثال در ولایت پکتیکا ۱۶.۱٪ و در ولایت ۳۷٪ خانم ها اشتراک نموده بودند. ازجمله ۳۴ ولایت در ۱۴ ولایت ۲۰ الی ۳۰ فیصد کارمندان موقت کمیسیون خانم ها بودند.

استخدام شمار کافی خانم ها برای مراکز رای دهی و بحیث تلاشی کننده گان یک مشکل جدی را به بار آورده بود. سه روز قبل از انتخابات کمیسیون مستقل انتخابات اعلام کرد که ۱۲۰۴۶۲ تن را استخدام نموده است که ۴۳۳۴۱ تن (۳۶٪) آنان را خانم ها تشکیل میدهند. اگرچه شناسایی تعداد کافی خانم های ورزیده و داوطلب بدون شک با حالات خراب امنیتی هنوز هم مشکل تر شده و سازمان های خانم ها گزارش دادند که اگر ایشان از قبل درپروسه آورده می شدند امکان داشت که تعداد کافی خانم ها شناسایی می شد.

بعد از انتخابات سال ۲۰۰۵ کمیسیون مستقل انتخابات یک اداره را تحت نام مدیریت جندر ایجاد کرد که این اداره الی ماه جون ۲۰۰۹ در داخل ریاست آگاهی عامه قرار داشت.

د: ابتکارات مفید

یک تعداد اقدامات/ابتکارات مثبت در مورد اشتراک خانم ها و آگاهی مردان از حقوق خانم ها صورت گرفته است. یک از این اقدامات هم اعلامیه علمای افغانستان بتاريخ ۲ نومبر ۲۰۰۸ بود که در آن خانم ها را به اشتراک در انتخابات ترغیب و برای مردان گفته شده بود که خانم ها را در پرتو اساسات دین مقدس اسلام تشویق نمایند. همچنان وزیر حج و اوقاف چند روز قبل از انتخابات در مراسمی که از جانب وزارت امور زنان براه انداخته شده بود اشتراک ورزیده بالای اهمیت اشتراک زنان در انتخابات تاکید نمود.

شبکه زنان افغان کمپاین (۵ میلیون زن) را جهت تشویق خانم ها به رای دادن و پروگرام آگاهی عامه از طرف UNDP شامل سمینار ها برای خانم ها و ملا ها بود. صندوق وجهی زن ملل متحد یک مرکز منابع را برای نامزدان خانم ایجاد کرده و همچنان یک هیلپ لاین داشت که بطور مناسب خانمان میتوانستند به کمیسیون مستقل انتخابات، کمیسیون سمع شکایات یا خدمات محافظوی رجوع کنند.

توقع میرود که یک تعداد ابتکارات که اشتراک خانم ها در انتخابات را واضحاً در اولویت قرار نداده بود، بالای خانم های که کمتر ممتاز در کشور کدام تأثیری نداشته است. این ابتکارات شامل پروگرام های ملکی بود که توسط کونترپارت (یک سازمان غیردولتی) پیش برده می شد و پروگرام های طویل المدت توسط سازمان های مانند مرکز تعلیمی زنان افغان به پیش برده می شد. پروگرام تعلیمی سازمان Counterpart و بخشی از پروگرام حمایت از پروسه انتخابات یک مثال خوبی از تعلیم ملکی و بیشتر از صرف معلومات رای دهنده بوده که زن و مرد را یکسان مورد هدف قرار میدهد. مرکز تعلیمی زنان افغان در عرصه خدمت برای مرد و زن مصروف کار بوده و تمام برنامه های آموزشی خویش را بنابر ارزیابی های محلات از لحاظ ضرورت به سوادآموزی و آموزش مسلکی طرحریزی میکند. برنامه های آموزشی که بطور موثر بتواند مشکلات شرکت زنان در انتخاب را مرفوع سازد به وقت ضرورت دارد.

خاموشی تخطی است – بدرقاری علیه زنان در افغانستان را از بین ببرید – کمیشنی عالی حقوق بشر ملل متحد، دفتر یوناما، تاریخ ۸ جولای ۲۰۰۹
یکی از خانمان که به این مشکل مواجه بودند، خانم مسعوده جلال وزیر اسبق امور زنان و یکی از نامزدان انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۵ چندین بار در جریان وظیفه خویش تهدید شده است که به گفته وی این موضوع را بدلیلی افشا نکرد که شاید زنانیکه را که خواهان اشتراک در سیاست باشند مجبور به کردن صرف نظر سازد.
در سال ۲۰۰۴ صرف یک خانم در انتخابات ریاست جمهوری و تعداد ۲۴۲ خانم در انتخابات شورا های ولایتی شرکت کردند که مجموعاً ۸ فیصد زنان اشتراک کننده را تشکیل میداد.
یک افزایش جزوی در تعداد نامزدان از ۳۰۱۵ نفر در سال ۲۰۰۵ به ۳۱۹۳ نفر در سال ۲۰۰۹ بمیان آمد. تعداد کاندیدان زن از جمله ۳۴ ولایت در ۱۴ ولایت کاهش یافت که این ولایت عبارت اند از: کابل، کاپیسا، پروان، بلخ، بغلان، کندز، تخار و غور. فیصدی نامزدان زن در ولایت بامیان، لغمان، کندهار، غزنی، بدخشان و هرات کاهش یافت. این کاهش در تعداد در محلاتی است که سال گذشته در آنجا بالای مکاتب و خانمان حملات صورت گرفته که شامل ترور هم میباشد.
ماده ۲۹ قانون انتخابات – ۲۷ می ۲۰۰۴

XI - اشتراک اقلیت ها

افغانستان منحیث یک کشور اعم از اقلیت ها شناخته شده در حالیکه پشتون ها و تاجک ها هر دو جهت کسب لقب اکثریت باهم در رقابت هستند اما عدم موجودیت ارقام موثق و معلومات تازه این ادعا ها را بیشتر بی ربط میسازد. معلومات موجود نشان میدهد که نفوس افغانستان متشکل از ۳۶.۴ الی ۴۲٪ پشتون، ۲۷ الی ۳۸.۱٪ تاجک، ۸ الی ۹.۲٪ هزاره ۸ الی ۹.۲٪ ازبک، ۴٪ ایماق، ۱.۷ الی ۳٪ ترکمن، ۴٪ بلوچ و سایر اقوام پشه ای، هندکی، نورستانی، براهوی و هندکوان ۱.۹ الی ۹.۲٪ میباشد. هشتاد درصد نفوس افغانستان مسلمانان اهل تسنن و ۱۹٪ آن اهل تشیع بوده که هزاره ها اکثریت اهل تشیع را تشکیل میدهند.

ترکیب قومی در سراسر کشور از هم تفاوت دارد یعنی گروه های قومی که در یک منطقه اکثریت بوده اما در سایر نقاط چنین نمی باشد. در رابطه با کم توجهی یا تعصب قومی کدام شواهدی وجود ندارد. برعکس موجودیت گروه های قومی از لحاظ حمایت شان در انتخابات قضاوت شده است. هر نوع ارزیابی یا عملی در افغانستان که بر مبنای حقوق اقلیت ها باشد باید در پرتو مفاد سیاسی از گروه های قومی در نظر گرفته شود.

در رابطه به ضرورت توازن محتاطانه این ملاحظات دو مثال وجود دارد که مهمترین آن مسئله شهروندان کوچی میباشد. کوچی ها مهاجرین پشتون هستند که گفته میشود نفوس شان از ۲ الی ۳ میلیون نفر میرسد. کوچی ها موقف خاص انتخاباتی دارند. در قانون انتخابات سال ۲۰۰۵ از جمله ۲۴۹ کرسی ولسی جرگه ۱۰ کرسی (هفت کرسی برای مردان و سه کرسی آن برای زنان) آن به کوچی ها اختصاص داده شده است. قانون جدید انتخابات که کرسی ها را برای کوچی ها پیشبینی نموده است، درمورد اختصاص تعداد کرسی ها برای کوچی ها در تناسب با نفوس کشور در ولسی جرگه باعث مبحث های جنجال برانگیز گردید. مثال دیگر اینست که قانون احوال شخصی اهل تشیع بمنظور کسب حمایت انتخاباتی رهبران هزاره تصویب گردید.

XII - اشتراک جامعه مدنی

جامعه مدنی افغانستان در شفافیت پروسه انتخابات نقش مهمی را ایفای نمود. براساس معلومات کمیسیون مستقل انتخابات ۲۱۲۰۰۰ اعضای سازمان های جامعه مدنی و نماینده گان نامزدان بحیث ناظرین انتخابات جواز بدست آوردند. اشتراک وسیع نماینده گان نامزدان و ناظرین محلی مهم تلقی شده و اگر حاضر شدند توانستند در پروسه شمارش آرا در مراکز رای دهی و مراکز شمارش شفافیت را بمیان آورند.

تعداد ۲۱ سازمان بتعداد ۹۲۲۸ ناظرین را توظیف کردند. اینکه در مناطق دارای اوضاع امنیتی وخیم و فکطور های که بر پروسه اشتراک مردم لطمه وارد میکرد وجود داشت، این نهایت مهم بود که تعداد زیادی شهروندان در این پروسه مفید و ارزیابی سهم گرفتند. بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان (FEFA) بزرگترین سازمان نظارت از انتخابات بود. این سازمان ناظرین را هنگام پروسه ثبت نام و کمپاین توظیف نموده و در مورد پروسه انتخابات گزارش های پی هم ارایه میکرد. سازمان مذکور تذکر نمود که اضافه از ۷۰۰۰ ناظر را در روز انتخابات در ۶۰ درصد مراکز رای دهی و تقریباً ۳۴ ولایت توظیف نمود بود. پروسه نظارت FEFA بطور جدی بدلیل امنیت خراب صدمه دیده و ناظرین آنان در اکثر موارد تهدید شده اند. بتاریخ ۲۲ اگست سازمان انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلامیه ای منتشر کرد که مانند سایر گزارش های قبلی آن موضوع را از جهت عمومی بررسی نموده بود. این سازمان به مشکلات اشاره کرد که تیم های شان مشاهده نموده بودند اما در رابطه با سندی درمورد تقلب در انتخابات چیزی تذکر نداد. این ضعف قسماً بدلیل تاخیر در فراهم کردن همکاری تخنیکی بود. سازمان مذکور تقاضای پروگرام های طویل المدت بمنظور ظرفیت سازی در نظارت و گزارش دهی نموده است اما پروگرام انتخابات UNDP صرف برنامه های آموزشی ابتدایی کوتاه مدت را فراهم نمود.

XIII - شکایات و درخواستی ها

الف: کمیسیون سمع شکایات

کمیسیون سمع شکایات (ECC) مرجع حل و فصل تخطی های انتخاباتی بوده به شرطیکه شکایات قبل از تصدیق نتایج انتخاب و چالش های شایستگی نامزدان اخذ شده باشد. به کمیسیون سمع شکایات مطابق اصول بی طرفی، محرمانه و شفافیت رهنمایی داده شده و در کار های خویش تحت تاثیر کمیسیون مستقل انتخابات نبود. گرچه هر دو مراجع توسط عین برنامه همکاری تخنیکی مورد حمایت قرار میگرفتند که مشکل را نیز بود. شکایات در مورد تخلفات انتخاباتی و چالش های نامزدی از طرف هر شخص یا سازمان معتبر که در پروسه انتخابات علاقه داشته باشد ارایه شده میتواند. در راس این کمیسیون ۵ کمیشنر که دوتن آنان از طرف رییس جمهور از اعضای ستره

محکمه و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و ۳ تن دیگر از جانب دبیرکل ملل متحد در امور افغانستان از جمله ماهرین بین المللی توظیف شده اند، قرار دارند. تمام تصامیم مستلزم اجازه یک یا دو کمیسیون افغانستان میباشند. کارمندان کمیسیون سمع شکایات اکثراً افغانها اند که تعدادی از مشاورین نیز در کارهای شان همکاری دارند. باوجود پیشنهادات متعدد بعد از انتخابات سال ۲۰۰۵ کمیسیون مذکور در مرحله آخر پروسه تاسیس شد که این تاخیر قسمیاً بدلیل نبود منابع و امنیت بهتر بود. اما عدم موجودیت امورات اداری و نبود میکانیزم برنامه انکشافی ملل متحد در قبال این کمیسیون که نمایانگر مسایل جدی در تنظیم پروژه بود، نیز در تاخیر تاسیس این اداره نقش داشت. چنین تاخیرات فعالیت های آگاهی در مورد نقش کمیسیون سمع شکایات را بطور قابل ملاحظه محدود کرده که به توانایی این ارگان در رفع بی اعتمادی مردم بالای میکانیزم شکایات لطمه وارد نمود. کمیسیون های شکایات انتخاباتی در ولایات ادارات جدیدی در تشکیل این کمیسیون بود که پیشرفت های چشمگیری داشتند. با تفاوت با انتخابات سال ۲۰۰۵ که در آن زمان دفاتر ولایتی که صلاحیت اخذ شکایات را داشتند بخشی از تشکیل اداره انتخاباتی بودند، کمیسیون های ولایتی دفاتر ساحوی کمیسیون سمع شکایات بودند که تحت تاثیر یا رهبری کمیسیون قرار نمی گیرند. کمیسیون های ولایتی صلاحیت تصمیم گیری، صدور اخطاریه و تحقیق مستقلانه را داشتند. استخدام ابتدایی کارمندان کمیسیون های ولایتی نواقص داشت و بعضی از کمیشنران بدلیل اینکه با بعضی نامزدان ارتباط داشتند یا سایر مسایل در ماه جولای برطرف شدند که این خود مرحله آمادگی این کمیسیون ها را بیشتر به تاخیر انداخت. کمیسیون های شکایات انتخاباتی در ولایات در مرحله ثبت نام نامزدان و در بخش از مرحله کمپاین فعال نبودند و بدون شک حل و فصل شکایات در پروسه انتخابات را متاخر نمود. در بعضی از نقاط کشور شکایت کننده گان از ارایه گواهی های تحریری بدلیل هراس از انتقام ابا می ورزیدند. موقعیت فزینی و ماحول در بعضی از دفاتر همیشه آماده حفظ محرمت نبودند. این فکتور ها یکجا با عدم موجودیت کارمندان زن دسترسی زنان به پروسه شکایات را بطور خاص مشکل ساخته بود.

کمیسیون سمع شکایات چارچوکات تنظیمی و موثر را جهت حل و فصل شکایات نسبت به انتخابات قبلی توسعه داد. کمیسیون سمع شکایات علاوه بر قواعد رهنمود های معقول و مکمل را نیز ایجاد کرد. پروسیجر ها برای شکایات مطابق قانون انتخابات و قواعد و مقررات کمیسیون که در سال ۲۰۰۹ تصویب شد، ایجاد گردید. کمیسیون سمع شکایات صلاحیت دارد تا بالای متخلفین تعذیرات وضع یا آنها را مجازات کند. این اقدامات شامل درخواست برای حذف نامزد از لیست نامزدان، باطل کردن اوراق انتخابات و وضع جریمه میباشند. تصامیم کمیسیون های ولایتی باید به کمیشنران کمیسیون سمع شکایات پیشنهاد می شد. طریقه پیشنهاد اکثر اوقات باز نمیبود زیرا اکثر تصامیم را مستقیماً توسط کمیسیون سمع شکایات گرفته می شد. قانون انتخابات صراحت دارد که تصامیم کمیسیون سمع شکایات نهایی میباشند در حالیکه مطابق قانون اساسی ستره محکمه صلاحیت دارد تمام فیصله های قضایی منجمله فیصله های کمیسیون سمع شکایات را تجدید نظر کند.

بر اساس گزارش های بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان که به ماموریت نظارت انتخابات اتحادیه اروپا ارایه شده این بنیاد قادر به توظیف ناظرین شان در ولایت کونر و نورستان نبودند. اما در ۶۰٪ مراکز رای دهی حضور داشتند. بصورت عموم ۳۵۰ موارد تخلف در روز انتخابات ثبت شده است.

هرچند قانون بین المللی حقوق بشر تصریح میدارد که صلاحیت در پروسه انتخاباتی تضمین کننده نظارت مستقل بالای این پروسه بوده و درمورد اینکه ستره محکمه در مستقل بودن خود معیار های بین المللی را در نظر میگیرد، تردید ها وجود دارد.

گرچه کمیسیون سمع شکایات و کمیسیون مستقل انتخابات اقداماتی جهت تقویت همکاری قبل از انتخابات یک تفاهمنامه را منعقد نمودند. هر دو کمیسیون ها تایید نمودند که سند مذکور که به دسترس عامه قرار داده نشده بود محدود به موارد اداری بوده و هدف آن صرف اخذ معلومات و یقینی ساختن اینکه کمیسیون سمع شکایات معلومات مورد ضرورت را از کمیسیون مستقل انتخابات برای تحقیقات اخذ میکند، بود. قبل و بعد از تصدیق نتایج کمیسیون مستقل انتخابات در تطبیق تصامیم کمیسیون سمع شکایات چندین بار تأخیر کرد.

ب: تخلفات انتخاباتی

تخلفات مشخص انتخاباتی در ماده ۵۳ قانون انتخابات تذکر یافته است. تخلفات انتخاباتی عبارت از تهدید، اخلاف در راه دهی، اعمالیکه در ارتکاب تقلب کمک میکند، استفاده از وجوه غیرقانونی و سایر تخلفات میباشد. عدم پیروی از حکم یا تصمیم کمیسیون سمع شکایات نیز بعنوان تخلف انتخاباتی ذکر شده است.

ج: حل و فصل شکایات مربوط به روز انتخابات، شمارش آرا

مجموعاً ۲۵۸۴ شکایت درمورد تخلفات رای دهی و شمارش به کمیسیون سمع شکایات رسیده است. براساس نتایج ابتدایی نصف این شکایات در جریان یک هفته بعد از روز انتخابات درج شده اند. شکایات درج شده براساس تاثیر آن بالای نتایج انتخابات طبقه بندی گردید زیرا تعداد آنها نهایت زیاد بود. ازجمله تمام شکایات ۸۹۳ شکایت آن بحیث اولویت نخست طبقه بندی گردیده به این معنی که اگر عملی می شدند بالای نتایج انتخابات تاثیر می داشتند. اکثر این شکایات توسط نامزدان یا نمایندگان آنها درج گردیده و جدی ترین شکایات در مرکز کمیسیون سمع شکایات درج شده بودند.

شکایات رسیده به کمیسیون سمع شکایات عبارت از پرکردن صندوق ها، رنگ بی کیفیت، کار نکردن آله سراخن، تهدید رای دهنده، اخلاف در کار نماینده گان نامزدان و ناظرین، تقلب توسط کارمند انتخاباتی یا مقامات محلی، اخلاف بزرگ بین شرکت کم در روز انتخابات و تعداد رای ثبت شده در فورمه های نتایج بودند. براساس گزارشات بعضی مراکز رای دهی در محلات ممنوعه باز شده درحالیکه بعضی آنها در نقاطی فعالیت داشتند که کمیسیون مستقل انتخابات اعلان کرده بود که در آن مراکز رای دهی باز نخواهد بود.

بعضی از شکایات شواهدی موثق در رابطه با متخلف، موقعیت و مرکز رای دهی که در آن تقلب صورت گرفته شده بود فراهم کردند و حتی بعضی آنها در مورد اینکه شاهدان حاضر به گواهی هستند، وضاحت داشتند درحالیکه بعضی دیگر این شکایات مبهم بودند. ابهام بعضی از شکایات منجر به انفصال آن شده اما براساس گزارشات کمیسیون سمع شکایات در اخص ادعا های جدی خواهان معلومات بیشتر گردیده بود. اتهامات باعث نگرانی تمام ولایات و تعداد زیاد ولسوالی ها در هر ولایت گردید. ماموریت نظارت از انتخابات جامعه اروپا بیش از ۴۰۰ نقل شکایات و خلاصه های سایر اتهامات را از سه نامزد ریاست جمهوری بدست آورده که ۱/۴ حصه آن در مورد اتهامات و تخلفات در ولایات ذیل بود:

فراه، کابل، کندهار، ارزگان، بغلان، نورستان، بامیان، کونر، هرات، بدخشان، کاپیسا، خوست، لغمان، پکتیا و پکتیکا.

در اکثر اتهامات پولیس و مقامات محلی و هماهنگ کننده گان محلی کمیسیون مستقل انتخابات مقصر دانسته شده بودند.

کمیسیون سمع شکایات بدون سه ولایت جوزجان، سرپل و سمنگان در سایر ولایات تحقیقات را آغاز کرد. کمیسیون سمع شکایات تحقیقات را از کابل نظارت میکرد و کمیسیون های شکایات انتخاباتی در ولایات یا تیم های خاص تحقیقات جهت جمع آوری معلومات توظیف شده بودند. بتاریخ ۴ و ۷ سپتمبر سال ۲۰۰۹ تصامیم خود را درمورد شکایات نشر کرد که براساس آن مراکز رای دهی در ولایات غزنی، پکتیکا و کندهار را باطل اعلان کرده و یک تعداد آرا با هویت نامعلوم را مردود شمردند زیرا نتایج ابتدایی این مراکز رای دهی اعلان نشده بودند.

کمیسیون سمع شکایات بتاریخ ۲۶ اپریل ۲۰۰۹ بعد از مرحله ثبت نام نامزدان تأسیس گردید.

صرف ۲۱ خانم در مرحله کمپاین شکایت درج نمودند.

تیسره شماره ۲۵: HRC General Comment: حق اشتراک در امورات عامه، حق رای دهی و حق مساوی در دسترسی به خدمات عامه (ماده ۲۵) ۹۶/۰۷/۱۲ CCPR/C/21/Rev.1/Add. ۷، تیسره شماره ۲۵ و تیسره شماره ۱۲: حقوق مساوی در محکمه و حق دسترسی به جلسات قضایی عامه توسط محکمه مستقل که در ماده ۱۴ قانون صراحت دارد: ۸۴/۴/۱۲، تیسره شماره ۷، ICCPR ۱۳

بعداً این کمیسیون امر تفتیش و شمارش دوباره آرا را براساس شرایط خاص صادر نمود. بتاريخ ۱۸ اکتوبر کمیسیون سمع شکایات سه تصمیم اتخاذ نمود: ۱- تصمیم براساس شکایات ۲- تصمیم در اخص مراکز رای دهی قرنطین شده ۳- تصمیم درمورد تفتیش - نشانی کردن پایان پروسه حل و فصل نتایج در مجموع ساحه تصمیم براساس شکایات محدود بود. تصمیم ابتدایی تعداد کم آرا را باطل کرد که از ۱ الی ۲٪ تمام آرای باطل شده را تشکیل میداد. این تحقیقات صرف براساس شکایات صورت گرفتند. کمیسیون سمع شکایات بدون حالات استثنایی در تحقیق آرای مشکوک از صلاحیت رسمی خویش استفاده نکرده است. در اکثر موارد هنگام تحقیق اتهامات تقلب کمیسیون سمع شکایات صرف تعداد محدود صندوق ها را تفتیش کرده که در حقیقت صندوق های مشکوک را در مراکز رای دهی که در آن تقلب صورت گرفته رها کردند. بطور عموم روش کمیسیون در قبال میکانیزم شکایات نسبتاً محافظه کارانه بوده چون بر تفتیش و شمارش دوباره آرا تصمیم گرفت. شرطیکه یک نامزد باید قبل از آغاز پروسه تفتیش و شمارش دوباره ۹۵٪ آرا را بدست آورد، در حقیقت یک حد نهایت بلند را تعیین نموده که به معنای از نظر انداختن نتایج که واقعاً باید تفتیش شوند، میباشد. در تطابق با ساحه اتهامات طریقه تفتیش یک اقدام مناسب بود که مورد قبول نامزدان قرار گرفته و کمیسیون مستقل انتخابات نیز در آن دخیل بود. هرچند این طریقه نمایانگر محدودیت های کمیسیون سمع شکایات در قبال تقلب گسترده و فشاری که از تطبیق نکردن اقدامات محافظتی کمیسیون مستقل انتخابات علیه تقلب بوجود آمده بود، میباشد. علی الرغم همه طریقه ای که برویت آن تحقیقات و قضایا در اولویت قرار گرفت شکایات در وقت مناسب حل و فصل گردیدند.

XIV - روز انتخابات

در روز انتخابات حوادث ناگوار متعدد مشمول حملات راکتی، انفجارات در مراکز رای دهی و ادارات دولتی در سراسر کشور رخ داد. وخامت در اوضاع امنیتی بالای گشت و گذار و فعالیت های ناظرین ماموریت نظارت بر انتخابات اتحادیه اروپا در چندین ولایت و ولسوالی ها تاثیر گذاشت. نقاط مهم کشور که در آن پروسه رای دهی و شمارش آرا صورت گرفته بود غیر قابل دسترس بوده که نتایج نظارت از روز انتخابات این حقیقت را آشکار نمود. مجموعاً ۱۲۰ ناظرین ماموریت نظارت بر انتخابات اتحادیه اروپا پروسه ابتدایی، رای دهی و شمارش را در ۲۶۸ مرکز رای دهی را از جمله ۳۴ ولایت در ۱۷ ولایت نظارت نمودند. ناظرین ماموریت مذکور درین مراکز رای دهی استنتاج نمودند که پروسه های رای دهی باوجود شرایط دشوار بدون کمبودی کارمندان و مواد انتخاباتی بطور مناسب و رضایت بخش اداره گردید. توزیع به موقع مواد انتخابات منجر به عدم موجودیت کدام کمبودی در روز انتخابات گردید اما اشتباهات جزوی صرف در رابطه به توزیع لست رای دهنده گان وجود داشت. کمبودی های که درمورد سوراخ کردن کارت های جدید مشاهده شده بود قسماً در همان روز مرفوع گردید. ناظرین محلی از بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه برای افغانستان و همچنان نماینده گان نامزدان ریاست جمهوری در محلات نظارت شده موجود بودند.

ناظرین ماموریت نظارت بر انتخابات اتحادیه اروپا در مراکز نظارت شده کدام مورد تقلب را مستقیماً مشاهده نکرده اند. هرچند گزارشات متعدد را از سازمان های جامعه مدنی، نماینده گان نامزدان و رای دهنده گان درمورد موارد تقلب اخذ نمودند. اکثر این موارد پرکردن صندوق به نفع آقای کرزی بود.

بعد از ظهر روز انتخابات کمیسیون مستقل انتخابات برتدید وقت رای دهی برای یک ساعت تصمیم اتخاذ نمود. این معلومات به مراکز رای دهی ناوقت و حتی در بعضی مراکز بعد از بسته شدن یا حتی بعد از آغاز پروسه شمارش ارسال گردید. بعضی از مراکز رای دهی که مطابق تقسیم اوقات ابتدایی بسته شده بودند دوباره برای یک ساعت باز شده که باعث پریشانی بیشتر در اخص پروسه گردید.

کمیسیون مستقل انتخابات این بار در شمارش آرا در مراکز رای دهی گزینه گزارای کرد حال آنکه بار قبلی آرا در ساحه و ولایت بطور مرکزی حساب شده بودند. در اکثر موارد که ناظرین ماموریت نظارت بر انتخابات اتحادیه اروپا مشاهده کردند، پروسه شمارش آرا بیطرفانه و شفاف در موجودیت نماینده گان نامزدان و ناظرین صورت گرفت که رضایت بخش ارزیابی گردید.

باوجود امنیت خراب قبل از و در جریان روز انتخابات تعداد زیاد شهروندان افغان از حق رای خویش استفاده کردند. براساس نظارت مستقیم ناظرین ماموریت اتحادیه اروپا و منابع موثق غیرمستقیم فیصدی اشتراک مردم در نقاط شمالی قابل ملاحظه بوده درحالیکه شرکت مردم در نقاط جنوبی و جنوب شرقی کم و در بعضی موارد نهایت کم بود.

XV - نتایج

الف: جدول بندی و اعلان نتایج

جمع آوری خریطه های شواهد تحریم شده و نتایج از هر مرکز رای دهی در موجودیت نماینده گان نامزدان و ناظرین صورت گرفت. در حالیکه پروسه های جمع آوری در بعضی حالات تعقیب نمی شد اما چون پروسه بروی نماینده گان و ناظرین باز بود شفاف به نظر میرسید. شمارش آرا در مراکز شمارش واقع کمیسیون مستقل انتخابات در کابل صورت گرفت. بتاريخ ۲۵ اگست نتایج ابتدایی بعد از اینکه تقریباً ۱۰٪ آرای مجموعی حساب شد اعلان گردید. آرای مجموعی براساس معلومات ثبت شده در دیتابیس کمیسیون مستقل انتخابات و بعد از تایید کمیشنران این کمیسیون جهت نشر در نظر گرفته شد. نتایج جمع آوری شده از تمام ولایات باهم جمع گردیده و مجموع نتایج ابتدایی انتخابات ریاست جمهوری تکمیل گردیده بتاريخ ۱۶ سپتمبر نشر شد. در این مرحله از پروسه انتخابات مسئله تقلب گسترده در سراسر کشور بخصوص در نقاط جنوبی و جنوب شرقی بیشتر به نفع آقای کرزی سرزبان ها آمد.

طریقه که از آن در اعلان نتایج استفاده شد نشان دهنده برنامه ریزی قابل ملاحظه در پروسه انتخابات بود که در قدم اول آرای بلند سمت شمال که در آنجا مردم کمتر از آقای کرزی حمایت میکنند، ثبت شده و بعداً آرای پایین سمت جنوب که در آنجا آقای کرزی بیشتر مورد حمایت قرار میگیرد و در همان سمت تقلب گسترده نیز به نفع وی صورت گرفته بود، اعلان گردید. فیصدی آرای برای سمت جنوب مشمول آرای تقلب شده روز به روز بطور تدریجی افزود می شد تا باشد که هیئت انتخابات آنرا در دوز های کوچک قبول کند. ممکن این نتایج به یک باره گی مسترد گردیده و تقلب آشکار تلقی می شد.

ب: نشر نتایج

مجموع آرای ابتدایی انتخابات ریاست جمهوری بتاريخ ۱۶ سپتمبر به تناسب ۵۴.۶٪ آرای آقای کرزی و ۲۷.۷۵٪ آرای داکتر عبدالله اعلان گردید.

تعداد رسمی مراکز رای دهی که در روز انتخابات باز بودند هنگام اعلان نتایج ابتدایی و قسمی انتخابات ریاست جمهوری از ۲۷۰۶۷ مرکز به تعداد نهایی ۲۳۳۱۴ مرکز کاهش یافت. تعداد مراکز کم شده بدون ارایه تفصیلات در مورد اختلاف منحنی مراکز که آرای آن حساب شده باشد در نظر گرفته شدند. کمیسیون مستقل انتخابات در تمام مراحل معلومات رقمی متناقض در مورد نتایج ابتدایی انتخابات ریاست جمهوری را تولید و ارایه کرد. علاوه بر تناقض که در ارقام ارایه شده از طرف کمیسیون مستقل انتخابات موجود بود، مراکز رای دهی که شامل نتایج ابتدایی در یک تاریخ معین بودند بالاخره از آرشیف کمیسیون ناپدید شدند. بعضی از مراکز در مراحل بعدی دوباره نمایان شدند در حالیکه بعضی دیگر آنها مفقود الاثر باقی ماندند و توضیحاتی هم در مورد آنها، دلیل حذف یا نشر دوباره آنها که شفافیت پروسه را زیر سوال قرار داد، ارایه نشد.

۱: نتایج شورا های ولایتی

اگرچه نتایج شورا های ولایتی با نتایج انتخابات ریاست جمهوری یکجا حساب شده بود اما الی پنج هفته بعد از روز انتخابات در مورد آن معلوماتی در دست نبود. نتایج ۳۰ ولایت (از جمله ۳۴ ولایت) بتاريخ ۲۸ سپتمبر در وب سایت کمیسیون مستقل انتخابات نشر گردید. نتایج ولایت ننگرهار هنوز هم (هنگام نوشتن این گزارش) نامعلوم است.

ج. پروسه تفتیش و شمارش مجدد

با در نظر داشت توقف در کار بدلیل شواهد درمورد تقلب گسترده که بتاريخ ۸ سپتمبر ۲۰۰۹ ماموریت نظارت بر انتخابات اتحادیه اروپا آنرا تقبیح کرد کمیسیون سمع شکایات مطابق فقره ۴ ماده ۴۹ و ماده ۵۴ قانون انتخابات تصمیم گرفت که کمیسیون مستقل انتخابات باید صندوق های مراکزی را که در آن حد تعیین شده بلند یک یا دو بار تکمیل شده است را تفتیش و دوباره حساب کند. صندوق ها درین مراکز نشان دهنده تقلب گسترده بود. به گفته کمیسیون سمع شکایات این کار باید در مراکزی صورت می گرفت که در آن آرای مجموعی مساوی به یا اضافه تر از ۶۰۰ رای یا اگر یکی از کاندیدان ریاست جمهوری ۹۵٪ رای از آن خود کرده و یا هم در مرکزی که مجموع آرای داده شده از ۱۰۰ اضافه و بیشتر آرای داده شده قابل اعتبار بوده باشد. این تفتیش و باز شماری براساس موارد واضح تعداد زیاد آرای انتخابات ریاست جمهوری که در یک مرکز ریخته شده بود یا براساس فیصدی بلند صندوق های تقلب شده تحت نام یک کاندید ریاست جمهوری صورت گرفت. چنین موارد در ولایات کندهار، غزنی و پکتیکا صورت گرفته که براساس گزارش ارایه شده از طرف کمیسیون سمع شکایات در آن محلات شواهد رای دهی یا شمارش غیرقانونی نیز بدست آمده بود. در تصمیم/حکم کمیسیون سمع شکایات مشخص شده بود که حکم مذکور جلو تصامیم در قبال شکایات درج شده را نمی گیرد.

صد فیصد آرای حساب شده شامل ۵۹۱۸۷۴۱ صندوق بود که از جمله ۵۶۶۲۰۷۵۸ صندوق های قانونی، ۱۷۲۲۰۰ صندوق های باطل و ۸۲۷۸۳ صندوق باطل بدلیل برآمدن کاندیدان از پروسه انتخابات میباشد. آرای آقای کرزی ۳۰۹۳۲۵۶ یا ۵۴.۶٪، آرای داکتر عبدالله ۱۵۷۱۵۹۱ یا ۲۷.۵٪، آرای آقای بشردوست ۵۲۰۶۲۷ یا ۹.۲٪. هیچ مراکز قرنطین شده وجود دارد.

احصایه کمیسیون مستقل انتخابات متناقص میباشد: تعداد مجموعی مراکز رای دهی، مراکز که در روز انتخابات باز بودند، تعداد صندوق های قانونی، تعداد صندوق های باطل بدلیل برآمدن کاندیدان از پروسه انتخابات، آرای که شامل فیصدی قسمی اعلان شده میباشد و تعداد داده شده کارمندان انتخابات ماموریت نظارت بر انتخابات نگرانی خود را در قبال نتایج که از طرف کمیسیون مستقل انتخابات بتاريخ ۸ و ۱۶ سپتمبر اعلان شد، نشان داد. که براساس آن ۱.۶ میلیون رای تقلبی قلمداد گردید که از آن جمله ۱.۲ میلیون رای به نفع حامد کرزی و ۳۰۰۰۰۰ رای به نفع داکتر عبدالله ریخته شده بود.

B. پخش نتایج

نتایج مکمل ریاست جمهوری به تاریخ ۱۶ سپتامبر، که ۵۴.۶ فیصد آرا قابل اعتبار به جناب کرزی و ۲۷.۷۵ فیصد به داکتر عبدالله نسبت داده شد.

تعداد رسمی حوزه های رای دهی که روز انتخابات باز بودند از تعداد ۲۷۰۶۷ در اعلام ابتدایی و نسبی نتایج انتخابات تدریجاً به تعداد ۲۳۳۱۴ کاهش یافت. این زمان ارائه شد که آرای این مراکز بدون کدام توضیحات در رابطه به تفکیک آرا مورد شمارش قرار گرفته بودند. کمیسیون مستقل انتخابات کتله معلومات بی ربط را در تمامی سطوح نتایج انتخابات ریاست جمهوری تولید و ارائه نمود. در ضمن به این که ارقام ارائه شده توسط کمیسیون مستقل انتخابات بی ربط بودند، مراکز رای دهی که شامل نتایج بودند در روز های بعدی از ارسیف نتایج گم شدند. یکتعداد از این صندوق دوباره ظاهر شدند ولی تعدادی دیگر ایشان هنوز هم بدون وضاحت در مورد وضعیت آن و دلیل برای دور نمودن آن یا دوباره به نشر رسانیدن آن، گم ماندند. که همه و این همه موارد باعث از دیاد عدم شفافیت گردید.

الف) نتایج شوراهای ولایتی

اگرچه با آرای ریاست جمهوری باهم شمارش گردیدند، در مورد نتایج شوراهای ولایتی هیچ خبری الی بیشتر از ۵ هفته بعد از انتخابات نرسید؛ این نتایج بشکل نسبی (از جمله ۳۴ ولایات از ۳۰ آن) در صفحه وب کمیسیون مستقل انتخابات به تاریخ ۲۸ سپتامبر ارائه گردید. نتایج ولایت ننگرهار الی نوشتن این هنوز هم لاینحل ماندند

C. تفتیش و شمارش مجدد

در نتیجه بن بست شواهد قابل ملاحظه تقلب، که اتهام این توسط ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات به تاریخ ۸ سپتامبر وارد گردید، کمیسیون سمع شکایات به اساس فقره (۲) ماده (۴۹) و بند پنجم ماده (۵۴) قانون انتخابات به کمیسیون مستقل انتخابات امر تفتیش و شمارش مجدد سایر حوزه های رای دهی که در آن نتایج به یک یا دو قدمه مطابقت داشته، نشان میدهد که نتایج میتوان تقلبی باشند، مثلاً در صورتیکه تعداد آرای مکمل یک حوزه رای دهی انتخابات ریاست جمهوری مساوی یا بیشتر از ۶۰۰ آرا باشد و یا اینکه به یک کاندید ۹۵٪ آرا x داده در مرکز رای دهی که تعداد آرا بیشتر از صد آرا باشد، را صادر نمود. این قدمه ها به اساس نمونه های خاص یعنی بلند بودن بیش از حد آرای یک نامزد در صندوق های مشکوک ولایات کندهار، غزنی و پکتیکا و یا در صورتیکه کمیسیون سمع شکایات در رابطه به شواهد واضح پروسه غیر قانونی رای دهی و شمارش ثبوت داشته باشد. کمیسیون سمع شکایات از تصامیم در مورد شکایات جلوگیری بعمل نیآورد.

۱۰۰ فیصد آرای شمارش شده ۵۹۱۸۷۴۱ اوراق رای دهی، از جمله ۵۶۶۲۷۵۸ قابل اعتبار، ۱۷۳۲۰۰ غیر قابل اعتبار، ۸۲۷۸۳ باطل نسبت به انصراف نامزدان، برای جناب حامد کرزی ۳۰۹۳۲۵۶ آرا، ۵۴.۷ فیصد، داکتر عبدالله ۱۵۷۱۵۹۱ آرا، ۲۷.۵ فیصد، آقای بشردوست ۵۲۰۶۲۷ آرا (۹.۲ فیصد) هیچ حوزه رای دهی قرنطین نگردیده.

ارقام آتی دارای تسلسل نمیشد. تعدادمجموعی حوزه ها / مراکز رای دهی که در روز اعلان نسبی نتایج باز بودند. تعداد آرای قابل اعتبار، تعداد آرای باطل / انصراف نامزدان، آرای شامل در اعلان نسبی فیصدی، و تعداد کارمندان در مراکز رای دهی.

ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات نگرانی خود را در مورد نتایج و قدمه ها بتاریخ ۸ و ۱۶ سپتامبر اعلان کرد، در مرحله نهایی کمیت آرای مشکوک/ تقلبی را ۱.۶ میلیون ارائه کرد، از جمله ۱.۲ میلیون از جناب حامد کرزی و ۳۰۰۰۰۰ از داکتر عبدالله.

به تاریخ ۱۶ سپتامبر سال ۲۰۰۹، کمیسیون مستقل انتخابات نتایج ابتدایی را بدون تطابق با امر تفتیش و شمارش مجدد کمیسیون سمع شکایات به نشر رساند. کمیسیون مستقل انتخابات بشکل عامه بیان نمودند که تفتیش و شمارش مجدد تنها در صورت بعد از نشر نتایج ابتدایی ممکن میباشد. در عین زمان، کارشناسان بین المللی توسط دفتر هیئت ملل متحد در افغانستان (یوناما) برای کمک به کمیسیون سمع شکایات و کمیسیون مستقل انتخابات در تفتیش صندوق های رای دهی با توجه به امر کمیسیون سمع شکایات، مقرر گردیدند. بعد از مذاکرات زیاد میان کمیسیون سمع شکایات و کمیسیون مستقل انتخابات، کمیسیون مستقل انتخابات اعلان نمود که تعداد مکمل صندوق های مشکوک رای دهی ۳۰۶۳ (۸۸٪) میباشد و این صندوق ها بشکل غیر مساویانه تقسیم گردیده بودند. نمونه ۱۰ فیصد صندوق ها به تعداد ۳۵۸ صندوق ها، تفتیش گردید.

بعد از چند بار تاخیر، کمیسیون سمع شکایات پالیسی را در مورد تفتیش و شمارش مجدد به تاریخ ۴ اکتوبر سال ۲۰۰۹ اعلام نمود. در این پالیسی اشاره گردید که باید به نمونه از صندوق های مشکوک رای دهی اتکا گردد که این امر میتوان کم وقت نیاز داشته باشد و "معلومات بشکل مطمئن در مورد بی نظمی های رای دهی در حوزه های رای دهی به نمایندگی سایر کشور کسب میگردد". هدف این پروسه "اجازه به کمیسیون سمع شکایات برای تصامیم آگاه در مورد شیوع تقلب در حوزه های رای دهی که به اساس کمیسیون سمع شکایات متاثر میگردد و تعیین اثرات نتایج انتخابات ریاست جمهوری که به تاریخ ۲۰ اگست سال ۲۰۰۹ دایر گردید" میباشد. اشاره گردید که "یافته های این که صندوق های رای دهی متقلب بودند بدین معنی است که بی عیبی و راستی پروسه رای دهی برای این صندوق ها مورد معامله قرار داده شده، و این که تمامی آرا شامل این صندوق ها باید توأم با عملکردهای پذیرفته انتخاباتی، باطل اعلان گردد".

به تاریخ ۵ اکتوبر، کمیسیون مستقل انتخابات تفتیش نمونه بی صندوق های مشکوک را زیر نظارت کمیسیون سمع شکایات آغاز نمود. در نتیجه تفتیش، آرای جناب حامد کرزی از ۳۰۹۳۲۵۶ آرا (۵۴.۶٪) به ۲۲۸۳۹۰۷ آرا (۴۹.۶۷٪) و آرای جناب داکتر عبدالله عبدالله از ۱۵۷۱۵۹۱ آرا (۲۷.۵٪) به ۱۴۰۶۲۴۲ آرا (۳۰.۹٪) کاهش یافت و بالاخره تعیین نمود که باید انتخابات به دور دوم بروند.

D. دور دوم انتخابات

به تاریخ ۱۹ اکتوبر کمیسیون مستقل انتخابات نتیجه نهایی انتخابات ریاست جمهوری را اعلان نمود و قرار گردید که دور دوم انتخابات به تاریخ ۷ نوامبر میان جناب حامد کرزی و جناب داکتر عبدالله عبدالله، از اینکه چون هیچکدام از نامزدان ریاست جمهوری ۵۰٪ جمع ۱ را بدست آورده نتوانستند، زمان بندی گردید.

کمیسیون مستقل انتخابات تصمیم باز نمودن ۵۰۰ مراکز اضافی رای دهی اعلام نمود. همچنان، این کمیسیون تصمیم کاهش تعداد کارمندان مراکز رای دهی را از تعداد ۵ به ۲ نفر در دوره دوم انتخابات نیز اعلام نمود. هرچند با نگرانی های روز افزون نسبت به تعداد بیشتر حوزه ها و مراکز رای دهی در تقلب دوره اول انتخابات نقش صریح داشتند و برعکس کاهش تعداد کارمندان مراکز رای میتوان باعث آسیب پذیری بیشتر آن در مقابل نفوذ تهدید گردد، هیچ دلایل در رابطه به تصمیم خود ارائه نمودند.

^{۸۸} ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات تخمین مینماید که تعداد صندوق های بی نظم، همانطوریکه توسط قلمه های کمیسیون مستقل انتخابات تعیین گردید، بیشتر از ۵۰۰۰ میباشد. احصائیه شامل سه گروه های متفاوت و ویژه ی میباشد. الف) گروه ۱: صندوق های رای در مطابقت با معیار الف (۶۰۰ اوراق رای دهی یا بیشتر)؛ ب) گروه ۲: صندوق های رای دهی در مطابقت با معیار ب (۹۵٪ یا بیشتر آرا در حق یک نامزد، در صورتیکه صد و یا بیشتر آرا موجود میباشد) و ج) گروه ۳: صندوق های رای دهی که در مطابقت با هر دو معیار های الف و ب میباشد. توزیع این گروه بشکل آتی میباشد. گروه ۱: ۶۲۷ صندوق ها، گروه ۲: ۱۵۲۲ صندوق ها و گروه ۳: ۹۱۴ صندوق ها. تعداد مجموعی صندوق های رای دهی که باید تفتیش گردد ۳۱۳: گروه ۱، ۶۳: صندوق ها، گروه ۲: ۱۵۰ صندوق ها و گروه ۳: ۱۰۰ صندوق ها.

به تاریخ ۱ نوامبر داکتر عبدالله اعلان نمودند که وی در دوره دوم انتخابات نسبت به دو دلایل عمده اشتراک نخواهد نمود: عدم موجودیت شفافیت در این پروسه و عدم استقلالیت از دولت از کسانی که مسئول تطبیق انتخابات میباشند، بالخصوص رئیس کمیسیون مستقل انتخابات. داکتر عبدالله گفتند که وی برکناری رئیس کمیسیون مستقل انتخابات و سه تن وزرای دولت را برای بی طرفی و راستی انتخابات شرایط گذاشتند. اگرچه ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات در موقف نیست روی این شرایط ابراز نظر نماید، این واضح است که عدم موجودیت اقدامات برای رسیدگی به تقلب که در جریان دور اول انتخابات صورت گرفت و تردد کمیسیون مستقل انتخابات در مورد تنفیذ تصمیم کمیسیون سمع شکایات، بدون شک مشروعیت دور دوم انتخابات را در معرض خطر قرار داد.

به تعقیب بیان داکتر عبدالله و انصراف آن، کمیسیون مستقل انتخابات اعلامیه مطبوعاتی را به تاریخ ۲ نوامبر اعلان نمود که در آن دور دوم انتخابات را کنسل قرارداد و جناب کرزی را بصفت برنده انتخابات ریاست جمهوری اعلام نمود. اگرچه در هیچ قانون یا مقرر به شکل خاص به امکان انصراف در دور دوم اشاره نشده، درحالاتیکه مشروعیت انتخابات بشکل جدی مورد تهدید قرار میگیرد، کمیسیون مستقل انتخابات میتواند انتخابات را به تعویق یا تعلیق درآورد. [۸۹]. هرچند، تصمیم برای کنسل نمودن دور دوم انتخابات توأم با فقره (۲) ماده (۳۷) قانون انتخابات نمیباشد که در آن ماده در صورت انصراف قبل از روز انتخابات اشاره میکند نه به این که کمیسیون مستقل انتخابات بشکل که خواسته باشد این قانون را برای خود تفسیر نماید.

XVI. پیشنهادات

به اساس یافته های ماموریت نظارت اتحادیه اروپا برای انتخابات، پیشنهاداتی برای انکشاف پروسه انتخابات، دولت جمهوری اسلامی افغانستان، اداره انتخابات، احزاب سیاسی، جامعه مدنی و جامعه بین المللی ارائه میگردد. هرچند، یکتعداد عناصر چارچوب انتخاباتی، قانونی و اداری نیازمند تغییرات عمده میباشند، پیشنهادات برای بهبود که میتوان قبل از انتخابات پارلمانی و شورا های ولسوالی سال ۲۰۱۰، بدست آید و همچنان بشکل فوری و ضروری در نظر گرفته شود، پیشنهاد میگردد. از جمله پیشنهادات که در مدت زمان کم و بشکل فوری بدست آمده میتواند، ذکر میگردد.

احزاب سیاسی

۱. برای اینکه سیستم پارلمانی تقویت گردد و قانونگذاری شفاف و مؤثر باشد، اقدامات مؤثر برای تقویت انکشاف احزاب سیاسی در نظر گرفته شود. این شامل برنامه های مستقل آموزشی برای احزاب سیاسی و همواره با حوزه های سیاسی تمویل ممکنه احزاب از وجوه دولتی میباشد. در ضمن، طرز العمل برای ثبت و رجستر احزاب سیاسی باید واضح تر و ساده تر با طرز العمل اطلاع دهی و مقررات برای حصول اطمینان از شفافیت، ساخته شود.

سیستم انتخاباتی

۲. سیستم انتخاباتی برای انتخابات ولایاتی (و تقنینی)، مسوده جدید قانون انتخابات که بعد از انتخابات دوره تقنینی سال ۲۰۱۰ به نشر میرسد، توأم با ماده ۱۰۹ قانون اساسی، مرور گردد. توجه بطرف اقدامات مورد نیاز برای تشویق انکشاف احزاب سیاسی مبذول گردد. سیستم رای دهی واحد غیر قابل انتقال باید همچنان در نظر گرفته شود. گزینه سیستم متناسب با استفاده از لست نامزدان نیز میتوان در نظر گرفته شود که سیستم اتخاذ گردد که حصول اطمینان از تناسب و نمایندگی اقلیت ها و گروه جغرافیایی صورت گیرد.

^{۸۹} ماده ۵۵ قانون انتخابات در مورد تعویق، تعلیق و راه اندازی دوباره انتخابات اشاره میکند که ۱. اگر {...} وقوعات یا رویداد های غیر قابل مترقیه واقع گردد {...} مشروعیت انتخابات بشکل جدی مورد تهدید قرار گیرد، کمیسیون میتواند رای دهی را در حوزه های متأثر شده به تعویق یا تعلیق درآورد تا زمانیکه امحا ی شرایط این ماده با صلاحیت های خود کمیسیون توسط کمیسیون مستقل انتخابات تطبیق گردد

چارچوب قانونی

۳. اقدامات مناسب از طریق قانون گذاری و سایر اقدامات ضروری برای تقویت استقلالیت قضا و بشکل خاص ستره محکمه باید براه انداخته شود. نقش های مربوطه ستره محکمه و کمیسیون برای نظارت از تطبیق قانون اساسی باید توسط سایر نهاد های افغانی مورد بحث قرار گیرد و به توافق رسیدگی صورت گیرد ، نقش های ایشان مشخص گردد و از منازعات و معشوشیت در آینده جلوگیری بعمل بیاید.

۴. قانون انتخابات سال ۲۰۰۵ باید برای وضاحت بیشتر مواد این قانون که تفصیل مکمل آن ارائه نشده و باعث انتخابات ناوقت ، تفسیر غیر مسلسل یا سوال برانگیز از این قانون در جریان سیکل انتخاباتی سال ۲۰۰۹ گردید، تجدید نظر گردد. همکاری تخنیکی به شورای ملی و وزارت عدلیه در مورد قانون جدید پیشنهاد شده انتخابات ارائه گردد که تمرکز این کمک به حقوقدانان افغانستان میباشد.

۵. قبل از اینکه قانون انتخابات کاملاً تجدید میگردد ، تمامی مقررات و تعدیلات در قانون انتخابات سال ۲۰۰۵ باید جمع آوری گردیده و به خدمت سایر اشتراک کنندگان ارائه گردد.

۶. احکام قانون که بیشتر مشکل برانگیز میباشند باید تعدیل و تکمیل گردند. که موارد آتی به فوریت باید شامل آن باشد.

- تعدیلات در اصول وظایف کاری کمیسیون مستقل انتخابات که در این تعدیلات طرز العمل های جدی تصمیم گیری برای شفافیت بیشتر ، معرفی گردد.

- مقرر را درمورد نائیدی نتایج شرایط را ایجاد نماید که با این اوراق رای دهی توسط کمیسیون مستقل انتخابات غیر قابل اعتبار قرار داده شوند. همچنان مقررات جداگانه برای طرز العمل های شمارش آرا و قدمه های تفتیش معرفی گردند.

- مقرر جداگانه معرفی گردد که به اساس آن کمیسیون مستقل انتخابات باید موقعیت مراکز رای دهی را اعلان نماید و حصول اطمینان از این صورت گیرد که معلومات در محدوده زمان مناسب به رای دهندگان ، ناظرین و نمایندگان احزاب نامزدان ارائه گردد. به اساس این مقرر ، کمیسیون مستقل انتخابات همچنان باید لست حوزه ها و مراکز رای دهی را قبل از ضرب الاجل آن اتخاذ نماید.

- توجه خاص باید به کمیسیون مستقل انتخابات در رابطه به تصحیح نتایج ابتدایی قبل از نشر آن مبذول گردد و تصامیم مربوط به شکایات علیه نتایج باید بشکل اجباری قابل تطبیق باشند.

۷. یک کمیسیون فرعی برای نظارت از گروه های تفتیش باید توسط یک مقرر جداگانه به تأسی از فقره (۲) ماده (۷) قانون انتخابات ایجاد گردد. این به کمیسیون مستقل انتخابات اجازه میدهد تا صلاحیت خویش را به کمیسیون فرعی تفویض نماید. طرز العمل های باید انکشاف داده شود و برای آموزش گروپ های آموزشی استفاده گردد. که این گروپ ها در روز انتخابات به سایر ولسوالی ها موظف شوند. تیم های تفتیش جهت همکاری در راستای ایجاد نتایج ابتدایی گزارشات را به کمیسیون مستقل انتخابات و در صورتیکه شکایات موجود باشند ، به کمیسیون سمع شکایات نیز ارائه نمایند. کمیسیون مستقل انتخابات باید به اساس تجربه تفتیش انتخابات سال ۲۰۰۹ بالخصوص در رابطه به تفتیش در نتایج شوراهای ولایتی راه اندازی گردیده بود، اعمار نماید.

۸. برای راه اندازی انتخابات شورا های ولسوالی، سرحدات ولسوالی ها باید تعیین گردند. وزارت امور داخله کشور باید لست رسمی ولسوالی ها ، بطور مطلوب جمع آوری معلومات از نهاد های مختلف ، نهاد های احصائیه مرکزی ILDF دفتر ریاست زمین سنجی و نقشه کشی (AGCHO) ، خدمات مدیریتی معلوماتی افغانستان (AIMS) و اداره اورگان های محل (IDLG) را تعیین نماید. وزارت امور داخله در این پروسه باید از نظر تخنیکی حمایت گردد که این شامل مشوره با شاروالی ها و مراجع ولایتی میباشد ولی این باید به سطح مرکزی راه اندازی گردد.

اداره انتخابات

۱۰. اداره انتخابات باید بی طرف، مستقل باشد. این اداره از طرف مردم برای راه اندازی انتخابات ضروری پنداشته شود. از این که هر چه زود تر فعالیت های خویش را آغاز نماید، تغییر باید در سیستم تقرر ایجاد گردد، تاباشد که کمیسار های کمیسیون مستقل انتخابات گذشته از رئیس جمهور توسط اداره دیگر مقرر گردند.
۱۱. در رفتن بطرف تقرر جدید کمیسیون مستقل انتخابات به نمایندگان احزاب و ناظرین ملی و بین المللی اجازه داده شود تا در جلسات و اسامبلی عمومی این کمیسیون اشتراک نمایند.
۱۲. آموزش های اضافی به سایر کارمندان کمیسیون مستقل انتخابات و بالخصوص به ریاست حقوقی این کمیسیون ارائه گردد. در ضمن به آموزش های تخنیکی، برنامه های ارتقای ظرفیت روی اساسات عمده حقوق بشر و اینکه این اساسات بشکل کلی در انتخابات رعایت گردد، تمرکز نماید.
۱۳. کمیسیون مستقل انتخابات تفتیش داخلی در مورد جرایم انتخابات که کارمندان این کمیسیون مرتکب گردیده و بدون اینکه نیاز به آغاز این از طرف کمیسیون سمع شکایات باشد، آغاز نماید. مجازات معین گردد و مسئولیت های غیر مستقیم همانطوریکه در تعریف های جرایم انتخاباتی مندرج قانون انتخابات میباشد، انعکاس یابد.

ثبت رای دهندگان

۱۴. بدون ثبت و راجستر مؤثقی که فعالیت ها جهت این امر آغاز گردیده است، هیچ انتخابات باید راه اندازی نگردد. چون این یک حفاظ بسیار مهمی علیه تقلب و یکی از ابزار خوب اداره مؤثر انتخابات میباشد. از اینکه وقت کم میباشد و دور بعدی انتخابات دوره تقنینی سال ۲۰۱۰ نیز نزدیک است، بشکل نسبی با تمام پروسه متباقی ثبت و راجستر رای دهندگان از سال ۲۰۰۹ و تصحیح معلومات نادرست و اشخاص دارای چندین کارت های رای دهی، میتوان ارائه گردد. برای اینکه این برنامه فراگیر باشد، تجدید مجدد اضافی برای آنده شهروندانی که قبل از رسیدن دوره بعدی انتخابات و در جریان این ثبت دوره مجدد به سن قانونی میرسند، راه اندازی گردند.
۱۵. هر چه زود تر امکان پذیر باشد، به ثبت مؤثقی و مکمل رای دهندگان اولویت داده شود. کمیسیون کارشناسان باید تصمیم گیرند تا معلومات موجود در رابطه به ثبت و راجستر رای دهندگان قابلیت استفاده را دارند و برنامه عمل را برای تولید معلومات مطمئن ثبت رای دهندگان پیشنهاد نمایند. به این ترتیب این ارزیابی مستقل شامل این میباشد که آیا معلومات موجود در رابطه به رای دهندگان درست است یا خیر، یا اعم اینکه این پروسه ثبت رای دهندگان باید کاملاً از آغاز گرفته شود. سایر موارد دیگر که باید شامل این ارزیابی باشد عبارت اند از حفظ توازن میان حساسیت های فرهنگی با توجه به این که ثبت مطمئن و مؤثقی رای دهندگان اناتیه ترتیب گردد. تصاویر روی تمامی کارت ها وجود داشته باشد و راه های بدیل مؤثر تر استفاده گردند.

ثبت نامزدان

۱۶. همکاری تخنیکی باید به کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون خلع سلاح و ملکی سازی برای حصول اطمینان از همکاری باز و مؤثر میان هر دو مراجع و تنفیذ احتیاجات انتخاب نامزدان با تطبیق این پروسه بشکل بی طرف توأم با معیارات پرهدف، صورت گیرد. کمیسیون خلع سلاح و ملکی سازی باید اعم بشکل مالی و اعم بشکل سیاسی توسط جامعه بین المللی حمایت گردد. هر معلوماتیکه از طرف لوی خارنوالی به کمیسیون خلع سلاح و ملکی سازی ارائه میگردد باید به آن توجه گردد.
۱۷. تمویل کنندگان بین المللی باید حمایت کافی را برای حصول اطمینان از اینکه پروسه خلع سلاح تعقیب میگردد و اشخاص که با گروه های مسلحانه ارتباط داشتند بطرف خلع سلاح تشویق میگردند، ارائه نمایند. فشار سیاسی از طرف دولت و جامعه بین المللی همچنان باید بالای این گروه وارد گردد. انتخابات سال ۲۰۱۰ مکافات را در صورت تطابق با برنامه دایاگ تهیه نماید.

۱۸. کمیسیون مستقل انتخابات باید نقش وسیع تر را در پروسه انتخابات نامزدان البته در محدوده صلاحیت خویش بازی نماید. روابط رسمی باید هرچه زود تر ممکن باشد با کمیسیون خلع سلاح و ملکی سازی ایجاد نماید. توسط این کمیسیون میتوان که درخواست های نامزدان را با ریفرینس طرح مجدد کمیسیون خلع سلاح و ملکی سازی و برنامه دایاگ بشکل مقایسوی مطالعه نماید.

۱۹. کمیسیون سمع شکایات باید نقش فعال را در رابطه به چک نهایی تطابق یعنی منع روابط با گروه های مسلحانه ، مثلا اگر نامزد ادعا میکند چون خلع سلاح نموده ، کمیسیون سمع شکایات میتوان از کمیسیون خلع سلاح و ملکی سازی معلومات تقاضا نماید.

کمیسیون سمع شکایات

۲۰. کمیسیون سمع شکایات باید یک مرجع دائمی باشد. نقش کلیدی که از طرف این کمیسیون در انتخابات برای مشروعیت بخشیدن به این پروسه ایفا گردید باید به دیده قدر نگریسته شود ، در اولویت قرار گیرد و از اینکه خطر تقلب در انتخابات سال ۲۰۱۰ همچنان میتوان موجود باشد، حمایت جامع تر به این کمیسیون صورت گیرد.

۲۱. آموزش کارمندان کمیسیون سمع شکایات در عرصه کشف و تحقیق تقلب قبل از انتخابات سال ۲۰۱۰ با رهنمود در مورد چگونگی ایجاد مسئولیت ها برای اعمال تقلبی راه اندازی گردد .

۲۲. تمامی حمایت مورد نیاز برای اتمام تحقیقات معطل و فعلی قضایای تقلب بالخصوص موارد مربوط به کارمندان کمیسیون مستقل انتخابات ارائه گردد. یافته های آن تحقیقاتی که جریان دارند باید بشکل رسمی به کمیسیون سمع شکایات تحویل گردد چون در مورد اقدامات علیه کارمندان متقلب کمیسیون مستقل انتخابات به اینها فرصت میدهد.

۲۳. کمیسیون سمع شکایات از استقلالیت اداری ، وجوه مالی و تشکیلاتی مستفید میگردد. تفکیک واضح باید میان وجوه برای برنامه های همکاری انتخاباتی و کمیسیون سمع شکایات حفظ گردد. اگر برنامه مانند برنامه انکشافی ملل متحد ، پروژه تقویت ظرفیت قانونی و انتخاباتی برای فردا در جای خود باقی بماند ، دو کمیسیون های جداگانه برای تهیه همکاری تکنیکی به کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون سمع شکایات ایجاد گردد. هر چند ، این موارد در اسناد موجود میباشد ، ولی توسط پروژه تقویت ظرفیت قانونی و انتخاباتی برای فردا تطبیق نمیگردید. تصامیم که در مورد کمیسیون سمع شکایات گرفته میشود نباید شامل کارمندان هر دو کمیسیون مستقل انتخابات و پروژه تقویت ظرفیت قانونی و انتخاباتی برای فردا باشند.

رسانه ها

۲۴. نشرات جدیدالتاسیس خدمات عامه رادیو تلویزیون ملی در سایر برنامه های خویش بالخصوص در جریان کمپاین های انتخاباتی خط بی طرف ، مربوط به هدف و معلوماتی صحیح را ایجاد نماید. گزارش دهی توسط رادیو تلویزیون ملی بشکل متوازن و واقعی بشمول تحت پوشش قراردادن فعالیت های مراجع دولتی بدون برخورد سلیقه یی ، باشد. رسانه های خصوصی نیز در تطابق با اصل بی طرفی و پوشش عادلانه کمپاین ها یعنی پوشش بی طرف و متوازن سایر احزاب و نامزدان در خبر ها و مباحثات سیاسی توجه نمایند.

۲۵. صلاحیت های بیشتر به کمیسیون رسانه های انتخابات بشمول قدرت مؤثر مجازاتی علیه آنعهده رسانه هاییکه در مطابقت با تصامیم کمیسیون عمل نمیکند ، اعطاء گردد. مراجع باید توجه کنند تا این به یک کمیسیون دائمی مبدل گردد (همانطوریکه در ماده 43 قانون جدید رسانه ها ذکر گردیده) ، هر چند ، دارای بودجه عمومی ، ولی با صلاحیت ها و وظایف ویژه در جریان دوره های انتخاباتی وجود داشته باشد.

۲۶. کمیسیون رسانه های انتخابات برای بلند بردن آگاهی از کار این کمیسیون ، باید بیشتر در صحنه نقش بارز داشته باشد. این را میتوان با ایجاد یک صفحه انترنیتی مختص و یک دفتر مطبوعاتی برای ارائه منظم اعلامیه ها و بیان های مطبوعاتی ایجاد کرد.

۲۷. همکاری های تخنیکی برای تقویت مهارت های مسلکی ژورنالیستان ، تدوین کننده گان و مدیران رسانه های خصوصی و دولتی خصوصاً در رابطه به حصول اطمینان از پوشش مؤثق و متوازن انتخابات ، ارائه گردد. به شکل خاص کوشش ها برای ارتقای ظرفیت مسلکی رسانه های منطقوی نیز صورت گیرد.

مشارکت زنان

۲۸. واحد جندر در کمیسیون مستقل انتخابات پلان استراتژیک خویش را نخست برای تمرکز بالای مشارکت زنان منحیت هر دو رای دهندگان و نه فقط کارمندان مراکز رای دهی بلکه کارمندان اداری همچنان گسترش بخشد. استخدام کارمندان اناثیه مراکز رای دهی و مفتشین زنان در پروسه انتخابات زود تر آغاز گردد و برنامه های خویش را با نهادهای زنان که به تمامی کشور دسترسی دارند ، هماهنگ سازند.

۲۹. تمامی اقدامات ممکنه بایست براه انداخته شود تا از ثبت و رای دهی وکالتی به نمایندگی زنان جلوگیری بعمل بیاید. این اقدامات شامل تمرکز روی آموزش های مناسب ، حمایت از مراکز و کارمندان رای دهی و برنامه های آگاهی عامه برای هر دو مرد و زن میباشد. پروسه مشاورتی میتوان اقدامات مؤثر را برای ثبت و رای دهی توسط خود زنان ایجاد مینماید که شامل موقعیت عالی برای ثبت ، موقعیت عالی برای رای دهی و توظیف تعداد کافی کارمندان اناثیه در مراکز ثبت و رای دهی ، میباشد. واحد جندر کمیسیون مستقل انتخابات همراه با ادارات مربوطه دیگر ، این را برنامه ریزی نماید.

۳۰. سهمیه حداقل نمایندگی زنان در شورای ولایتی بیشتر گردد یا همان تعداد قبلی حفظ گردد. تعداد مشخص نمایندگی زنان در شورای ملی ، شورا های ولایتی و ولسوالی ها باید حداقل ۲۵% نمایندگی آنان که به اساس قانون تعیین گردیده است ، به نشر رسیده و تکثیر گردد.

۳۱. پروسه ی مشورتی در جریان ثبت و راجستر و کمپاین با فعالین زنان در سیاست میتوان نسبت به مسایل امنیتی و سایر نیاز های دیگر کمک نماید. این کار با وزارت های امورزنان ، امورداخله و نهاد های غیر دولتی زنان هماهنگ گردد. مؤثریت برنامه محافظین وزارت امور داخله به زنان نامزد ارزیابی گردد. در صورت اتخاذ همین برنامه برای انتخابات سال ۲۰۰۹ ، اقدامات مؤثر در تمام کشور راه اندازی گردد تا از این که تمامی نامزدان واجد شرایط مستفید گردد، حصول اطمینان شود.

۳۲. تجدید تعهد تطبیق پلان ده ساله عمل برای زنان افغانستان برای از دسترسی مساوی زنان به معارف و عواید اطمینان حاصل گردد. با تطبیق این زنان قادر به دسترسی حقوق مدنی و سیاسی خویش میشوند.

مشارکت جامعه مدنی

۳۳. ظرفیت نهاد های ناظرین محلی برای ارزیابی مکمل از سیکل انتخاباتی ، ارائه پیشنهادات غرض بهبود کیفیت و استمرار این پروسه ، تقویت گردد. مراجع همکاری های تخنیکی باید توسط گروه های ماموریت نظارت انتخابات کمک گردد. این مراجع مشوره های رابه اداره انتخاباتی و سایر ادارات ارائه مینماید. گروه های ماموریت نظارت انتخابات از گروه های دیگر نظارت تفکیک گردد.

تعلیمات مدنی

۳۴. برنامه های تعلیمات مدنی بشکل جاری ایجاد گردد و سایر برنامه های تعلیمات مدنی باید روی حق اشتراک زنان تاکید نماید. ایجاد تعلیمات مدنی هر چه زود تر باید در اولویت قرار داده شود که نهاد های با تجربه بخش

تعلیمات عمومی مدنی کسب گردد. بجای اینکه معلومات رای دهندگان کسب گردد. این نهاد ها برنامه های خوب را برای هردو مرد و زن دایر نماید. این برنامه دربرگیرنده درجه عالی سواد و چالش های دیگر رسیدگی کند. همچنان درجه مؤثریت برنامه های فعلی تعلیمات مدنی در نظر گرفته شود.

شمارش و جدول بندی

۳۵. شمارش باید به تعقیب بسته شدن مراکز رای دهی آغاز گردد. در حقیقت اگر بیشتر یک انتخابات اعم باشد ، شمارش باید آغاز گردد. این امر باعث کاهش امکان تقلب میگردد.

کشف و کاهش اندازه تقلب

۳۶. در آغاز پروسه انتخاباتی ، طرزالعمل واضح و مفصل باید برای کشف و کاهش اندازه تقلب بوجود آید. کارمندان انتخاباتی ، رای دهندگان ، ناظرین و نمایندگان با این معرفی شوند که همچنان در تطبیق میتوان کمک نماید. اقدامات فعلی برای کشف و کاهش تقلب بشکل مکمل باید تطبیق گردد. کمیسیون مستقل انتخابات قوانین ، مقررات و قدمه ی توجه به نتایج مشکوک و تفکیک آرا در صندوق های مشکل برانگیز برای تحقیق بیشتر به دسترس عامه قرار دهد. عدم ارائه معلومات عامه در مورد قوانین ، مقررات و قدمه ی از طرف کمیسیون مستقل انتخابات و سرانجام سردرگمی پیرامون صندوق های مشکوک رای دهی و این که باید چه اقدامات مناسب باید راه اندازی میگردد، شد.

۳۷. در اقدامات کشفی تقلب موارد آتی باید در نظر گرفته شود:

- واحد جندركمیسیون مستقل انتخابات باید پلان استراتژیک خویش را برای تمرکز درمسأله اشتراک زنان درپروسه انتخاباتی ساده و مؤثرسازد.مشوره و همکاری با گروپ های زنان باید ایجاد گردیده تا باشد که از منابع وآگاهی آنان بصورت مؤثر استفاده شده بتواند.
- جمع آوری فورم ها و لست رای دهندگان برای کاهش اندازه تقلب ابزار خوب میباشند که این ابزار جهت کشف تعداد آرای کثیر در صندوق های رای دهی میتوان استفاده گردد. هر چند، هر دو این ابزار در انتخابات سال ۲۰۰۹ موجود بودند، ولی به موارد تطبیقی هردو بدین معنی که اینها برای چک مقایسوی تعداد رای دهندگان و تعداد آرای ثبت شده در مراکز رای دهی استفاده شود ، بشکل درست توجه نشد. مطالعه مقایسوی فورم و لست رای دهندگان برای انتخابات آینده امریست اجباری.
- آغاز پروسه انتخاباتی طرزالعمل واضح و لازم الاجرا تفتیش بوجودآورده شود . این پروسه از عدم آمادگی و ارائه نظریات که برای مردم عامه قابل افهام نمیباشد ، جلوگیری بعمل بیآورد. تفتیش پروسه واضح و مورد هدف شمارش میباشد، که در اختیار عامه قرار داده شود و بشکل شفاف و قابل فهم برای رای دهندگان راه اندازی گردد.
- در آغاز پروسه انتخاباتی تعداد و موقعیت نهایی حوزه ها و مراکز رای دهی به اطلاع عامه رسانیده شود. اگر تعداد یا موقعیت مراکز رای دهی تغیر میآید، باید دلیل وی روشن ساخته شود و به اطلاع عامه رسانیده شود. این امر از تقلب مثل پرنمودن بیش از حد صندوق های رای دهی و استفاده از مواد رای دهی در مراکز خیالی جلوگیری بعمل آورده میتواند.
- طرزالعمل واضح و لازم الاجرا برای حصول اطمینان از حفظ و پیگیری مواد انتخاباتی در صورت عدم استفاده ایجاد شود. برای جلوگیری از توزیع بیش از حد مواد انتخاباتی در ولایات که تنها برای تقلب میتوان استفاده گردد، مواد انتخاباتی تنها به مراکز رای دهی که رسماً ثبت باشند توزیع گردد.